



کارگران جهان متحد شوید!

۲۰ صفحه

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - چهارشنبه - ۷ آبان ۵۹ باضمیمه ۳۰ ریال

(کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند
کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و پیرو
ازمکتشان و روشنگران انقلابی متکی هستند)
ولادیمیر ایلیچ لینن

جنگ و گروگانها

مسئله گروگانها یا جاسوس
آمریکایی یکی از جنجال برآ
نگیزترین مسائل بین المللی
در سال گذشته بود. در ۲۳ آبان سا
ل گذشته دانشجویان خط امام به
معبیت و حمایت عناصری از هیات
حاکمه و در مخالفت با سیاست دو
جانبه موقت بازرگان در مورد نژاد
دیکی و سازش رسمی و علنی با
امپریالیسم آمریکا دست با شفا
ل سفارت آمریکا و گروگانگیری
کارمندان جاسوس آن زدند.
این اقدام منجر به تیره شدن
روابط ایران و آمریکا و سپس
قطع رسمی آن گردید. در طول
یکسال گذشته مسئله گروگانها
همواره عامل مهمی در جلوگیری
از عادی شدن روابط ایران و آ
مریکا و بمعالج رسیدن رژیم
حاکم برایان با آمریکا بوده
و بالمال همواره مورد مخالفت
بورژوازی لیبرال قرار گرفته
است.
بقیمه صفحه ۲

گزارش به خلق ایران از

جنوب جنگ زده

کمی دیر از خواب بلند شده بودم، صبحانه
نخورده، علامه‌ها و کتابها را ریختم. سویی
ساک ۱۰۰ تا هم بیک رزمندگان برداشتم
برای فروش توی محله! از در حیات که بیرون
می‌آمدم یکباره صدای انفجاری هوا را لرز
اند. سرعت خودم را به خیابان رساندم
بقیمه صفحه ۱۰

زمینه‌های وقوع و بازتاب بین المللی جنگ

تغییراتی که در منطقه خلیج فارس
و خاورمیانه در چندسال اخیر بوجود آمد.
تا ثیرات مهمی بر سیر تحولات جهان
گذاشته است. یکی از محصولات این تغییرات
همان جنگ اخیر میان ایران و عراق است.
بقیمه صفحه ۳

دزفول

شاهد جنایتی دیگر، توستر رژیم عراق

حمله موشکی ارتش عراق به شهر دزفول
که به شهادت دهها تن از هم میهنان ما رزما
منجر شده است نشانه‌دهنده ماهیت جنایتکار
رژیم عراق است. این دومین باری
است که چنین جنایتی رخ میدهد. نا توانی
جمهوری اسلامی در فراهم نمودن امکانات
دفاعی در مقابل چنین حملاتی و بدتر از آن
مجبور کردن همه مردم به کار روزندگی
عادی در شهرهایی که این چنین در معرض
خطرند برآیند این فاجعه افزوده است.



ضمیمه ۱

۵ اخبار جنگ

توبه
گرگ
مرگ
است!

ضمیمه ۲

درباره جنگ و تاکتیک کمونیستها

امپریالیسم آمریکا گرگی است که تا کنون با رها و بارها
ایلام کرده است رابطه اش را با خلقهای جهان "عادلانه" خواهد نمود.
اما هر کسی میدانند امپریالیستها هر روز هزاران بار از آزادی و
استقلال خلقهای جهان حرف میزنند و منظورشان هم اینست که
خلقهای جهان فقط وقتی آزاد و مستقلند که از نظر سیاسی و
اقتصادی به امپریالیسم وابسته بوده و تحت سلطه باشند. توبه
امپریالیسم آمریکا، مرگ است نه توبه نوشتن بر روی کاغذ!

در صفحه ۱۴

در صفحات دیگر میخوانید

جنگ و حیلله‌های سرمایه‌داران!



یک گزارش روستایی از کربل



یاد رفیق رزمنده شهید



محمد رضا رضائی

واگرمای بداریم!

لیبرالها جان تازه‌ای می‌گیرند

کارگران جهان متحد شوید!

جنگ

کمونئیستها که همواره منا - دی مبارزه با امپریالیسم وپا - یگا های داخلی آن بوده اند، در همان موقع اعلام نمودند که خرده بورژوازی حاکم علیرغم اشغال سفارت و گروگان گیری جاسویان، از آنجا شبکه امریکو - ب مبارزات توده ها و سلب قدرت از آنان و خفه کردن هر چه بیشتر خلاقیت و ابتکار توده ای را به عنوان مشغله اصلی وجهه همت خود بنا خسته است نمیتواند مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی را بطور جدی و بنحوی که بین کننده منافع توده ها باشد پیش ببرد. اما این مبارزه از آنجا شبکه به تشدیدتقا طبقه کارگر و توده های ستم دیده با محوریت و آزادی و امپریالیسم منجر می گردد، میتواند و باید که مستفاده کمونئیستها قرار گیرد. و از این رو امری است مقید و مثبت. اینک یکسال پس از این واقعه و در حالی که تصادفی ضمیمه و شایعاً میمون خالگرد اشغال سفارت و روز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را برهم منطبق نموده است (۱۳ آبان = ۴ نوات مبر) محت این گفتار هرچند بیشتر روشن میگردد زیرا ظاهراً گوسهایی که با مصالحت بگروگان گرفته شده در تقییمت خون توده های مردم جنوب کشورمان و از میان اجساد شهدای خرمشهر در حال آزاد شدن هستند. اما ببینیم جریان از چه قرار است.

● امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه خاور میانه و بورژوازی عراق همچنانکه با رهنگ گفته ایم از جنگ هدف سرنگونی رخصت مینمودند، امپریالیسم آمریکا بر آن بود که با وارد آمدن ضربتی از جانب قوای نظامی عراق، آشفتنی و هرج و مرج موجود در ایران افزایش یابد. فته و باعث تضعیف هر چه بیشتر رژیم حاکم و در درجه اول جناح خرده بورژوازی آن گردد و این شرایط به ضد انقلاب مغلوب و دا روسته های مسلح پالیزبان

و اویسی مزدور را زده دهنده است. استفاده از ناراضا بیتی وسیع توده های مردم از رژیم و گرایش آنها به بختیاری (که شدیداً افزا - بیش یافته بود) وارد عمل شده و با خود و با کمک قربانان ارتش و بخش قابل ملاحظه ای از ارتش ناراضی قدرت را در دست گیرند و با اینکه قدرت کاملاً بدست بورژوازی در ایران منتقل شود و عمل در آمدن این ستار میو نتوانست منجر به روی گنار آمدن رژیم سرسپرده آمریکا گشته و خا غرا امپریالیستهای

بپذیرش سلطه مجدداً امپریالیسم نبودند. نتیجه اینکه جنگ بجای ثقیوت به تضعیف ضد انقلاب مغلوب و وگامش شدید نفوذ آن در میان توده ها منجر گشت. اما شکست این سیاست امپریالیسم لاقول در کوتاه مدت بمعنای پایان یافتن توطئه های آن نیست و اینک امپریالیسم آمریکا راه دیگری را انتخاب کرده است. اگر این جنگ که بر طبق نقشه های امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، منجر به تقویت خرده بورژوازی

● آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را ساقط کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق و فشارهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید و با استفاده از تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت جنگ سعی نماید تا رژیم ایران را زام نماید.

آمریکای از جانب ایران حداقل تا مدتی آسوده سازد. این نقشه امپریالیسم آنچنانکه انتظار داشتند بعمل در نیامد. امپریالیسم آمریکا روی بنگ عامل حساب نکرده بود و آن اینکه توده های مردم در ایران متناز می از کوزه داغ یک انقلاب بیرون آمده اند و پتانسیل انقلابی آنان هم چنان در سطح بالایی قرار دارد. این جنگ بر عکس رژیم امکان داد که با بکار گرفتن پتانسیل انقلابی توده های متوهم به نفوذ خود در میان توده ها تحکیم بخشد. توده های کارگران و زحمتکشین شهری و روستایی علیرغم ناراضا بیتی هایی که از رژیم داشتند دفاع از انقلاب خود برخاستند و در این میان توده های ارتشی پیشقدم گشتند آنها در موارد بسیاری فرماندهان خود را حتی بیوزر اسلحه و ادا ریه شرکت در جنگ میکردند و خود نیز بارشادت و از جان گذشتگی توده ای که از انقلاب خود دفاع میکند با میدان نهادند. آنها اگر چه از رژیم ناراضا بیتی - هایی (با درجات متفاوت) داشتند اما بهر حال وجهه ضربه

حاکم ایران و تضعیف رژیم صدام کرده مسلماً برنده آن است. آمریکا نخواهد بود. اینجاست از آن چرخش که ظاهراً در سیاست امپریالیسم آمریکا دیده میشود. در هفته گذشته آمدند تا یکی در محبت از جنگ ایران و عراق عبارت تجا و زعراق را بکار می برد. آمریکا اعلام مینماید که با تجزیه ایران و خشمه و آردنشن برتنامیت ارضی آن مخالف است. این به چه معناست؟ آیا آمریکا تصمیم گرفته است که ارتجاع منطقه و رژیم صدام را که بعد از سالها گرایش به شوروی اخیراً با آمریکا نزدیک شده است، رها کرده و به حمایت از رژیم ایران بپردازد؟ آنها رژیم که تحت هژمونی خرده بورژوازی حاکم قرار داشته و اطمینان یافتن کامل از آن برای آمریکا لاقول فعلاً قابل تصور نیست. این تصور البته نادرست است. آمریکا هرگز عراق و ارتجاع منطقه را رها نخواهد ساخت. این امری روشن و واضح است. اما مسئله ای که باعث چرخش ظاهری در سیاست های آمریکا گشته چیزی جز شکست سیاست اول و ادامه سیاسی که منجر به جنگ گردیده بشود ای

دیگرنیست. آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را ساقط کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق و فشارهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید و با استفاده از تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت سعی نماید تا رژیم ایران را زام نماید. اما شکست این سیاست امپریالیسم لاقول در کوتاه مدت بمعنای پایان یافتن توطئه های آن نیست و اینک امپریالیسم آمریکا راه دیگری را انتخاب کرده است. اگر این جنگ که بر طبق نقشه های امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، منجر به تقویت بورژوازی

خوبش در خاکمیت و تشبیت خود با آمریکا است. این سازه برسد به نقطه شروع این سازه گروگانها هستند. آمریکا اعلام میدارد که حاضر است در قبال تحویل گروگانها لوازم بیدکی مورد نیاز ارتش ایران را تحویل دهد و خرده بورژوازی حاکم نیز میروند. با این امر توافق نماید و بورژوازی امپریالیست نیز او را در این راه تشویق و تشویق مینماید. آمریکا اگر بتواند با استفاده از این فرصت، فرصتی که خود پدید آورده است، هم گروگانها را آزاد ساخته و هم ایران را بخصوص از لحاظ نظامی بخود نزدیک کند مسلماً به بخشی از اهداف خود از جنگ نایل آمده است. یعنی اگر قادر به سرنگونی خرده بورژوازی حاکم نگردد به در عرض بتواند او را رام سازد. اگر چه نمیتوان آزادی گروگانها را قطعی دانست ولی شکی نیست که از هر دو طرف تلاشهای زیادی در این مورد می شود. بخصوص نزدیکی موعدا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در این تشدید تلاش آمریکا برای باز پس گرفتن گروگانها بسیار مؤثر است.

بهر حال در صورتیکه آمریکا در این امر موفق گردد با احتمال قوی سعی خواهد نمود که از گسترش دامنه جنگ جلوگیری نمود و جنگ را تا حد رام کردن رژیم ایران و تقویت بورژوازی امپریالیست بقیه راضحه ۱۲

بقیما صفحه ۱

زمینه‌های وقوع جنگ

اهمیت جنگ در این منطقه آنچنان است که بهیچ وجه نمیتواند برای کشورهای مختلف بخصوص امپریالیست‌هایی که مهم‌ترین ماده خام خود (نفت) را از این منطقه تهیه میکنند قابل اغماض باشد. این واقعیت بعلاوه میلیاردها دلار که توسط امپریالیست‌های مختلف در کشورهای مختلف این منطقه سرمایه‌گذاری شده است و بلاخره منافعی پایگانه‌ای متعدد نظیر آب و هوا و رشته‌های مختلفی که منافع امپریالیست‌ها را بر این منطقه مربوط میکند همگی بر اهمیت تغییرات این منطقه میافزاید.

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در این منطقه در چند ساله اخیر رخ داده است سرنگونی رژیم شاه در اثر جنبش انقلابی بوده‌های مردم ایران بوده است. رژیم شاه که رژیمی سرسپرد به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا بود، علاوه بر میلیاردها دلار که از لحاظ اقتصادی بواسطه خرید کالاها، انعقاد قراردادهای و تأمین شرایط صدور سرمایه به ایران، عاید سرمایه‌داری جهانی مینمود، بتدریج به عامل اصلی حفظ ثبات منطقه خلیج فارس از نظر امپریالیست‌ها تبدیل گشت.

از اواسط سالهای ۷۰ - ۱۹۶۵ که رژیم عراق با قطع پیوندهای اقتصادی (نظیر ملی کردن نفت)، سیاسی و نظامی (خروج از سنتو) با آمریکا و انگلیس، روبه توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی و نظامی با شوروی گدارد، و نیز حکومت متعادل به شوروی بر زمین جنوبی استقرار یافت، منافعی امپریالیسم آمریکا با خنجر در منطقه مواجه گشت؛ توسعه جنبشهای ضد امپریالیستی از یک سو و رشد نفوذ رقیب آن از سوی دیگر.

خطر فوق زمانی در منطقه بالا گرفت که سیاست عمومی امپریالیسم بدلیل شکست مفتضحانه‌ای که در ویتنام عاید شده بود در مورد دخالت مستقیم در اعمال قدرت خویش دچار تجدیدنظر میگشت. در ۱۹۷۱ تشریفی جدیدی تحت عنوان دکترین نیکسون به نیابت از سوی جهان سرمایه‌داری توسط امپریالیسم آمریکا تهیه گشت. بزبان این دکترین تقویت و تجهیز جنگ‌های نخبه‌گری امپریالیسم در مناطق مختلف در پناه فروش میلیونها دلار اسلحه و لشکر مستشاران نظامی جایگزین حضور مستقیم و آشکار نیروی نظامی در تحولات منطقه میگشت.

رژیم شاه به چند دلیل شرایط تبدیل

به چنین میزهای را داشت. اولاً دست‌یابی به میلیاردها دلار از خارجی از طریق فروش نفت. ثانیاً: ماهیت خود این رژیم که جای هیچ تردید و ملاحظه‌ای را در ایفای این نقش باقی نمیگذارد. ثالثاً: موقعیت استراتژیک نظامی که ایران در خلیج فارس داشت.

ابعد تسلیم و تجهیز رژیم شاه تا آنجا رفت که بزودی این رژیم اولین شاهکار خود را در سرکوب جنبش انقلابی خلق ظفار بر علیه سلطان قابوس به اجرا آورد. نیزه‌های نظامی رژیم شاه در مرزهای یمن که پشتگاه این جنبش انقلابی بود مستقر گردید و به تحریکات و تهاجمات مرزی مشغول گشت. این عمل رژیم شاه بدنبال افزایش نیروی نظامی ارتش شاهنشاهی در خلیج فارس و جایگزین شدن آن بجای نیروهای انگلیسی مستقر در جزیره (تنب بزرگ و کوچک و بسو موسی) صورت گرفت و بدینوسیله سیطره نظامی خویش را تکمیل نمود.

رژیم عراق هر آن زمان که در کسوف حمایت سوسیالیست‌های امپریالیست‌های شوروی سودایی مشابه رژیم شاه را در سر میپورراند، بعنوان یک رقیب منطقه‌ای برای رژیم شاه و عامل یک رقیب بی‌سین المللی برای امپریالیسم آمریکا به یک خطر تبدیل میگشت. دخالت رژیم شاه در جنبش انقلابی خلق کرد در یکردستان عراق، موجب آن گشت که در روستاهای مزدور نظیر قیاده موقت با تکیه بر رژیم شاه در واقع به عمل در اجرای سیاست این رژیم تبدیل شود. در مقابل رژیم عراق نیز با تخصیص امکانات به مخالفین رژیم شاه (اعم از انقلابی و ضد انقلابی) و بویژه مخالفین مذهبی (طرفداران خمینی)، ناسیونالیست (جبهه ملی) و ضد انقلابیونی نظیر تیمسور بختیار زاهرا مکانی برای تحت فشار گذاردن رژیم شاه خود داری نمیکرد.

بایک سازش رسمی در سال ۱۹۷۵ و به قیمت قطع حمایت از مخالفین رژیم / منتقابل، و انعقاد قراردادهای مرزی، معاصه آشکار و خفا در رژیم‌های ایران و عراق متوقف گشت. اما تلاشهای سیاسی و نظامی در تقویت بنیه خویش از طریق وابستگی هر چه بیشتر از سوی رژیم دنیال گردید. بی‌انگفا در قرارداد ۱۹۷۵، رژیم شاه خود را آنچنان قوی تصور میکرد که بمراحت ما موربت خویش را در حفظ ثبات منطقه تا اقیانوس هند و منطقه مویوم به شاخ آفریقا بسط

میداد.

روابط گرم اقتصادی و نظامی رژیم شاه با سایر رژیمهای دست‌نشانده امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکا بی در منطقه خلیج فارس و خاور میانه، بخصوص بعبارت تشبیه قدرت رژیم شاه روبه افزایش میگذازد از سلطان قابوس در عمان گرفته تا ملک حسین در اردن، حکومت‌های متحد دی خود را بنوعی در اتحاد با این نوکران با ب مشترکشان قرار میدادند. در مقابل، عراق با بسط مناسبات خود با یمن دمکراتیک، لیبی و سوریه قطب مخالفی را از کشورهای تحت حمایت و نفوذ شوروی تشکیل میداد که کشورهای چون کویت و بحرین در این میان راهی طرفی را در پیش میگرفتند. به طرفی‌ای که نه ناشی از استقلال آنها بلکه ناشی از نقش سیاسی خاص آنها در تعدیل مناسبات افراطی عراق و سوریه و لیبی بود نقش از سوی امپریالیسم به عهده این رژیمهای وابسته گذارده شده بود.

سرنگونی رژیم شاه بمفهوم از میان رفتن پایگانه اصلی امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در منطقه خلیج فارس بود، رژیم یعنی کهنقشی همانند اسرائیل در خاور میانه و رژیم افریقای جنوبی در این قاره را ایفا مینمود. واضح است که سقوط رژیم شاه به معنای از میان رفتن این پایگانه و در نتیجه بهم خوردن نظم و تعادل موجود در منطقه از نظر امپریالیسم آمریکا بود. از دست دادن این موقعیت ممتاز، امپریالیسم را به احیای آن از طریق مداخله در تحولات ایران و نیز اتخاذ تدابیر جدید در منطقه مجبور ساخت.

سرنگونی رژیم شاه با دوتحول مهم دیگر در منطقه هم زمان گردید. چرخش سیاست رژیم عراق نسبت به شوروی در جهت دور شدن از آن، و سپرواز افزون مداخله مستقیم شوروی در امور داخلی افغانستان در جهت حمایت از جناحهای حکومتی وابسته به خود، چرخش سیاست رژیم عراق که از مدتی قبل آغاز شده بود با روی کار آمدن صدام حسین و قبضه شدن قدرت حاکمه در دست وی، روبه سرعت گذارد. هفته نامه آمریکایی "نیوزویک" ۶ اکتبر در بررسی سیاست یکساره اخیر رژیم صدام حسین، بالحن تحسین آمیزی مینویسد:

"او (صدام) سیاستهای عربستان سعودی، در بالا نگاه داشتن تولید و پالایش نفت، نگاه داشتن قیمت‌ها را پشتیبانی کرده است و پشتیبانی خود را از فراتر از اطمینان فلسطینی را تعدیل نموده و شورشیان ارتزقه را در جنگ علیه دولت تحت الحما به شوروی در اتیوپی





ساعت نموده است. هفته گذشته تلاشهای حسین (صدام) هنگامیکه اولین سندرسمی خود را به عربستان انجام داد جبراً برانگشت.

همین شریه دزبررسی مناسبات رژیم عدم حسین با کشورهای عربی که عراق به آنها وابسته است میافزاید:

"در ۱۹۷۲، اتحاد شوروی ۹۵٪ تجهیزات نظامی عراق و تقریباً تمام واردات غیرنظامی آن را تأمین میکرد. امروز تنها ۷۰ درصد اسلحه عراقی از روسیه میآید و مسکوبه موقعیت چهاردهم در لیست شرکای تجارت عادی غربی وول کرده است یعنی با فاطورهای از کشورهای غربی نظیر ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، یونان و ایتالیا، ایالات آمریکا، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، سوئیس، آمریکا، انگلیس و ژاپن در بابی موافقت کرده است. و فرانسه هلی کوپتر و بمب افکنهای شکاری میزاید. هم چنین دورا اکتور اتمی که میخواهند عراق را در ساختن یک بمب اتمی کمک کنند، تأمین مینمایند."

روابط دولت عراق با امپریالیسم آمریکا نیز اگرچه دیرتر از امپریالیستهای اروپایی رونق یافته است و هنوز سطح روابط دیپلماتیک هم نرسیده است. اما از لحاظ کیفی سرعت روبهگرمی گذارده است. دولت آمریکا به شرکتهای متعددی اجازه بازگشتی با عراق را داده است و این شرکتهای اکنون در زمینه اکتشاف نفت، تجهیزات هواپیمایی مشغول بکارند. حتی دولت آمریکا اجازه فروش موتور گاوچههای جنگی که توسط ایتالیا برای عراق ساخته میشوند را در کرده است که اکنون بعلمت نظرها آمریکا به بی طرفی فروش این موتورها به تعویق افتاده است. یک نمونه از سرمایهگذاران آمریکایی مجتمع پتروشیمی بوده است که مشترکاً توسط یک شرکت آلمانی و یک شرکت آمریکایی بر اساس یک قرارداد دیک میلیار دلاری ساخته میشود.

گرایش روزافزون رژیم عراق به اروپای غربی و آمریکا بخصوص در یکساله اخیر طبعاً شکست دیگری در "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه وابسته کردن کشورهای عقب مانده به شوروی بوده است. این شکست میثابه جدیدترین تجربه های مشابه (مصر، سودان، سومالی) بنوبه خود شوروی را در اتخاذ شیوه های جدید جهت

تحقق اهداف خود در این کشورها و ادار نمودن آنهاست.

مداخله نظامی شوروی در افغانستان به عنوان یک روش جدید شوروی در قبضه خراتی که حکومت و بخصوص جناحهای وابسته به شوروی و منافع آن را در کشورهای "راه رشد غیر سرمایه داری" را تهدید میکند یعنی مداخله نظامی و سرکوب مقاومت توده های هم امپریالیسم آمریکا را بلحاظ توسعه طلبی شوروی بوحشت میانداخت و هم حکومتها بی چون عراق را که با هیات حاکمه ای

امپریالیستهای آمریکایی و متعدبین آن برای ارتجاع منطقه ورژیم "ساداتی" در عراق میباشند. اینست یکی از ریشه های اتحاد نامقدس امپریالیسم، ارتجاع حاکم بسر منطقه ورژیم عراق.

نه تنها آینده ایران بلکه امروز آنهم (حاکمیت جمهوری اسلامی و سیر فزاینده مبارزه طبقاتی در جامعه) برای این اتحاد نامقدس دردناک است. منافع آنی ارتجاع منطقه و امپریالیستهای حامی آنهاست از "صورت انقلاب اسلامی" در خطر افتاده و مجال

● گرایش روزافزون رژیم عراق به اروپای غربی و آمریکا بخصوص در یکساله اخیر طبعاً شکست دیگری در "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه وابسته کردن کشورهای عقب مانده به شوروی بوده است. این شکست میثابه جدیدترین تجربه های مشابه (مصر، سودان، سومالی) بنوبه خود شوروی را در اتخاذ شیوه های جدید جهت تحقق اهداف خود در این کشورها و ادار نموده است.

استفاده در از مدت از خیرات فدکمونستی آن برای امپریالیستها نمیشد. این سیاست خارجی "جمهوری اسلامی" که در واقع با زتاب سیاست داخلی آن (فدیت بسا بورژوازی انحصاری در عین خدیت بسا انقلاب) است در چشم انداز رشد مبارزه طبقاتی در جامعه با آن نزدیکی نمیداشت. هم چنانکه در طول حکومت ۲۰ ماهه جمهوری اسلامی رشد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها ادامه یافته و ترکیب طبقاتی حکومت بسود خرده بورژوازی حاکم تغییر مییافت.

پس از اشغال سفارت و بخصوص پس از آزمایش راه حلهای مختلف جهت دگرگونی در حاکمیت و سیر تحول جامعه در ایران، کسب از تلاشهای مسالمت آمیز در تقویت جناحهای بورژوازی لیبرالی حکومت تا طرح کودتای نوژن را در بر میگرفت. امپریالیسم آمریکا زمینه را فراهم کرد جنگ حاصل شده ای را بر علیه ایران تدارک دید. این تدارک در سطح

● در عین حال آینده ایران مورد توجه شدید سوسیال امپریالیسم شوروی نیز قرار دارد. شوروی سعی میکند با حمایت از خرده بورژوازی حاکم و با کمک نیروهای داخلی وابسته خود مانع "جذب توده ایران" را به آنچه خود را "رشد غیر سرمایه داری" می نامد و در واقع چیزی جز سرمایه داری دولتی وابسته به شوروی نیست بکشد.

نظیر هدام حسین، سرنوشتی نظیر دوا و دخان و حفیظ الله امین را میتوانست در انتظار داشته باشد. این وضعیت تلاش رژیم عراق را در بر پیدا نمودن متحدینی در میان رژیمهای منطقه و جلب حمایت بین المللی تسریع میکرد. همین وضعیت فعالیتهای امپریالیسم آمریکا در اعاده نظم از دست رفته در منطقه را دوچندان مینماید.

در این میان آینده ایران نقش محوری در تعیین سرنوشت منطقه داشته است. در صورت بروز انقلابی مجدد در ایران، زوری کار آمدن حکومتی انقلابی که برای همیشه ایران را از دایره اقتصاد و سیاسی نظامی امپریالیسم آمریکا رها سازد، منافع موجود امپریالیستها در ایران و در منطقه خلیج، بلحاظ رشد جنبشهای انقلابی بخطر مرگ افتند. و چاره ای جز دخالت مستقیم نظامی امپریالیستها که خود ملاحظاتی فراوانی را بدنبال دارد متصور نمیشد. و نیز در صورت پیدا شدن تحولی در رژیم سیاسی ایران که تجربه

دیگری را در "راه رشد غیر سرمایه داری" (ویا در واقع راه رشد سرمایه داری دولتی) وابسته به شوروی را بپیماید، خطری که رنگ آن از افغانستان در گوش امپریالیسم آمریکا و متحدینش و ارتجاع حاکم بر منطقه و از جمله رژیم عراق ظنین انداز شده بود در سطح منطقه را در بر میگرفت. پس مبارزه برای آینده ایران یک مبارزه حیاتی است.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

مره" ایضا حساب شده، اقتصادی، دراستقبال نوکران امپریالیسم آمریکا از ادعای امری رضی عراق در مورد رود کارون و شبه جزیره، پزافزایش تولید نفت عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس، در اعطای وام و انعقاد قراردادهای نظامی و غیرنظامی امپریالیستها با عراق، گرد آوردن نیروهای ضد انقلاب مغلوب ایران در مرزهای ایران و عراق و بالاخره در سرازیر شدن ناوگانهای امپریالیستهای مختلف به منطقه خلیج فارس، مشهود بوده است.

ملک حسین به پشتیبانی از رژیم عراق به تحت اشغال بودن قسمتی از "میهن عربی" (خوزستان) انا ره میکند و مکانات خود را در اختیار این رژیم میگذارد. شیخ نشین های خلیج فارس از خطر حاکمیت جمهوری اسلامی بر شبه جزیره فتنه هر مردم میزند و از دخالتهای رژیم حاکم ایران در امر داخلي آنها (صورت انقلاب اسلامی) شکایت میکنند، فرانسه و آمریکا، بفروش مستقیم و غیر مستقیم اسلحه و انعقاد قراردادهای اقتصادی با عراق میپردازند و چند لشکر از ارتشیان فراری به فرماندهی امثال پالیزبان و اوپبی در شیخ نشینها و بخصوص در عراق تدارک دیدند. میشود به بحرین و عمان پایگاه نظامی در اختیار آمریکا گذارده و ناوگانهای آمریکا در این نقاط مستقر میشوند. هم اکنون امپریالیسم آمریکا در خوزستان و سایر واکششی جنگی دیگر را در منطقه مستقر کرده است. هم چنین نیروهای دریایی فرانسه و آلمان درهم آهنگی با امپریالیسم آمریکا به نیروهای نظامی آنها میپیوندند.

امپریالیسم آمریکا که کارگردان اصلی تدارک این جنگ است، از یک جنگ محدود میان عراق و ایران پشتیبانی میکند. جنگی که بتواند هر دو کشور را برای جبران خسارات وارد شده از طریق وام و مثالهم هر چه بیشتر به پاییزه بازرجانی سرمایه دارانی بازگرداند و هر گونه مانعی (بخصوص در مورد ایران و حاکمیت خرده بورژوازی آن) را از سر این راه برود.

محدودیتی که جنگ را تا مرزهای هیات حاکمه عراق که چرخش در راه رشد غیر سرمایه داری را امتحان میکند و تا رسیدن به مقصود تقویت و روی کار آوردن حکومت بورژوازی در ایران، بیشتر ادا نمیدهد.

بر طبق اخبار خبرگزاری های خارجی ضد انقلابیون مستقر در عراق و کشورهای منطقه نیرویی قریب به ۵۰۰۰ نفر را آماده و رده به صحنه جنگ بر علیه ایران مینمایند.

بیشروی سریع عراق در خاک ایران و شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی نمیتوانست هم رژیم عراق را در همسویی با این سیاست امپریالیسم آمریکا و حمایت مستقیم ارتجاع منطقه پیروز کرده و آن را به ادا مداخلین همسویی و بالاخره و خدت نامینون، ترغیب کند و هم تمام سرافکنندگی شکست را متوجه خرده بورژوازی حاکم نماید که ارگانهای بورژوازی دچار اختلال کرده بود و این سرافکنندگی در زمینه زندانی بودن نالیسم در میان توده ها شرایط را برای باقی ماندن رژیم خمینی، رژیم آخوندها فراهم نکرده بود. شرایطی که از آن سیاست بورژوازی حاکم و یا ضد انقلاب مغلوب مستقلاً و با نوا می توانستند بهره برداری کنند.

در روزهای اول جنگ رادیوهای امپریالیستی با آب و تاب از پیشروی ارتش عراق و پیروزیهای آن خبر میدادند و مخصوصاً رادیو آمریکا بر این مطلب تأکید میکرد که عراق به بیش از ۴۰۰ کیلومتر حاشیه مرزی ایران نظر ندارد و تا زه بعد از مذاکره و آتش بس از این حدهم پس از بدست آوردن امتیازات، عقب خواهد نشست. رژیم عراق نیز ادعا مینمود که عراق به وجبی از خاک ایران چشمداشت ندارد و تنها برای اعتاده مطالبات مرزی و خلاص نمودن مردم ایران از رژیم خمینی وارد عمل شده است. و ضد انقلابیونی چون بختیار اعلام میکردند که تجاوز عراق مسئله ای نیست و برود ایران باید رژیم خمینی را ترنگون ساخته و بعداً مسئله را با عراق حل خواهند نمود. ازندگان مختلف این آرکسترهای خود را برای نواختن یک آهنگ کوک میکردند.

اگر آمریکا منافع خود را از جنبه های مختلف در وقوع یک "جنگ محدود" جستجو میکرد، رقیب بین المللی آن یعنی شوروی که یارای جلوگیری از به اجرا در آمدن این سیاست امپریالیسم آمریکا را نداشت کوشیده است تا سیر جنگ را بشفع مطلق خود تغییر دهد. عدم موفقیت رژیم عراق در تحقق اهداف خود که لاجرم به سقوط آن منتهی نگردد، آینه به جایگزینی جناحی متمایل به شوروی بینا نمید، با زکشت این رژیم حاکم بر عراق را به دایره نفوذ شوروی تا مین میکند. و نیز اگر تا شهرات این جنگ در تحولات سیاسی در ایران برخلاف خواست امپریالیسم آمریکا در تقویت بورژوازی در حکومت ایران باشد، آنگاه زمینه توسعه نفوذ شوروی در ایران نیز مهیا تر میگردد. موضعگیری "حزب توده" که در واقع اجترای سیاستهای ایرانی اتحاد شوروی است، نشانه دهنده، واقعیت اهداف شوروی است. "حزب

توده" تحت عنوان دفاع از جمهوری اسلامی جنگ را تا بیرون راندن ارتش رژیم عراق و نیابتی دیگر شکست اهداف هیات حاکمه عراق توصیه مینماید. همچنین "حزب کمونیست عراق" که ارتش "حزب توده" است، موضعی مشابه را اختیار کرده است. نیابتی دیگر سیاستی که از سوی شوروی عملاً به اجرا در میآید، حاکی از تلاش آن در بیازگرداندن رژیم عراق و جلب رژیم ایران به راه رشد سرمایه داری دولتی و وابسته شوروی است. آمریکا و شوروی هر دو در پی بهره برداری از جنگ و پیشبرد سیاستهای خویش در قبال ایران و عراق هستند. و از این نظر بدون آنکه تمام رشته های خود را با یک طرف جنگ (شوروی یا عراق) و (آمریکا یا ایران) بهره کنند، عملاً نیروهای وابسته و یا متاخر از خویش را در پشتیبانی از یک طرف بحرکت در آورده اند. این سیاست اکنون تحت لوای بیطرفی رسمی ادا می نمایند، اما در خلال پیشنها، آمریکا به ایران در مورد تا مین لوازم بدکی به بهای آزادی، گروهکها و هدایا، "افراط کاریهای" عراق و هم چنین در خلال اجرای تعهدات پیش بینینی شده در قرارداد دولتی شوروی و عراق مشهود است. و این حفظ حداقل رابطه و مناسبات با یک طرف و در عین اتحاد سیاسی، عملی بر علیه همان طرف دنبال میشود.

صف بندی معینی که برای اس جنگ ایران و عراق صورت گرفته است، مبین با زتاب بین المللی آنست: اردن، عربستان، کویت، عمان و شیخ نشینهای خلیج فارس به حمایت فعال (اقتصادی، سیاسی و نظامی) از رژیم عراق پرداخته اند و در مقابل لیبی سوریه الجزایر، و جمهوری دمکراتیک کورجا نسب ایران را گرفته اند. این صف بندی اگر چه متاثر از سیاستهای آمریکا و شوروی است، اما الزاماً بمعنای نفی موضعگیری مستقل گروه دوم یعنی پشتیبانان ایران نیست.

"جنگ محدود" ای که مورد نظر امپریالیسم آمریکا بود، امروز به ضد علت به یک جنگ فرسایشی تبدیل شده است. اولاً: بخاطر مقاومت شدید در مناطقی مورد نظر در اشغال عراق. ثانیاً: پشتیبانی وسیع توده های مردم از دفع تجاوز رژیم عراق که علی رغم ناراضی های موجود نسبت به جمهوری اسلامی و مشقات جنگ ادا می نمایند. ثالثاً: پتانسیل انقلابی بالای توده های ارتشی که در اثر توهم آنها نسبت به هیات حاکمه باعث مقاومت شدید آنها میگشت.



طولانی شدن جنگ باعث آن شده است که خرد بورژوازی حاکم بتدریج بر اوضاع جامعه مسلط شود و از رشد سریع و محبوبیت و اختیارات بورژوازی و ارگان نکیه گاه آن ارتش بکاهد. هم چنین طولانی شدن جنگ به نقش توده ها در شکست تجا و اهمیت روزا - فزونی میبخشد و لذا تسلیح و تشکل توده ها را اجتنابنا پذیر مینماید و با این امر طولانی شدن جنگ و نا کامی رژیم عراق در کسب پیروزی مؤثر حیات این رژیم را مورد مغایرت قرار داده و لذا خطر زوی کار آمدن جناح های دیگری در حکومت عراق که سبب دیگری را سوای منافع امپریالیسم آمریکا تعقیب کنند بیشتر شده است.

دلسوزی نسبت به ایران، تمجید از ارتش و تدارک قوای مشترک امپریالیستی در منطقه و اخیراً اظهارات مقامات آمریکایی در ابربر "عدم تحمل نقض تمامیت طرضی ایران" خبر از یک توطئه جدید امپریالیستی در خلیج فارس میدهد. توطئه ای که میتواند تحت عنوان وضعیت اسفند ساز ایران به دخالت مستقیم امپریالیستها در حفظ حداقل منافع خود در صورت نقض تمامیت طرضی ایران "بیان بخشد و حتی الامکان ارتش ایران را (البته فرما دهی آن را) به همکاری در این برنامه بکشد. بنابراین دیگر امپریالیسم آمریکا بهره برنده روزی نیستی شود که خود بوجود آورده است. اگر چه نقش تدارک چنین توطئه ای خواهد

کردن رژیم عراق است. تنها توده های شدن جنگ که این فقط در طرف ایرانی جنگ، بخاطر حملت دفاعی آن، میسر است میتواند هم خصوصیت طولانی شدن جنگ را جوابگو باشد و هم از قبول شرایط امپریالیسم در کاهش فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی سر باز زند. بورژوازی حاکم و ارتش تحت نفوذ آن که جنگ کوتاه را بفریب موقعت سیاسی خود یافته اند اکنون از توده های شدن جنگ بی خبرند. جنگ شدت در هر استند. و متحد خویش در حکومت (خرده بورژوازی حاکم) را برای قبول راه حل آمریکا که از نظر شکل کنار در قالب آزادی گروهگانه در آزادی از اذیت و فشار روزی و اجازه خرید لوازم بیکری و - سلحه تجلی میکند تحت فشار میگذارد.

● تنها توده های شدن جنگ که این نیز فقط در طرف ایرانی جنگ، بخاطر حملت دفاعی آن، میسر است میتواند هم خصوصیت طولانی شدن جنگ را جوابگو باشد و هم از قبول شرایط امپریالیسم در کاهش فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی سر باز زند.

سیر تحولات جنگ و تاثیرات آن در ایران و عراق که برخلاف اهداف و تصورات اولیه امپریالیسم آمریکا بوده است هم نشان دهنده شکست سیاستهای آن است و هم هشدار دهنده اقدامات جدیدی از سوی آن. ساده انگاری خواهد بود اگر تصور شود امپریالیسم آمریکا با وضعیتی بدتر از قبل از جنگ به نتایج طبیعی این جنگ تن دردهد و هم فاشد سقوط رژیم عراق هم شاهد بقای جمهوری اسلامی و رشد مبارزه طبقاتی جامعه و اینبار بر مبنای تب خطرناک تر از سابق باشد.

یک حربه سیاسی در تحمیل سیاست های مورد نظر آمریکا در حال حاضر است، اما بنوعی آن یک خطر بالقوه میباشد در محاسبات تحولات جنگ در نظر گرفته شود. شکست امپریالیسم آمریکا در سیاست جنگ محدود "هنوز بکنای پایان سیاست های متنوع آن در خاتمه جنگ بتفع خود نمی باشد. تدارک دخالت مستقیم به بیانه حفظ منافع جهان غرب قبل از آنکه کاربرد عملی پیدا کند میتواند از لحاظ سیاسی بعنوان یک عامل فشار برای تحمیل سیاستهای آمریکا بکار رود. عراق برای ادا مصلحتها و خود به حمایت اقتصادی، سیاسی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم آمریکا بخصوص از طریق اردن، عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس متکی است و لذا بدون ادا مصلحتها نمیتوانی این مرتجعین قادر به ادا مصلحت جنگ برای مدت طولانی نخواهد بود. حکومت ایران نیز که در این جنگ بر ارتش متکی است نمیتواند بدون تامین تجهیزات لازم، ماشین نظامی خود را بکار اندازد و علاوه بر این برای بکار انداختن این ارتش را در مقابل جبهه سوم که تمرکز نیروهای امپریالیستی تهدیدی درگشودن آن نیست را ندارد. این ناتوانی حکومت های طرفین جنگ زمینه مساعدی برای امپریالیسم آمریکا در تحمیل شرایط خویش و کسب امتیاز و عقب نشاندن رژیم ایران و آرام

بورژوازی در حکومت قریباً میزند: "بنظر ما کسانی که خواهان ادا مصلحت جنگ فرسایشی کردن آن، پس از شکست نیروهای نظامی عراق هستند قبل از آنکه به بعد خارچی جنگ توجه داشته باشند ادا مصلحت را در اوضاع و احوال داخلی مورد توجه قرار میدهند. اینان معتقدند در صورتی که عراق بایک شکست غوری و کوتاه مدت رو برود و ما جنگ را خاتمه بدهیم حالت کمیت سیاسی موجود در داخل ایران (یعنی موقعت تقویت شده بورژوازی و ارتش - رز مندگان) قوام و دوام بیشتری خواهد یافت. از این رو با دیدن یک راه هر شکلیش ادا مصلحت در این صورت جنگ از وضعیت و فرماندهی فعلی آن خارج شده و مسئله تشکیل و بسیج توده ها در مقابل خطر داخلی جنگ مطرح میشود که این بسیج توده های به کنترل آنها در خواهد آمد. و از این طریق میتوانند موضع رئیس جمهور را تضعیف نمایند.

(ا) انقلاب اسلامی (۲۲ سپهرنگه از ما است) البته منظور از این کسانی که خواهان ادا مصلحت و... هستند "خرده بورژوازی حامی کم، همان متحد بورژوازی در حکومت است. همین گمان هستند که بورژوازی میکوشد آنها را به "بعد خارچی جنگ" توجه دهد و در واقع به قبول "ضروریات و واقعیات" ناشی از سیاستهای امپریالیستها بنماید. بورژوازی میکوشد که جناح غالب حکومت خود از توده های و طولانی شدن جنگ علی رغم ادعای استقبال از آن وحشت دارد. زیرا جنگ توده های و طولانی مستلزم آن رهبری، سازماندهی و برنامه ریزی مهمتر مستلزم بقیه صفحه ۱۱

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



جنگ و حيله‌هاى سرمایه‌داران!

الف- ایران ترانسفو

از مدتی قبل که شورای انقلاب با تصویب ۴۴ ساعت کار در هفته، یورش جدیدی را بر علیه کارگران آغاز نموده بود، مدیریت کارخانه ایران ترانسفو برای به اجرا درآوردن این قانون ضدکارگری، دست به حيله‌هاى فراوانی زد، اما به هیچ وجه موفق نشد، البته یکی از دلایل شکست او در اجرای این قانون، وجود یک قرارداد دسته جمعی بود، که بین مدیریت کارخانه و سندیکای کارگران در سال ۱۳۵۷ بسته شده و مطابق آن کارگران تعهد کرده بودند که با افزایش تولید، هفته‌ای چهل ساعت کار کنند، اما میزان تولید را با اندازه ۴۵ ساعت کار در هفته تحویل دهند، با چنین حيله‌ای بود که کارفرما گرچه بظاهراً ۴۰ ساعت کار در هفته موافقت کرده بود، اما در عمل کارگران را به اندازه ۴۵ ساعت کار در هفته استمنا می‌کرد. با اینحال، از آنجا که سرمایه‌داران از مکیدن خون کارگران هرگز سیراب نمی‌شود، مدیریت این کارخانه هم پس از اطلاع از قانون ضدکارگری ۴۴ ساعت کار در هفته، باز هم دیک طمعش به جوش آمده و حمله جدیدی را برای استمنا بیشتر کارگران آغاز کرد. البته توطئه‌هاى او تا مدت‌ها با هوشیاری کارگران خنثی میشد، تا اینکه سرانجام، جنگ همچون فرشته تاجاتی به یاری سرمایه‌داران آمد، آنها در خیلی از کارخانه‌ها و از جمله در این کارخانه، با سوء استفاده از احسانات پاک کارگران، که با شنیدن اخبار وحشتناک جنگ و کسب اطلاع از ایفای دستکارانه تجا و زفایشتم‌های عراقی دستاوردهای انقلاب و خانه و کاشانه زحمتکشان ما شدیداً متاثر شده و آمادگی هر نوع جانبازی هستند، موقع را مناسب تشخیص داده و یورش جدیدی را برای استمنا بیشتر کارگران تدارک دیده‌اند.

از اولین روزهای گسترش ناگهانی جنگ، مدیریت شروع به اعلام بی‌دربی این خبر کرد که از روز پنجم صبح ۴۸ دقیقه به ساعات کار روزانه اضافه شده و با بیستی در هفته ۴۴ ساعت کار کرد، با اعلام این خبزها، نجوادر میان کارگران شدت گرفت و موجی از اعتراض بیباخت، شورای کارکنان مورد فشار افکار عمومی قرار گرفت و سرانجام اعلام کرد که کارگران روز دوم صبح در مجمع عمومی

شرکت کنند. یکی از کارگران، در آغاز موضوع جنگ تجا و زکارانه، عراق با ایران را مطرح کرده و اعلام کرد که کارگران و زحمتکشان ایران، همانگونه که رژیم شاهنشاهی را سرنگون کردند، پوزمه متجا و زمین عراقی را نیز بیخاک خواهند مالید، کارگران آنگاه ضمن ابراز تنفر از فعلیت‌های ضدانقلاب

به دلیل کارشکنی‌های مدیریت،

شورای کارکنان کارخانه البرز استعفا کرد!

خانه کارگران این کارخانه، در گذشته آشنا هستند، با قسمتهای از نامه نماینده کارگران، را که با تاریخ ۳۱ شهریور منتشر شده است در اینجا می‌آوریم:

اخیراً ماه‌های بدست ما رسیده است که در آن اعضای شورای کارکنان کارخانه البرز با ذکر دلایلی، استعفاى خود را در مقام نيل کارگران اعلام کرده‌اند، با توجه به اینکه خوانندگان ما، با عبارات قهرمانی

"خواهران و برادران... امضا کنندگان زير با توجه به حقایق و وقایعی که در کارخانه وجود دارد، بیش از این صلاح ندیدند که با شما کارگران و کارکنان مطرح نکنند زیرا آگاهی دادن از وضع کارخانه را یکی از وظایف اصلی شما دانسته و عدم اعتراضات گناهی بزرگ می‌داند.

ما پس از بررسی‌های زیاد در این شدم که به شما بگوئیم انجام وظیفه آنهم مخلصانه در کنار مدیریت فعلی کارخانه امری است نه تنها مشکل بلکه محال است... ما هرگز بر آن نیستیم که شورا در کارخانه با ید بصورت عناصری از عروسکهای خیمه شب بازی باشند که در هیچ یک از امور کارخانه نقشی نداشته و فقط آرامش بخش دل کارگران که شورا بی در کارخانه وجود دارد زووسا بر این بگذارید آنچه که در کارخانه انجام میگیرم کنید.

هرگز بدان معتقد نیستیم که مسائلسی نظیر خرید و فروش، تولید، توزیع، استخدام، اخذ ایش مزد، اجزای همه و همه از امور هستند که غیر از چند نفر مدیران هیچکس کوچکترین مشارکت را در آن نبا ید داشته باشد، هرگز با ورنداریم که اداره کارخانه هنوز با ید بشکل بائدبازی و هرگیری بین مدیران بر سر منافع و با بصورت پشت پرده وزیر میزی انجام گیرد، جالب آنکه با همه کارشکنیها و عدم همکاریهای مدیران اخیراً پیشنها دهکاری نیز به شورا ارائه میدهند که از نظر ما با توجه به عملکرد گذشته به هیچ وجه ما دقانه تلقی نمیشود، اینها همه موقعی انسان را بیشتر زنج می‌دهد که با مانی نیز در موزی ما بندها یداری و خرید و فروش و غیره پیدا میشود که دودارکله است

بلند می‌گردد... مثلاً یک دفعه مطلع میشوی که مثلاً ۳۰۰۰ تومان در حسابداری آنهم بصورت معجزه‌آسا و با ورق المعاده به اصطلاح گم می‌شود... و با مثلاً مطلع میشوی که ناگهان پنج تن از کارگران را بر زور روشن بدون اطلاع شورای کارخانه و حتی خود کارگران اخراج کرده و نام آبراهم میگذارند بسیار در صورتیکه عوامل اختناق و سرکوب در رژیم گذشته هنوز در کارخانه هستند و ما تند گذشته نقش و اندازم را بازی می‌کنند. حتی مقامی که اخیراً زوار ارت صایح و معادن تشریف آورده اند هیچ یک از مشکلات این کارخانه را نه تنها حل نکرده اند بلکه حتی نتوانسته اند که تشخیص نیرید دهند. این آقا فکر میکنند که مشکل اصلی چند چارت و جدول کشیدن و سلسله مراتب را بنیان کردن میا شد و نیز تشکیل کمیته کذا بی طبقه بندی مشاغل گویا نمیدانند در زمانی که مدیران کارخانه را مدت یک هفته ترک کردند بدون سلسله مراتب و چارت شما حتی شما نیز بسیار جان و دل چطور کار انجام می‌گرفت... ولی این شورا به چنین وضعی راضی نیست زیرا که در مقابل خدا و مردم خود را مسئول دانسته و قاتل در انجام وظیفه مخلصانه نمیباشد و از سمت خود استعفا می‌دهد و بدو بهتر آن دید که ما دقانه با شما در میان گذاشته تا خود راه اصلی بهتر و مناسبتر بیاید و در ضمن خواهواستار آنیم که جلسات مجمع عمومی که قبلاً برگزار میشد هر چه زودتر تجدید کرده تا حقایق را هر چه بهتر با شما در میان بگذاریم.



خارج از کشور (بختیار، اویسی، بالیزبان و ۰۰۰۰) عواملی را نیز که از داخل زمینه ساز قدرت گیری آنها هستند و می‌کوشند تا کارگران و زحمتکشان را از ادامه انقلاب منصرف کنند، محکوم نمودند.

آنگاه موضوع اعلامیه‌های متعدّد مدیریت کارخانه در رابطه با ازدیاد ساعات کار مطرح شد و کارگران با استناد به قرار داد سال ۵۷ که عملاً به تشدید فعالیت‌های تولیدی، و با لایردن ضریب استشار کارگران، این میزان ۴۵ ساعت کار تولیدی را در مدت ۴۰ ساعت تا بین می‌کند، اعلام کردند که کارگران این کارخانه، حتی خیلی زودتر از بقیه کارخانه‌ها میزان کارشان خودد یکساعت هم بیشتر از این قانون ضدکارگری رده و در نتیجه اقدامات مدیریت برای باز هم بالا بردن شدت استشار، عملی و حثیانه و ضدکارگری است. کارگران همچنین در خواست کردند که دستمزد آن یکساعت کار اضافه، بطور جداگانه به کارگران پرداخت شود. آنها علاوه بر این اعلام کردند که نیم ساعت وقت ناها رکه طبق قانون باید جزو ساعات کار محاسبه شود، تاکنون اجرا نشده و خواستار اجرای آن و در نتیجه تعطیل کارخانه به مدت نیم ساعت زودتر از موعد معمول شدند. با ذکر این دلایل، مسلم است که صحبت از اضافه کردن ساعات کار، حرف احمقانه و غیر قابل مذاکره‌ای خواهد بود.

کارگران با ابراز احساسات فراوان این نظرات را تائید کرده و شوراً رسماً اعلام نمودند که از تاریخ ۵ مهر، در همان ساعت قبلی کار را تعطیل می‌کنیم و اعلامیه مدیریت است غیر قابل اجرا است. در حالیکه نماینده مدیریت کارخانه می‌کوشید تا "با توجه به اعلامیه مجلس شورای اسلامی و وزارت کار" مزخرفات مدیریت را تکرار کنند، کارگران با هوجنال جلسه را ترک کردند.

روزشنبه ۵ مهرماه، کارگران یکپارچه و متحد، رأس ساعت همیشگی کار را تعطیل کرده و سواً بر سرویس‌ها کارخانه را ترک کردند.

فردای آنروز، مدیریت دوباره اعلام کرد که با بد ساعت کار ۴۸ دقیقه اضافه شود و به سرویس‌ها دستور داد که با توجه به ساعت کار جدید حرکت کنند. اما کارگران اعلام کردند که اگر پها ده به خانه‌ها نماند برویم. ساعت کار را اضافه نخواهیم کرد!

روزهای یکشنبه و دوشنبه هم، با وجود تمام توطئه‌ها و تهدیدهای مدیریت و کارگران با اتکاء به نیروی لایزال و متحد خود، کمترین توجهی به فشارهای کارفرما ننکرده و در ساعت مقرر کار را تعطیل کردند. روز سه‌شنبه، مدیریت به حیلّه جدیدی متوسل شد، او اعلام کرد که "بخاطر وضعیت بحرانی ناشی از جنگ" از امروز به مدت یک هفته ساعت کار روزی یک ساعت کمتر میشود!!

این مسلم بود که کارفرما می‌خواهد با کم کردن ساعات کار آنهم به مدت یک هفته، کارگران را بقول معروف ابتدا نمک گیر کرده (۱) و پس از آن که "مزه" شرابست/ جنگی را چشیدند آنگاه حرف واقعی اش را که همان اضافه کردن ساعات کار است، به جمیل کند!

در نظام سرمایه‌داری، کارگران همواره غریزه طبقاتی خود را بخوبی بکار می‌گیرند و توطئه‌های سرمایه‌داران را از صد فرستگی حس می‌کنند!

کارفرمای که تا دیروز "بخاطر وضعیت بحرانی ناشی از جنگ" از کارگران تقاضای اضافه کار می‌کرد، امروز با همان بهانه می‌خواهد ساعات کار را کم کند!

شورای بلافاصله تشکیل جلسه داد و این اطلاعیه را یک "توطئه و حقه بازی" ارزیابی کرد و برای تمسخر کارفرما هم که شده، اعلام نمود که بعلمت حملات هوایی در جنوب کشور، اکنون به تعداد زیادی ترانس احتیاج است و در ضمن از آنجا شیکه ساعت تعطیل کارخانه چندان هم دیر نیست و کارگران بکارهایشان می‌رسند، لذا کم کردن ساعات کار ضروری نمی‌باشد!!

به این ترتیب، حیلّه جدید کارفرما با زهم به اتکای هوشمندی و اتحاد کارگران خنثی شد.



ب- شوکومارس

روز سه‌شنبه ۱۵ مهر، در حالیکه در کارخانه شوکومارس همه چیز مثل همیشه جریان داشت.

و کارگران مشغول بکار بودند و از جنبه صحبت می‌کردند در ضمن به او دیوگوش میدادند، تا گه‌ها خیر رسید که شورا از کارگران دعوت کرده است که همگی در ناها رخسوری اجتماع کنند. کارگران دست از کار کشیدند و دستجمعی به ناها رخسوری رفتند. در اینجا مدیر عامل کارخانه خود را آماده کرده بود که برای کارگران صحبت کند. مضمون این سخنرانی، در حقیقت مجموعه حرف‌هایی است که اینروزها در خیلی از کارخانه‌ها شنیده میشود. سرمایه‌داران، با شروع جنگ و با سوء استفاده از اخبار ناراحت کننده‌ای که از جبهه‌های جنگ می‌رسد و خبر از قتل و غارت زحمتکشان بوسیله متجاوزین ضد خلقی حکومت عراق دارد، موقع بسیار مناسبی یافته‌اند، تا اهداف کثیف و ضد کارگری خود را تحقق بخشند و با هر کلکی که هست خون بیشتری از کارگران بکنند!

جناب لواسانی، مدیر کل کارخانه شوکومارس هم جزو همین افریاد است و در چنان روزی، سخنرانی اش را بر این ای کارگران با همین هدف شروع می‌کنند. از آنجا که این نوع سخنرانی‌ها در این روزها شایع است و فراوانی به هم دارند و حیلّه‌های پلید مشابیهی در آن‌ها نهفته است، خلاصه‌ای از صحبت‌های او را برای شما می‌آوریم!

درباره ملی کردن کارخانه و نیسز سرویس‌ها مان دادن وضع کارگران، خدا میداند که چقدر ما زحمت کشیدیم و در سرها دیدیم! اما نکته، بنا را چیت کننده این است که بعضی از افراد می‌بند و اعلامیه بخش می‌کنند و در آن چیزهایی می‌نویسند تا بین کارگران تفرقه بیاندازند. مثلاً اعلامیه‌ای می‌نویسند به این عنوان که با اتحاد کارگران، نتوانستند اعضای هیئت مدیره و شورا را اخراج کنند! خیر آقایان! ما خودمان شما را بیرون نکردیم ما خودمان از این کار جلوگیری کردیم! نباید که با اتحاد کارگران!

(همانطور که از متن سخنرانی معلوم است، گویا در کارخانه اعلامیه‌ای در تشویق کارگران به اتحاد و نتایج مثبت این اتحاد دپخت شده است، ولی جناب لواسانی که مثل تمام کارفرماهای دنیا، از اتحاد کارگران وحشت دارد، ادعا می‌کند که گویا نویسندگان این اعلامیه‌ها می‌خواهند بین کارگران تفرقه (۱) بیاندازند! بیایم

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

روز چهار رشنبه ۲۳ مهر از سا -
 ختمان خوابگاه دانشجویی دختر
 آن در خیابان مشیرفاطمی
 شیراز صدای داد و فریاد به گوش
 میرسد. این خوابگاه در حال حائ-
 ضرمحل زندگی آوارگان جنگی
 و کسانی است که از آبادان
 نقل مکان کرده اند. ما چرا از ا-
 بن قیام بود که عده ای از پاسدا -
 ران به همراه چند نفر لائزبیه
 درب خوابگاه میروند و شروع به
 فحاشی و توهین به این آوارگان
 میکنند و آنها را بزدل و ترسو و فر-
 اری خطاب میکنند. اما عمل
 این ضد مردمان باخشم بسیار
 بر دم ساختمان و تمام شهررو -
 بروش مردم شهر میدیدند که اکثر
 سکنه ساختمان زن و بچه هستند
 و آنها هم که شوهران و پدرانشان

آوارگان جنگ، تکفیر می شوند!

به شیراز آمده اند، ۲ یا ۳ نفر -
 شان در لوب مرز مشغول جنگیدن
 هستند. یک پسر ۱۸ ساله در این
 بین میگفت "۴ برادر من لب مرز
 هستند و خود من هم اسلحه ای
 داشتم که به بهانه کمونیست
 بودن آن را از من گرفتند و مسرا -
 روانه شیراز کردند!"
 زنی میگفت بعد از چند
 روزی که از آبادان به اینجا
 آمدیم ما گفتند فلان روز ما -
 عت ۳ بعد از ظهر سخنرانی است،
 همگی بیایید ما هم زن و بچه
 و پسر و جوان بلند شده و به یک
 سالن رفتیم بعد از چند دقیقه
 یک آخوند مدو برای ما راجع به

جنگ صحبت کرد و بعد از گفتن
 چند کلمه راجع به جنگ چنین
 ادامه داد: "ای بنا مرده های
 خوزستانی! چرا به اینجا آمد-
 اید برگردید و بجنگید!!" و ما که
 عصبانی شده بودیم با او دعوا
 کردیم و گفتیم آیا تو اینجا مرد
 جوان میبینی؟! از کجا میدانی
 مرده های ما در جبهه نباشند! اکثر
 راست میگویند و شهادت داری خوب
 دت برو به جبهه و بجنگ! خلاصه او را
 با فحش و کتک از سالن بیرون
 کریم!
 مردم شهر با شنیدن این
 حرفها شدیداً عمل پاسداران و وفا
 لائزها را رد میکردند و حرفهای

آوارگان جنگ را تا شنیده کرده
 و میگفتند آنها با کدام اسلحه
 میخوانند با میک های عراقی
 و موشکهای زمین به زمین -
 بجنگند!؟ نه تنها آنها بلکه
 تمام مردم ایران آماده جنگ
 هستند. ولی بدون سلاح سرمان را
 در درها از زدها نخواهیم کرد!
 آری! تا شنید مردم سایر نقاط
 به ترک شهرهای جنگ زده از سوی
 مردم آن شهرها و اعمال ضد مردم
 می پاسداران، فالانژها و عده ای
 مردم فریب خورده، زمینه دیگری
 است برای آگاهی هر چه بیشتر
 کارگران و زحمتکشان ما از ا-
 هیت ضد مردمی رژیم جمهوری
 اسلامی ایران!

وقاحت بیشتر از این هم میشود؟

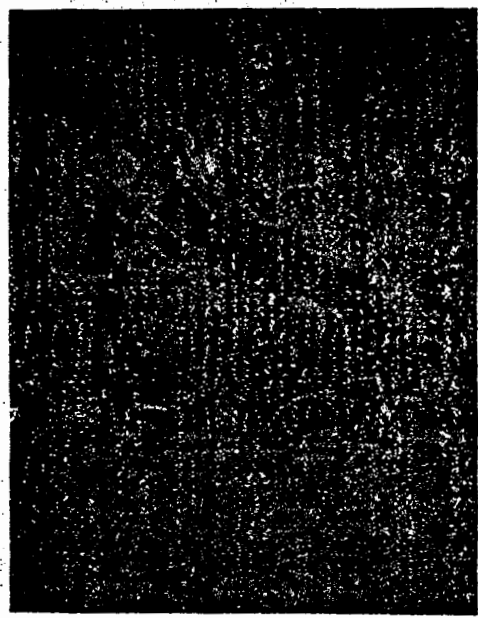
ما خود این افراد را میشناسیم و اگر د-
 ست از این کارهایشان بر ندارند، ما از پشت
 همین تریبون آنها را بکارگران معرفی
 خواهیم کرد! اما دفعه اول به آنها نصیحت
 میکردیم، ولی حالا دیگر آنها را ا-
 خواهیم کرد!
 جناب کارفرما، پس از اینکه به ای-
 ترتیب کارگران آگاه و انقلابی را مورد حمله
 قرار داده و تهدید به اخراج میکند، آنگاه
 به سراغ بقیه کارگران رفته و از "تنبلی"
 و "کم کاری" کارگران مینالد! و پس از صد
 تی مقدمه چینی میگوید:
 "... خلاصه کلام، کارگران کم کاری
 میکنند و ناراحتی من از کم کاری و بیکاری
 کارگران است!
 در این موقع کارگران که از این
 حرف خشمگین شده اند، شروع به اعتراض زیر
 لبی میکنند و عده ای از آنها فرغ کنندگان
 میگویند: کجا بیکاریم! بخدا دستمون داره از
 درد مینا فقط ما جناب کارفرما بی اعتنا به
 این حرفها صحبت هایش را ادامه میدهد:
 "بیایید این جور آدم ها را معرفی
 کنید. اگر کم کاری دیدید گزارش کنید!
 اگر من هم کم کاری کردم گزارش کنید! الان
 موقعیت جنگی است، موقعیت استثنایی است.
 همه باید دست به دست هم بدهیم و به گفته
 رهبران تولید را بالا ببریم! دشمن از
 بیکاری ما سوء استفاده میکند!
 ما در حقیقت داریم زیر بمب و مسلسل تولید
 میکنیم، خانها، آقایان! اگر تولید
 شرکت در شش ماه اول سال از روزی ۳۵ هزار
 تومن کمتر باشد، شرکت روبه ورشکستگی

میرود. فکر موقعیت شرکت را بکنید! در حال
 حاضر ما تولیدمان به زور به روزی ۱۱۷ هزار
 تومان میرسد. ما تولیدمان پانزده آمد ه
 ولی در عوض حقوق شما بالا رفته است!!
 صبحانه شما روزی پانزده هزار تومان
 میشود! روزی ۱۸ هزار تومان پول نوشابه
 میدهم! شما ببینید چقدر ما جس خریده ایم
 و پشت مرز مانده است! کارگران قدیمی
 میدانند که دانه کا کا شو قدر برای این
 شرکت ضروری است! این ما برای آنها
 پول داده ایم، ولی در عوض تولید نداریم.
 شما حساب کنید چند نفر از طرف دولت برای
 رسیدگی به وضع شرکت می آیند. مزد آنها
 میلیتی معادل ماهی ۵۰ هزار تومان است!
 جناب کارفرما، پس از آنکه به کثیف
 ترین و زدنانه ترین شکلی، پول صبحانه
 و نوشابه را به رخ کارگران میکشود و بنا
 ذکر از قام درشت گوش میکند کارگران را
 مرعوب کرده و فریب دهد، سرانجام پس از
 این همه روزه خوانی ها حرف حسابش را بر زبان
 میاورد و میگوید:
 "... ما و هیئت مدیره تصمیم با هم
 تصمیم گرفتیم حالا که در شرایط جنگ قرار
 داریم وضع شرکت هم روبه وخامت است،
 از شما خواهیم که گذشت و فداکاری کنید و
 خواهش ما را بپذیرید و بنیاید با طریقه بود
 وضع کارخانه و با لاف رفتن تولید، روزی یک
 ساعت ونیم بیشتر کار کنید. نیم ساعت صبح
 و یک ساعت بعد از ظهر!
 بعد از پایان سخنرانی، بلافاصله
 فر فرود آمد و بعد از کارگران شروع شد.
 زنی از قسمت زیر زمین بلند شد و فریاد کرد
 آقای لواسانی! ما کارگران نمیتوانیم

صبح در تاریکی به کارخانه بیاییم و
 شب هنگام تاریکی کارخانه را ترک کنیم.
 ما نا سلامتی زندگی و خانواده هم داریم!
 این حرفها زدنش ساده است و شما براحتی
 حرفش را میزنید، ولی ما نمیتوانیم
 اینجا مثل دهم، اصلاً بنا چه لواسانی، بنا
 لحنی که ملاحظت و تهدید هر دو را در خود
 داشت جواب داد: خب خانم! شما نمیتوانید
 هر کس میتواند بنیاید! در این موقع جلسه
 کا ملا شلوغ شد و کارگران، ناراحت
 و خشمگین از جای خود بلند شدند تا اعتراض
 خود را بگوش دیگران برسانند. هر کس بنوی-
 عی مشکل خود را برای آمدن و رفتن مطرح
 میکرد. کارگران زن نما بنده خود را دور
 کرده بودند و از او میخواستند که از حشمان
 دفاع کند. اما او میگفت شما بروید خودتان
 حرفتان را بزنید. من قبلاً هر چه که گفته ام
 قبول نکرده اند!
 در این موقع لواسانی که با اعتراض
 کارگران تمام سخنرانی عوام فریبانه اش
 نقش بر آب شده بود، چاره ای تدبیر جز اینکه
 پرده های ریاکاری را بردارد و حرف واقعی اش
 را بزند. او و خشمگین فریاد زد که: بیایید
 بیایید هر کس بنیاید مملکت است! این
 چه وضعی است! حتی حاضر نیستند با ط-
 مملکت و شرکتتان یک کمی بخود زحمت بد-
 هید! شما با بد بیشتر کار کنید! شما دل-
 بحال مملکت نسوخته! از فردا صبح همه با بد
 بیایند!
 در این موقع خشم کارگران به اوج خود
 رسید و در حالی که فریادها و اعتراض به آسمان
 بلند شده بود، کارگران جلسه را ترک کردند.
 این روزها در کارخانه غوغای برپا
 است! همه در باره سخنرانی لواسانی صحبت
 میکنند و هیچ کس حرف های ضد کارگری و دردم
 و غیره درازی های ریاکارانه! و اقبال ندارد!

گزارش به ... بقیاض صفحه ۱

هکلاتری ۳ ترسیده بودم که متوجه ...
 رافیک غیرعادی شدم. همه روبه میسندان
 رکت میگردند. از چند نفر پرسیدم: چه شده؟
 بچکن بدرستی نمیدانست. یکی از بچه‌ها
 سوار موتور بود صد ازد، حسین، حسین ...
 اصر بودیدم سوار موتورنا صرخیلی سریع
 برآید: یک هلیکوپتر با سه سرشنین
 ودوالفقاری خوردن به سیم برق هر سه
 امزدن بعضی هامیکن عرافنی هازدن ...
 لان از خواب بلند شدی؟ من: آره. ناصر.
 قتی دیدم دیر کردی داشتم میومدم درخود
 هتون که بگم بساط نیاری آپرسیدم حالا
 چرا اینقدر ترافیک شده؟ ناصر: پاسدارها
 آهنگ بسنن جاده باشگاه ایران هم
 سته شده جلوی درسا هرفتم یه دوری برنم.
 کی از پاسدارها داشت بروصدا میگوئد که چرا
 بنقدر شلوغش کردین. مردم وحشت کردن! ...
 به محل حادثه که رسیدیم شلوغ بود. چهاره
 بردم. را اظطرابه گرفته بود. چندین هفته
 برخورد های پراکنده و تبلیگمدهوایی هسا
 بویا حالا دیگر جدی شده بود مردم همه اینترا
 یفهمیدند ما امروز نمیدانند. با ناصر
 برگشتیم که یه دوری توی شهر بریم. امیر
 سرعت در شهر پیچیده بود شهر مملو از نگرانی،
 نه چشما نا خودا که به طرف پالایشگاه میرد
 متبجای بوی شرعی و ماهی که همیشه توی
 یادان زیر دماغ آدمهاست توی هوا توی
 ناروت و جنگ پراکنده شده بود.
 توی شهر صدای شلیک تیربارا رو میبارد
 بیومد. دیم تو خیابون شاهپور (سابق)
 نه بریم بساط. راه رو بسته بودن. طرفسای
 با زار ماهی فروشا همه داشتن دکه هسا
 بساط ها شونو جمع میگردن. این طرفا همه
 نارگرای بیکار نبودن که با بساط شربت و
 پای و سیگار اموراتشون میگذشت حالا در بدر
 نشدن. پاسدارها با داد و بیداد مردم را
 با دار به جمع کردن. بساطها میگردن. یکبار
 زمین زیر پا مون لرزید همه دراز کشیدیم:
 زنها جیب میزدن. به امیک روسی بود کسسه
 اومد این دشت آب زده ما ختمون ذادگستری
 و بیجیدورفت پاسدارها چندتا تیر خالی
 کردن که همین ددم درآورد: که این
 چه وضعیه؟ پس کوتجهیزات ما؟ صدای خشن
 و پر خشمی پاسخ داد: تجهیزات ما توی
 کردستانه ... پاسدارها به ارتش فحش
 میدادند. مردم بی دفاع و وحشت زده بودند.
 از شب دیگه راستی راستی جنگ شروع شد.
 آبادان همیشه شلوغ. آبادان حرکت. آبادان
 دان سرشازاتوان و فریاد. خاموشی خاموش
 بود. ننه و بچه ها سر پشت بوم خواب بودن. نم
 دفاع کندها ما فانه. راه افتادیم طرف سیده.



توی هوا پیچیده بود. یه چیزی مث خلبان
 افتاده بود یه جویم. میدونستم باید یه گای
 بکنیم. مخم داغ شده بود. یواش از پشت بام
 اومدم پائین. نمیشد تا فردا ظهر موقع
 قرار منتظر موند. از طرفی جا بدر فیک مسئول
 راهم هر طوری شده پیدا کنیم ...
 شب با بچه ها حرف زدیم نتیجه گیری
 بحث مون این شد: این جنگ ادا میپیدا
 میکند جنگی است که امیریا لیم و عزرا ق
 به همراه صد انقلاب مغلوب بر علیه میا رزات
 توده ها برآه انداختم اندو مقاومت ملاندر
 حقیقت دفاع از بارزات، توده ها ست که در
 این مقاومت باید. بحث حاکمه ضد خلقی راهم
 افشا کنیم. و قرار شد با برقراری ارتباطان
 فعلا حول خبر گیری کار بکنیم ...
 صبح کارون رازده بودند. ناچار سوز
 هفت رشت تا خونه رانا بود کرده بودند
 جنازه مردم زیر آوارها همه زاب گرفتند
 زاداخته بود. مردم تمبدا نشنیده کنسند
 یکبار ردیگر میگ روسی توی آسمان دور زده
 ما ختمنا نه لرزید و یکبار دود سوزا برآیدان
 را قرار گرفت سی آنکه کسی ستوال کنسند
 همه میدانستند که پالایشگاه است از بسوی
 مردم لرزید. همه میبوت بودند. به در آوردن
 جنازه ها ادا ما دادیم. هر بچه ای که از زیر
 آوار بیرون میا وردیم ضجه ماد ران بیدت
 فاع آسمان را میلرزاند. همه میگفتند آخسه
 چطور این میا دمیکشه و میره ... مکه ما رادار
 نداریم ... توی کارون بودیم که بساط
 خمپاره. تانک فارم راهم زدند ... آبادان
 ان در آنروز لرزید از شعله سزیه آسمان کشیده
 پالایشگاه وحشت برمیخواست. مردم بساط
 دستها بشان مینگر بستند که خالی بود و بساط
 آسمان که جایگا هپرواز میگاهای روسی آپیر
 مردی میگفت: حیوان هم میتونه از خودش
 دفاع کندها ما فانه. راه افتادیم طرف سیده.

کارگران افغانی اسباب و اثاثیه اشان را
 برداشته بودند و میرفتند به تعدادن و بچه
 عرب هم توی خیابون سرگردان بودند.
 از شون ستوال کردم مال کجا شید؟ گفتند:
 مال پادگان خبرو آید. پرسیدم: کمکسی
 بهتون نکردن؟ ... یکی از زنها گفت:
 خودشون فقط میکن خالی کن ... اینها او
 لین دسته مردم بی دفاع بودن که به جعبهای
 مسلح کردنشان آنها را شویق به ترک محل
 میگردند. آنها خانه و کاشانه اشان به گلوله
 بسته شده بود و آواره شده بودند آنها هیچ چیز
 برای دفاع از خود نداشتند و به علاوه نظا میها
 هم میخواستند تواجی مزی را خالی کنند.
 اما آنها کجا بروند؟ چه بکنند؟ ... هیچ
 فقط بقول زایره "میکن خالی کن". اظهر
 نشده بود که خبر رسیده خرمشهر را زده اند. تمام
 خونه های مسکونی مردم رادرب و داغون کر
 ده اند ... کوی طالقانی، مولوی، کمسرتک
 مردم توی خونه ها مرده بودند. تاشب توی
 آبادان ولوله بود. اما با زار هتوزا ز بود
 همه حول جنگ حرف میزدند. صفهای نسان و
 بنزین تشکیل شده بود شورای پالایشگاه
 اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ کردند
 سندیکای پروزه ای و ... مردم همه با روحیه
 جنگی بودند اما بی تقاضی و از طرفی بی
 اعتمادی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی
 به آنها فشار وارد میکرد. جنگ چهره خود را
 نشان داده بود. دود آسمان آبادان را بسوی
 شانه بود و راکت و خنجر ره خانه های
 مردم را زوی سرشان خراب میکرد. با بچه ها
 سنگر بندی را شروع کردیم. علاوه بر سنگر
 سرجاده ها و کوچه ها خندق هم میکنیم. بساط
 کمک مردم محل ارتجاع وحشت کرده بودند.
 سرعت اطلاعیه تونی از راد دیو شروع شد.
 پشت سرهم مردم را از فدا انقلاب داخلی
 متبرسا نندند و میگفتند: داروگونی را بساط
 مسجد بدهید به فدا انقلابی ها بدهید ... اما
 مردم دیگر توجهی به این حرفها نداشتند.
 جنگ شدت میگرفت. احمدآباد، بوارده بنده،
 کارون را مردم خالی کرده بودند. عراقیها
 خانه های مسکونی را هدف گرفته بودند. مردم
 دمی که هیچ منفعتی در وقوع این جنگ
 نداشتند و به علاوه خود را در معرض خطرنا بود
 دی میدیدند با کمترین امکانات از شهر
 خارج میشدند. کمیته های ها و خانواده های
 پاسداران از امکانات بهتری برخوردار بود
 دند. رژیم نه تنها قصد جلوگیری از خارج
 شدن مردم را نداشت بلکه راضی هم بود چرا
 که اگر مردم بمانند با بد مسلح شوند که
 هیئت حاکمه ضد خلقی از مسلح شدن مردم
 بیشتر از امیریا لیم وحشت دارد ... شهر
 خالی میشد.



بچه‌ها برای هماهنگی در کارها لزوم زدن یک چادر را حس می‌کردند. چادر کمیته‌ها وقت "برپا شد" از همان زدن چادر آزار و اذیتها شروع شد. اول از انجمن اسلحه می‌سجد با زرگان آمدند و اخطار کردند. بعد خود با سدا را ن. دوسه مرتبه آمدند و تهدید کردند که چادر را بردارید. تا اینکه یکروز ۳۰ ۴۰ تا چادر ریختند توی محوطه اول بچه‌ها وقت کردند مردمی هم که جمع شده بودند دفاع می‌کردند با سدا اول شلیک هوایی کردند بچه‌ها ایستادند بعد از مینسی جلوه‌های بچه‌ها شلیک کردند. و چند نفرشان حمله کردند چادر را با تمام وسایل جمع کردند و بردند. دوتا از بچه‌ها را هم دستگیر کردند. راه بی‌جمهوری اسلامی شروع به سمپاشی کرد. هادی غفاری وارد آبادان شد و موقعی شروع به دادن شعار مرگ بر کمونیست از راه بی‌گردد. با سدا را با شعار مرگ بر منافقین راه افتادند توی شهر. قسمتی از خرمشهر را عراق تسخیر کرد. آنها تصمیم داشتند که بیایند و اردگردن این فشارها کمونیستها را از شهر خارج کنند. اما بچه‌ها با قدرت و روحیه‌ای رزمنده به مقابله برخاسته بودند. چادر را کسه برداشتند بچه‌ها بدون چادر به درون سنگرها رفتند. کمیته‌ها وقت محلات تشکیل شده بود. قیامه‌های ممیم دانش آموزان ۱۵ - ۱۶ ساله تا کارگران کمونیست همه و همه نشان میدادند چگونه رفقای ما با اراده‌ای استوار و قاصد مقابله با هر گونه تجاوزی به حقوق خلق زار دارند چه از جانب متجاوزین و چه از جانب هیئت حاکمه ضد خلقی. کمیته‌های محلات با تمام امکانات کم خود همچنان به کمک مردم می‌شافتند با تمام فشارها سدا را ن. رفقا با رفتن به بیمارستانها به کف سنگ مجروحین می‌شافتند. با جمع کردن گونی‌های و ساختن سنگریزدم را تشویق به خوابیدن در خندقها میکردند. در محلات کمیته‌ها آموزش همگانی صبح را برقرار کردند. با تمام هادی و هوئی هادی غفاری از رادیو برعلیه کمونیستها و با تمام فشارها سدا را ن دستگیر کردن رفقای که برای کمک به مردم به نقاط جنگ زده می‌رفتند. مردم محلات در ورزش صبح شرکت میکردند و خستگی سرسرفره‌های جمعی بچه‌ها هم می‌نشستند آنها به این جوانان پر شور و سرسخت، بچه نیروهای که عاشقانه برای آنها رجمت میکشیدند اعتماد پیدا کرده بودند. رفقای دخترزنها محله را جمع میکردند و کارهای پزشکی و امادگی را به آنها یاد میدادند. طی دوسه روز دستگیری‌ها شدت پیدا کرده بود. کمونیستها را در خیابان صید میکردند. چند تا از بچه‌ها را توی بیمارستان دستگیر کردند. یک رفیق هوادار را حسابی کتک

زده بودند. این دانش آموزان ۱۵ ساله وقتی در باره دستگیری خود حرف می‌زدند در هر کلامش عشق به خلق، عشق به منافع توده‌ها، موج میزد. دستهای کوچکش را با بغرت مشت می‌کزد. و نقاط جراحت دیده‌اش را با خشم به سایر رفقا نشان میداد. چندتا از بچه‌ها را توی جنگ خرمشهر پای سنگر دستگیر کردند. با تمام این اوصاف بچه‌ها هنوز هم مصممانه با عزم راسخ و با روحیه ای جنگنده در شهر حضور دارند. آنها با خلق پیمان بسته‌اند که با دشمنان خلق در هر لباسی مبارزه کنند. و اینک در کمیته‌های محلات و مت این حرف به شکل سنگر به شکل خندق به شکل ورزش و... خود را نشان میدهند. در محلات آبادان زندگی جمعی شده است. غذا، ورزش، کار و همه امور زندگی را بچه‌ها با همدیگر انجام میدهند. آبادان در ختم فرورفته! رژیم وقتی دیده‌های

غفاری به آبادان فرستادند، اشری ندارد. اخیراً تعدادی قداشیان امام به آبادان ما در کرده‌اند! گه‌گاه آنها رفتن به سنگرها و با آرمی جی لا و کلاشینکف... تهدید کردن ما است. که اینهم تاکنون هیچ اشری نداشته. آبادان خود را از طرف مسوولتهاجم میبیند. از یکطرف هجوم قداشیان امام به‌کاتونهای مقاومت فرزندانش و از طرف دیگر نیروهای متجاوز عراق که خاکش را با خمپاره و راکت و مینک‌های زومبی مورد هجوم قرار میدهند. آبادان خشمگین است. خشم فرزندان راستش در خندقها خانه کرده است. و تا لحظه طفیان چیزی شما نده است. هر صبح آبادان رزمین سوگند است. در هر گام دویدن همه ما به جنوب و به منافع خلق‌های ایران سوگند می‌بخوریم که به رزمین تا آخرین قطره خونمان برعلیه دشمنان خلق.

بچه از صفحه ۲ زمینه‌های وقوع

آن خصومت انقلابی در سیچ حداکثر نیرو و تکیه به آنهاست که این خرده بورژوازی مطلقاً فاقد است. و لذا این مدعیان که برای مهازبورژوازی و ارتش دم از جنگ توده‌ای و طولانی می‌زنند ولی در واقع به نیروهای منظم ارتش و سپاه پاسداران تکیه میکنند. از تریب نتایج جنیق قماربازی که نتیجه‌ای جز قدرت توده‌ای و رشد نیروهای انقلابی و ایستار عمل آنها نخواهد داشت. هیچگاه به آن متوسل نخواهند شد. فشار ناشی از جنگ و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا و امکانات بین‌المللی آن در ترغیب و یا بازداشتن حکومت عراق کردار است. جنگ برای بورژوازی حاکم در ایران، این فرصت را بوجود آورده است که شجاع تر از سابق برای حفظ موقعیت تازه خویش در حکومت خرده بورژوازی حاکم را تهدیدوار. عابازی اعتنایی به "بعد خارجی جنگ" بیرون آورد. و به همراه این کار وارد عرصه داخلی هم کمی عقب تر بنشاند و به لطف خملت ضد انقلابی مشترکشان او را از نظر هر چه توده‌ای و طولانی کردن جنگ بازدارد و واقع بینانه تر برای نجات جمهوری اسلامی به چاره‌اندیشی مشترک بنشانند. امپریالیسم آمریکا از میان آتش و دود و گلوله مؤذیان دستور جلسه را پیشنها می‌کند: آزادی گروگانها در ازای آزادی ذخایر انرژی، فروش لوازم یدکی در مقابل شرایط معینی جهت حل مسئله جنگ، امثالهم و... اینست آخرین راه حلی که امپریالیسم آمریکا پیش از کاربرد عملی تهدیدات نظامی خود در نظر دارد. تعیین اینکه تا چه اندازه راه حل فوق

موفق گردد، بدون تشخیص یک عامل دیگر غیر ممکن است. نقش توده‌ها در دفاع از استقلال و انقلاب خویش، در جنگ دفاعی بر علیه تجاوز عراق و همین منطقه‌ای و همین المللی آن، اینست آن عاملی که علی‌رغم تلاشهای مذمومانه بورژوازی و روز بورژوازی ترگشته و ارتقا مینمان، ما نیاز به جبهه تا جنگ تن به تن در همه عرصه‌ها جلومکسر میشود. نقشی که حتی خرده بورژوازی حاکم این مدعی طرفداری از توده‌ها را با وجود انداخته است، بریرانه قادر به سازماندهی و هدایت و اجرای زوچیات مبارزه جویانانه آنهاست و نه قادر به تحمیل رشود و گسترش نیروهای انقلابی در این بستر عظیم است. و این همان عاملی است که انقلابیون برای پیشبرد جنگ و ختمی‌های توطئه بورژوازی و تهدیدات امپریالیسم غربی تکیه میکنند. از نظر انقلابیون عامل اصلی در تکتک چنین توطئه‌هایی، توده‌های مردم هستند. شکل و تسلیح توده‌ها و افزایش تعداد اعتبار انقلابیون در جهت نامین رهبری مبارزه توده‌هاست. آنها من بیروزی است. باید این چنین شرایطی امروز با شرکت فعال کمونیستها در جنبش جنگ بر علیه تجاوز عراق، جهت طرح و پیشبرد یک شکل و تسلیح توده‌ها و نشان دادن مدافعت و لیاقت کمونیستها در تجربه خود توده‌ها و نیز افشای ماهیت ضد انقلابی جنجالی مختلف حکومتی از کانسال جنگ است. تا کتیک کمونیستها امروز می‌بایست هر چه گسترده تر و توده‌ای تر نمودن دفاع انقلابی توده‌ها از استقلال و استقلال خویش و نشان دادن بیروت آزادی فعال توده‌های انقلابی و انقلابی رژیم از کانسال جنگ باشد. با تحقق چنین شرایطی است که امکان مقاومت توده‌ای در مقابل هر گونه تجاوز جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق به ابعاد وسیعترین المللی و هم امکان گسترش مبارزه طبقاتی در شرایط بعد از جنگ بوجود می‌آید.

لیبرالها جان تازه‌ای می‌گیرند

آغاز جنگ ایران و عراق و وحشت خرده‌بوروژوازی حاکم ازرنگونی حاکمیت ضد مردمی اش، سران این جناح رابه‌پسداد دوستان قدیمی و متحدین واقع‌گرای اش انداخت. جناح خرده‌بوروژوازی حاکم‌کننده با به حکومتش بر سرکوب انقلاب و جلوگیری از ادامه آن در کنار همیالگی اش در حکومت یعنی بورژوازی لیبرال مینماید، بی‌شک آغاز جنگ و سیاست‌هایی که در قبایل آن اتخاذ کرده، بار دیگر نشان داد که وحشتش از توده‌ها، تشکل و آگاهی‌شان نه‌سیاست یک روز و دو روزش، بلکه از ماهیت طبقاتی و جایگاه سیاسی اش برمیخیزد. وحشت خرده‌بوروژوازی از توده‌ها و تمایل و گرایشش به بورژوازی نه تنها در حمایت دائم از ارتش، سیاسی در هماهنگی عملی با بورژوازی و امتیاز دادن به پرسنل زندانی ارتش و... بلکه در بازگرداندن مضویین سابق به محنت‌های سیاسی نیز دیده می‌شود. یکی از بارزترین این دعوتها، غیر از در اختیار گرفتن بی‌نام‌تولیز یونیونی‌ها از رگان، استیساد از کریم سنجایی و آزاد کردن میراندان زندانی او برای مسلح کردن عتبار میباشند. کریم سنجایی که وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی بازرگان، نخست

وزیر منتخب امام بوده است، بعد از تغییر و تبدیلات بسیار در صفوف ضد انقلاب چنان مورد غضب جناح خرده‌بوروژوازی حاکم قیصر گرفت که حزب جمهوری اسلامی و سران آن در حکومت حتی راضی به ورود او به مجلس شورا هم نشدند، و برادران سنجایی، عسکرخان و شامارخان و چندخان دیگر به محاکمه کشیده شدند. اینان که کوشش‌های و کشتارهایشان در منطقه غرب کشور و ظلم و ستم بی‌شماره زحمتکشان عتبار به گوش همه رسیده بود، چنان مورد تنفر دهقانان و عتبار منطقه بودند که حکومت برای خاموش کردن مبارزات زحمتکشان تن به دستگیری و محاکمه آنان داد. در طی محاکمه آنان دهه‌ها تن از عتبارین ساعتبارداستان قتل‌ها و آدم‌کشی‌ها و خیانت‌های آنان را بازگو می‌کردند و خواهان اعدام آنها بودند.

اینک با آغاز جنگ ایران و عراق، این خوانین ضد مردمی و وزیر امور خارجه مضوب، همه به آغوش حکومت بازگشته‌اند و رهبری انقلاب شخصاً به اینان دستور داده که ستاد بسیج عتبار تشکیل داده و تحت فرماندهی خود با رزمزها دفاع کنند. در پی این دستور کریم خان و عسکرخان سنجایی، شامارخان و کریم صفایی ستاد بسیج

سنجایی "را تشکیل داده و با دریا فست ۴۰ هزار قبضه اسلحه از دولت و مقام دیرباز دی پول به "دفاع از مرزها" مشغولند. آری کسل‌تی که توده‌ها خواستار اعدا مثلن بودند با رو یا و حکومت گشته، در کرمانشاها ستاد زده‌ور - هیرشان گزارش رویدا ده‌ای کشور را به عرض رهبری جمهوری اسلامی میرساند!!

براستی چرا حکومت از خلق کردگانه مسلح و متشکل بسوده و تاپای جان حاضر به دفاع از انقلاب و حقوق زحمتکشان و رودرب رویی با تاج و عراق است! استفادهنمیکنند چرا از نیروهای انقلابی که همواره در جهت منافع توده‌ها گام برداشته‌اند و مسلح و آماده‌مقابله با هتریروی ضد مردمی هستند کمک نمی‌گیرد؟

خرده‌بوروژوازی حاکم که از قدرت‌گیری توده‌ها، مسلح و آگاه شدند، بیش از هر چیز وحشت دارد و به خوبی میداند که خطرناک‌ترین دشمن حاکمیت ضد مردمی اش همانها هستند، حتی زمانی که به توده‌های مسلح رو می‌آورد آنها را با تحت فرماندهی ارگانهای خود، بسیج، پاسداران و... مسلح میکنند و با رهبریشان را به بورژوازی و نمانندگان سیاسی آنان می‌سپارد و با این کار نه تنها مستقیماً خود به سرکوب انقلاب دست می‌زند بلکه با آوردن مجدد بورژوازی مضوب به صحنه سیاسی، زمینه را برای سرکوب آتی انقلاب نیز فراهم میکند. زیرا بورژوازی که چنین بر اثر انقلاب و ادامه آن در ایران تضعیف شده بود، به سادگی از قدرت‌گیری مجدد و روز افزون خود دست نخواهد کشید!

آستان قدس رضوی در مشهد طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که به کسانیکه فاقد زمین و خانه در سر تا سر ایران باشند، با شرایط زیر زمین واگذار میشود:

زمین‌ها در قطعات ۱۲۰۰ متری در اطراف فلکه فردوسی مشهد میباشند.

قیمت هر متر مربع آن ۵۰۰۰ تا ۶۷۵۰ ریال است که نقداً پول آن دریافت شده و خریدار با بدتمه‌د کند که حداکثر در مدت یکسال در آن ساختمان بسازد!

با زهم بگوشید دولت جمهور اسلامی به فکر مستضعفین و منکن نیست؟!!

چگونه مستضعفین شهید صاحب خانه شدند؟! ←

بقیما صفحه ۲ جنگ

ل از یک سو و تحکیم موقعیت صدام از سوی دیگر محدودت‌ها میباشند، تا بدینوسله قادر گردید که مناسبات اقتصادی - سیاسی و نظامی خود را با هر دو طرف بهبود و توسعه بخشیده و از این طریق منافع خود را تا مین نماید و نیز از خطرات یک جنگ طولانی در منطقه که باعث توده‌ای شدن جنگ خواهد شد پرهیز نماید. اما خرده‌بوروژوازی حاکم با این کار نشان خواهد داد که چگونه هنگام

میکه بخطر افتد دست به بازش با امپریالیسم آمریکا میزند و قایح پشت پرده قبل از قیام را تکرار مینماید. این امر در عین حال روشن مینماید که زو بیونیست‌هایی که گرایش غمده خرده‌بوروژوازی را ضدا مپریسا لیست بودن آن میداندند و این تشخیص را اساس بر خورد خویش به حکومت قرار داده‌اند چه انحراف عظیمی در غلطیده‌اند.

روزنامه چهارم ۱۳۵۸

اخبار جنگ

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

گسیل از یک کلبه تیر و هوا که با یک صد نفر از رزمندگان است.

باید بدانیم این جنگ چو اش و عهده

وظرفین جنگ چه هدف‌هایی را از این جنگ دنبال میکنند

آزمیه که در پی حمله عتبار و ایران و سایر کشورها، خط ایران و سایر کشورهای منطقه را تهدید می‌کند. این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند. این خطرات را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۲- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۳- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۴- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۵- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۶- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۷- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۸- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۹- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

۱۰- تهدید امنیت منطقه: این کشورها با همکاری و همکاری با ارتش و سایر نیروهای نظامی و امنیتی در حال مبارزه با این خطرات هستند.

آگاهی توده‌ها، نابودی ارتجاع!

آوارگان جنگ، قربانی هردو حکومت!

جنگ، با تمام چهره، کریه خود، و با تمام مصایب بیشمارش، همچون آواری بر روی زحمتکشان فروریخته است. در مناطق اشغالی و نیز مناطق جنگ زده، هزاران نفر از هم میهنان زحمتکش ما، در اثر هجوم و بمباران جنگنده های ارتش عراق، خانه و کاشانه خود را از دست داده و در موارد متعددی، دار و ندارشان بوسیله متجاوزین غارت شده است. در مناطق غرب و جنوب کشور هزاران نفر بیس از آنکه بی سلاح و بی دفاع، بیارای مقاومت خود را در مقابل دشمن از دست دادند، چاره ای جز ترک دیار نیافته و اینک در شهرهای دیگر آواره و سرگردان شده اند. این آوارگان که عزای از دست دادن زنان، جوانان و فرزندان، کمرشان را شکسته است، با وروپیشگان، با دستبندی خالی و اندوهی بیکران، به شهرهای دیگر عزیمت کرده و در بیدر و سرگردان شده اند.

در این میان، رفتار خثونت آمیز عمال رژیم جمهوری اسلامی با این آوارگان جنگ زده، مصیبت هایشان را چند برابر کرده است. عمال حکومت که برای حفظ حاکمیت خود، از پیشروی ارتش عراق وحشت دارند، در عین حال میکوشند تا آنجا که ممکن است، خطرات احتمالی قدرت گرفتن توده ها را نیز در این جنگ خشن کنند و بهمین دلیل است که در خیلی از موارد، از صلح کردن توده ها در مقابل متجاوزین خودداری کرده اند. این امر، زمانیکه با تبلیغات وسیع حکومت مبنی بر آنکه همه جانبه نیروهای مسلح دولتی نتوانم شود، بطور طبیعی نقش توده ها را در جنگ و حضور فعالشان را در صحنه کمرنگ کرده و آنان را به امید "دلوران حکومتی" به ناظری منتفعل بدل میکند. بی شک باید به این معادله سیاست های حکومت را در این ۲۵ ماه گذشته هم اضافه کرد، که مضمون اصلی آن، کوشش برای عقب راندن توده ها از مواضعی بوده است که آنها جزا نباشند در دوران پر شکوه انقلاب بدست آورده بودند. رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که به یمن حضور قهرمانانه توده ها در جنگ با ارتش شاهنشاهی و مزدوران رژیم قبلی، به حکومت رسید، در تمام طول حکومتش، با هر وسیله ای کوشیده است تا توده ها را به سراجا پیشان بنشانند و آنها را از خالت درآورد.

چنین است که اینک، آوارگان جنگ، از یکسو قربانی حملات وحشیانه متجاوزین عراقی، و از سوی دیگر قربانی روش های ضد مردمی حکومت، چه قبل و چه در حال جنگ شده اند. اما واکنش های نامردمی رژیم به همین جا ختم نمیشود! گردانندگان رژیم با تمام این کثافت کاری هایشان، وقتیی قافیه را تنگ میبندند، ناگهان به یاد توده ها میافتند و در پیام های رادیو تلویزیونی و مطابع های مکرر مطبوعاتی، از مردم مناطق جنگ زده میخواهند که بی سلاح و بی پناه، در میان شعله های آتش و دودی که متجاوزین عراقی بر پا کرده اند، مقاومت کرده و به نوشتن شربت شهادت (!؟) اکتفا نکنند! آنها علاوه بر این با پخش نامه های ریز و درشت، از کارمندان و کارگران در مناطق جنگ زده میخواهند که به سرکارهایشان بازگردند و این در شرایطی است که کمترین اقدامی برای حفظ ایمنی آنها انجام نمیشود. اولی و قحط ایمن آقاییان هنوز هم ادا مده دارد. آنها وقتی با انبوهی از آوارگان جنگ مواجه میشوند که دسته دسته، بی پناه و مصیبت زده به مناطق امن کوچ میکنند، ناگهان به این نتیجه میرسند که حتماً اینها همان ضد انقلاب معروف (!) هستند و با این کارشان قصد دارند تا سرزمین اسلام را تقدیم کفار کنند!!

به این ترتیب است که عمال رژیم، در مقابل این زحمتکشان آواره رفتار بی رحمانه ای را در پیش گرفته و به تحقیر و توهین آنان میپردازند. دسته های وسیعی از آوارگان غرب کشور، اینک

در چنین وضعی به سر میبرند. عوامل حکومتی، بین مردم شایع کرده اند که این آوارگان آدم های خائنی هستند که از جبهه جنگ گریخته اند (!!). و تا سفاکانه بینه گامی به راهی از مردم ناگاه هم ایستادند حرف های بیشرمانه را باور میکنند. آوارگان زحمتکش که کوله بار سنگینی از مصائب جنگ را بر پشت های ناتوان خود حمل میکنند، آنجا که به شهرهای امن میرسند و قصد پناهن شدن به نیروهای "خودی" را دارند، ناگهان با چنان فضای سرد و تا مساعدی روبرو میشوند که با و رکودش سخت

استاندار خوزستان از کارکنان اداری خواست تا هر چه زودتر خود را معرفی نمایند

<p>اهواز دیروز از آرامش نسبی برخوردار بود و اتفاق مهمی در سطح شهر روی نداد. انبوهی از مسافری یکی پس از دیگری از نقاط مختلف کشور با طریقت کامل وارد این شهر مسعود. اسطخلی خوزستان</p>	<p>طی اطلاعیه ای از کلیه کارکنان اداری که در مرخصی و یا بدون مرخصی محل کار خود را ترک کرده بودند حواست تا پایان مهترامه در محل کار خود حاضر شوند. حسن خزانی حاکمست صدای تلک نوبخانه از امدور بگوش</p>	<p>مهرمد. صدای تلک نوبخانه دورین مزدوران بهت که از صبح دیروز به سوی شهر آغاز شده بود شد یافته است.</p>
--	---	--

است. یکی از مامورین حکومتی در کرامت نشا به آوارگان میگویی شما به طمع گرفتن "پتو" شهر و دیار خود را رها کرده و به اینجا آمده اید! در برابر نیلوفر، با سداران منطقه را محاصره کرده و از صحبت کردن مردم با آوارگان جلوگیری میکنند و استدلالشان اینست که اینها ضد انقلابی هستند و در شهرتایع میبیرا کنند! در "بوشهر" با آوارگان شدت بد رفتاری شده است. در "مهران" تحت تاثیر تبلیغات عمال حکومت در مساجد، آوارگان آنکشت نما شده اند و حتی در یکی از موارد، یک ناوای حزب اللهی و نا آگاه از فرورحنتان به یکی از آوارگان خودداری کرده است. در شیراز، حدود یک هفته پس از آنکه آوارگان جنگ وارد این شهر شده و با استقبال و مهمان نوازی مردم شیراز روبرو شدند، اصحاب جمعه شهر در خطبه های نمازش اعلام میکنند که آوارگان در حقیقت ترسوها بی هستند که از جبهه جنگ گریخته اند! از همان روز سردادی از مردم نا آگاه تحت رهبری پاسداران شروع به اذیت و آزار آنها میکنند و برای نمونه روز ۲۴ مهر خواجگه دختران دانشجو در خیابان مشیر فاطمی شیراز که اینک ما وای آوارگان است، به صحنه درگیری بین حزب اللهی ها و مردم آواره تبدیل میشود. علت این درگیری این بود که عده ای از پاسداران به همراه چند فالانژ جلوی خوابگاه میایند و شروع به فحاشی میکنند و آوارگان بی پناه را بزدل، ترسو و ضد انقلاب مینامند. و این در حالی است که مردم خود را هدیه نهند که ساکنین این محل اغلب زنان و بچه ها هستند. حتی یکبار آخوندی که سخنرانی میکرده است شروع به فحاشی نسبت به آوارگان کرده و فریاد زده است: ای نامردهای خوزستانی چرا به اینجا آمده اید، برگردید و بجنگید! زهی وقاحت و بیشرمی!

ما روزهای درخشان انقلاب را مدت زمان کمی نیست که پشت سر گذاشته ایم. لحظه به لحظه پیشرفت انقلاب نشان داد که توده های زحمتکش میهن ما، در راه سرنگونی دشمن خود، قهرمانان و جانانیاز بهایی میکنند، که توصیف آن از توان خارج است. هم اینک در جبهه های وسیع نبرد با متجاوزین عراقی، تمام اطلاعات نشان میدهد که مردمقاومت توده ها، عامل تعیین کننده ای در جلوگیری از تجاوز فاشیست های عراقی است. اما حکومتی که در دست به یمن همین جانبازی ها بر سر کار آمده و تا کنون بر سر کار مانده است، اینک گستاخ و وحشت زده، به هر جا جنگ میاندازد، و با تحقیر توده ها، میکوشد تا حقانیت حکومت خود را به اثبات رساند.

بی شک کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران، جواب شایسته ای به این گستاخی ها خواهند داد!

دستگاه های جاسوسی و سرکوب خود، دوباره آمریکا را بر ایران مسلط
نمایند. پس هیات حاکمه تلاش میکند از هزاره‌های که شده ابتدا توده‌ها
را بفریب دهد و متوجه
پادشاهت هزاران تن و خانه خرابی و سرگردان شدن مدها هزار تن
از کارگر ایران و زحمتکش ایران
ایران شده است، آری در چنین جنگی در وسط دعوا شرح تعیین
نمایند و با گرفتن "توبه کتبی" از آمریکا یعنی اعلام عذرخواهی
رسمی آمریکا این مانع ظاهری را از سر راه خود بردارد.
امپریالیسم آمریکا هم بدش نمیآید بدینا یک اعلامیه "عذرخواهی"
یا به قول آقای رجایی "توبه" گروگانها را از دست ایران خارج
کرده و روابط سابق را احیا نماید. چه چیزی بهتر از این!

کامد بیورد - از نظر ما جنبه
آفتاب روشن است که اجزای
این شرط بخت انسانی بودنش
بختها ساده تر از سایر شرایط
دهد است، بلکه میتواند
بنواند یک قدم برای جلوگیری
تجاوز در آینده مصوب خود
و به اطمینان ما یکی از مراحل
توبه که نشانه تکامل متونی یک
دولت میتواند باشد تلقی خواهد
شد.

چون کار دیگری در باره
عذرخواهی دولت آمریکا از
مردم ایران و امکان چشم پوشی
از این درخواست سوال کرد،
نصحت وزیر در پاسخ گفت:
گذشت زمان و مطالبی که
افراد مسئول در دولت آمریکا
و بعضی از دولتهای دوست
آمریکا گفته اند، بنظر ما این
نقطه را آنچنان حلی کرده که
دولت آمریکا فقط باید آنرا زوی

توبه گرگ، مرگ است!

رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی در هفته گذشته به آمریکا
رفت تا جلسه شورای امنیت سازمان ملل راجع به جنگ اخیر
میان ایران و عراق سخن بگوید. در این سفر او با خبرنگاران خار
جی روبرو شد و در پاسخ سوال یکی از آنها گفت اظهارات آمریکا
بی ها در مورد عذرخواهی از ایران را به عنوان "یکی از مراحل توبه"
به که نشانه "تکا مل معنوی یک دولت میتواند باشد تلقی خواهند
کرد."

امپریالیسم آمریکا مثل همه امپریالیستها همیشه داعیه
حک به کشورهای و نجات خلقها از زیر بارستم و ظلم و عقب ماندگی
را داشته است. آنها همیشه اظهار تمسک به رندگی برای کمک به مردم
کشورهای مختلف شده اند و حتی وقتی به تاج و توتوسه طلبی و
دست سبزند فرا موش نمیکند که با دروغ چهره کشیف امپریالیستی
خود را از نظر رتوده ها مخفی نگاهدارند. همین امپریالیسم
آمریکا سالهای سال در حالیکه ویتنام شمالی را بمباران مینمود
و در ویتنام جنوبی به جنگ تمام عیار علیه خلق قهرمان ویتنام
دست زده بود، همیشه اعلام میکرد که از ترس بدبخت شدن خلق ویتنام
و برای آزادی و سرفرازی آنها با ویتنام شمالی میجنگد. امپریا
لیستها دروغ میگویند و تلاش دارند سلطه خود را در جهان با دروغ و قیر
سب و استتار بنمایند.

در مورد ایران نیز امپریالیسم آمریکا همین سیاست را داشته
و دارد. آنها گفتند در مورد اخلی ایران مذاخله نمیکند ولی چه
کس فرا موش کرده است؟ ماه قبل در طبین همین آمریکا بی ها قوای
نظامی پنهان کرده کردند. چه کسی فرا موش کرده است همین ۲ ماه قبل
کودتایی در ارتش را آمریکا شیان سازمان دادند. چه کسی فرا موش
روده است باند های بختیار، اوینی، پالیزیان راهمین امپریا
لیسم آمریکا تقویت میکند. و همین آمریکا پود که شاه جایت کسنا
را پنهان داد و چار نشد و از برای محاکمه و مجازات به خلق ایران
تحويل دهد.

اعتماد به حرفهای امپریالیستها با زکردن راه برای امپریا
لیستهاست. حکومت جمهوری اسلامی پس از جنگ میان ایران و عراق
بنا به طبیعت ضد خلقی خود تلاش میکند حمایت امپریالیستها و بویژه
امپریالیسم آمریکا را به خود جلب کند. آنها چندین بار اعلام کرده
ه اند که خواهان حل مسئله گروگانها هستند. تا این مانع را از سر
راه بردارند. گروگانهای آمریکایی، در واقع مانعی بر سر راه
روابط ایران و آمریکا هستند. اما گروگان های آمریکا بی خودی
خود برای آمریکا و همینطور ایران اهمیتی ندارند. گروگانهای
آمریکایی بیان این مسئله بوده اند که خلق ایران بر احتیاجی
اجازه نخواهد داد دشمنان خلق دوباره امپریالیسم آمریکا را بر سر
جان و مال آنها حاکم کند. خلق ایران اجازه نخواهد داد تا دشمنان
و دشمنان خلق برای سرکوب راحت تر توده ها، برای راه انداختن

ما به یاد داریم که در رژیم جمهوری اسلامی ما واکتی ها و زنی
ل های کودتای بی یک "توبه" بطور آزاد شدند و به دسیسه و توطئه
چینی بر علیه خلق ایران و نیروهای انقلابی پرداختند. امپریا
لیسم آمریکا میداند که "توبه" چیز خوبی است "توبه" دروغی
است که جمهوری اسلامی برای نجات دشمنان خلق ایران در دست
کرده و چرا امپریالیسم آمریکا نخواهد نوشتن یک "توبه" تا ما
از آن استفاده کند؟ علی الخصوص آنکه اگر دولت آمریکا چنین
کاری بکند از نظر آقای رجایی "یکی از مراحل توبه که نشانه تکامل
معنوی یک دولت (یعنی امپریالیسم آمریکا) تلقی خواهد شد."
امپریالیسم آمریکا گزگی است که تاکنون بارها و بارها
اعلام کرده است رابطه اش را با خلقهای جهان "عادلانه" خواهد نمود
اما هر کس میداند امپریالیستها هر روز هزاران بار از آزادی و
ستقلال خلقهای جهان حرف میزنند و منظورشان هم اینست که
خلقهای جهان فقط وقتی آزاد میباشند که از نظر سیاسی و اقتصادی
به امپریالیسم وابسته بوده و تحت سلطه باشند. توبه امپریالیسم
آمریکا مرگ است نه نوشتن توبه بر روی کاغذ. و مبارزه برای مرگ
امپریالیسم آمریکا یعنی تداوم انقلاب یا پیروزی آن در حکومت
جمهوری دمکراتیک خلق.

هراس حکومت از سرود!

فترت را میبندد و بختها مسه ای
را بدانش آموزان استیلا
میکنند مبنی بر اینکه دانش آموزان
زان حق خواندن "سرود انقلابی"
و بخت "علامیه های انقلابی"
را ندارند و دانش آموزان تهدید
بدهد اخراج میشوند. مدیبر
مدرسه میگوید اگر دانش آموزان
چه این کار را ادامه دهند مدرسه
تعطیل خواهد شد.

دانش آموزان انقلابی مدرسه
به "بویا" قاشم شهر از تار ریخ
۲۵ مهر تا ۲۶ مهر با خوانند
سرود "ای ایران" و با شعار "مرگ
بر آمریکا" بدکلاسها پیشان
میرفتند. اما روزیکشنبه ۲۶ مهر
با اعتراض مدیران مدرسه
مواجه میشوند. بعد از اینک
دانش آموزان به کلاس میروند.
رئیس مدرسه نمایندگان را بد

مرگ برای امپریالیسم آمریکا و از نجاع داخلی!

بک گزارش روستایی از کربال



شورای مسلح روستائیان، تنها مانع بازگشت خانها!

زمین ها منطقه جعفر آباد کرمانشا ه توسط جهاد سازندگی مصادره شده بود و جهاد دبر روستائیان قول داده بود که زمین ها بین روستائیان تقسیم گردد. دهقانان بی زمین از این امر بسیار خوشحال بودند و عده ای از اهالی روستا که در کارخانه کار میکردند مسئله تقسیم زمین را بین کارگران که اکثرآ روستایی هستند مطرح نمودند. ولی دیگر کارگران معتقد بودند که ما هم مثل شما اول اینطور فکر میکردیم ولی بعدها متوجه شدیم که زمین بمبامان میرسد.

روستائیان پس از چندین ماه ای به جهاد مینویسند مبنی بر اینکه "زمین ها را بدهید تا شخم کنیم" اما جهاد میگوید فعلا دست نگه دارید.

حالا بعد از سه ماه خان روستا با رنج و رومسلح به برنو و چند قطار فشنگ به روستا آمده است تا زمین ها را پس بگیرد. اهالی روستا از جهاد تقاضای اسلحه کرده اند تا از زمین ها دفاع کنند ولی عملاً جوابی نشنیده اند. زحمت کشان روستا از دست خان جانان پلپ رسیده است و تصمیم دارند تکلیف خودشان را با "خان" بیکسره کنند.

منطقه روستایی "کربال" در شمال و شمال شرقی شیراز و در سرار رودخانه کوه ازسند در پوش تادریا چه بختگان امتداد یافته است. این منطقه دارای ۵۶ روستای بزرگ و کوچک میباشد. ۳۶ پارچه از دهات جزو بخشداری خرامه و مابقی جزو مرودشت میباشد. جمعیت این منطقه حدود ۵۰ هزار نفر است که بر جمعیت ترین روستا های آن از قبیل سلطان آباد و خیرآباد حدود ۶۰۰۰ نفر و کوچکتر بین روستای این منطقه یعنی رشیدآباد حدود ۱۰۰ نفر جمعیت دارد.

از طریق دو جاده میتوان به منطقه "کربال" وارد شد. یکی از طرف مرودشت و دیگری از خرامه جاده ماشین روی این منطقه خاکی است و به علت طغیان های دائمی رودخانه کوه عموماً در زمستان و بهار راهها بسته میشوند. این امر سبب قطع عبور و مرور و اسباب نقلیه گردیده و به کمبود سوخت در این نواحی منجر میگردد.

تمام خانه های این منطقه بلا استثنا (بجز ما ختمان مدارس) از خشت خام ساخته شده که هیچگونه مقاومتی در مقابل سیل ندارد. وضع بهداشت بسیار اسف انگیز است. در منطقه فقط یک بهداشتی بایک دکتر عمومی در خرامه وجود دارد و روستائیان برای مداوای خویش باید فرسنگها راه طی کنند تا بتوانند بمقا بله با امراض خویش بپردازند. این مسئله بسیار توجه به سببهای زمستان و بهار مشکلات را دو چندان مینماید. درست است اگر بگوئیم روستائیان این منطقه در زمستان و بهار به هیچ وجه امکان دسترسی به هیچ مرکز درمانی را ندارند.

بگفته یکی از زنان روستایی "اگر در زمستان و بهار مریمش شویم باید بسازیم و بسوزیم با جان دهم و با خودمان خوب شویم چون میترسیم بجای درمان در سیلاب غرق شویم" قبل از سال ۵۷ - ۵۶ در اوایل دهه ۴۰ دهقانان با رهسار به مبارزه علیه فئودالها دست زدند. در سال ۴۲ روستائیان "دریختان" علیه دو مالک این روستا یعنی "داراب" و "سلیم آبادی" طغیان میکنند. در این شورش روستائیان حتی ما موران را - ندامری ودولت را بشدت مضروب کرده و زمینهای فئودالها را مصادره مینمایند. این عمل منجر به یورش چکمه پوشان رژیم پهلوی به این روستا میگردد که در نتیجه ۳۸ نفر از دهقانان دستگیر و به شیراز منتقل میشوند. پس از این واقعه مالکین زمین ها را دوباره تعاحب میکنند.

وضعیت اجتماعی - اقتصادی منطقه کربال:

در این منطقه همانند اغلب نواحی روستایی کشورمان زمین (وسيله توليد) اساسی ترین معیار در تعیین وضعیت اجتماعی افراد میباشد. براین مبنا میتوان سه گروه را کاملاً از یکدیگر متمایز نمود:

- ۱- مالکان بزرگ
 - ۲- خرده مالکان
 - ۳- دهقانان متوسط و فقیر.
- الف - مالکان - مالکان بزرگ که تعداد آنها انگشت شمار است و بزحمت به ۲۰ نفر میرسند بیش از ۶۰٪ زمین های این منطقه را در اختیار دارند. آنها بنا به مصلحت مقدار زیادی از زمین ها را اجاره نمیدهند.

که در نتیجه از سویی این زمینها بلااستفاده باقی میمانند و از سوی دیگر تعداد کثیری از روستائیان به علت کمبود زمین و عدم تامین زندگیشان ناچارند روستا را بمشهرها ترک گویند. در آن مواردی نیز که زمین ها را اجاره میدهند - آنقدر اجاره بهای زمین بالاست که فقط تعداد دقلی از روستائیان قادرند زمین اجاره کنند. مالکان بزرگ عمدتاً بیستون از سیمدهکتار زمین دارند. مثلاً "حاج اسدالله متیاز" فقط در ده "تیرچیر" مالک ۳۰۰ هکتار زمین است و در روستا های سفلی اسما عیل آبا دو... نیز مقیدار زیادی زمین دارد. این مالکان که عمدتاً در شهرها زندگی میکنند و بعضاً کارخانه دار میباشند. همانطور که در بالا ذکر کردیم از ترس مصادره زمین ها توسط روستائیان که زمین ها را اجاره و کشت کرده اند، بنا به اجازت تن نمیدهند و با تلافی میکنند زمین را به روستائیان غیر بومی اجاره دهند. هرچند که در همان مناطق بیکاری کولاک میکند.

گروه دیگری از مالکان بزرگ که بیش از ۲۵ - ۳۰٪ زمین ها را در اختیار دارند حدود ۴۰ - ۳۰ نفر میباشند. هر یک از آنها بین ۳۰۰ - ۵۰ هکتار زمین در اختیار دارند. که تحت همان شرایط فوق الذکر به روستائیان اجاره میدهند. این مالکان بزحمت میزبان ثروت در شهر و روستا زندگی میکنند. عمدتاً مالکانی گنجه مقدار زمین شان بیش از ۵۰ هکتار است در شهرها و بقیه در روستاها زندگی میکنند.

ب - خرده مالکان - این

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

دهقانان عمدتاً بین ۵۰ - ۵ هکتار زمین دارند و خودشان به همراه چند کارگر روزمزد روی زمین ها کار میکنند.

● ج: دهقانان متوسط و فقیر

● ۱- دهقانان متوسط:

این قشر از دهقانان ۲۲٪ جمعیت روستاها را تشکیل میدهند و ۱۵٪ زمین ها را در اختیار دارند این دهقانان عمدتاً در جریان اصلاحات ارضی شاه صاحب زمین شده اند. این دهقانان بطور متوسط ۱ - ۱/۵ هکتار زمین دارند و عمدتاً همین مقدار را نیز اجاره میکنند. شرایط اجاره به این صورت است که مثلاً ۳۰۰ دهقان ۱۰۰۰ هکتار زمین را بابت هزار تومان اجاره میکنند که نصف آن را نقد و مابقی را بصورت جسی سرخرمش میدهند. این دهقانان علاوه بر دیون مذکور به شرکت تعاونی نیز مقروضند و از این روستاها چندین شرکت تعاونی را به سلف خرها بسپارند تا ۱۱ تومان برای هرمن پیش فروش کنند. در صورتیکه چلتسوک هنگام برداشت محصول هرمن ۲۳ - ۲۷ تومان خرید و فروش میشود.

● ۲- دهقانان فقیر - این قشر که بیش از ۵۰٪ جمعیت منطقه را در بر میگیرد زمین نداشتند و برای امرار معاش زمین اجاره میکنند. این قشر بعد از انقلاب دل به تقسیم اراضی بسته بودند و در مبارزه بر ضد مالکان بیخوش و خروشان قشر میباشند. سپاه پاسداران منطقه خرامه - کربال در طی سال گذشته یکبار مقداری زمین از فئودالها میگردید و این دهقانان میدهدولی بعداً مالکان دوباره زمین ها را از دهقانان پس میگیرند. و مقدار کمی از زمین را با اجاره پنچ به یک (پنج قسمت رعیت - یک قسمت مالک) به روستائیان میدهند. این قشر از دهقانان غالباً با مالکین زمینها درگیر میشوند و مالکان نیز به زانندار میز شکار است میبرند و آنها را بجان روستائیان میاندازند. مثلاً یک

روستایی را که به جرم تحریک زانندار مرمی دستگیر نموده بود به زندان عادل آباد شیراز میبردند که پس از سه روز از زندان با سه هزار تومان رشوه آزاد میشود. وی میگفت که با او تهمت زده بودند که به مال مورین توهین کرده و با بیسمل مالک رازده است. فرزندانش این قشر معمولاً در شهرها کار میکنند و کمتر علاقه ای برای کار در روستا دارند.

در کنار این قشر از دهقانان روستائیان هستند که

۱۵ - ۱۸٪ از جمعیت روستاها را تشکیل میدهند. این کارگران فصلی معمولاً در زمانیکه در شهر کار با شنبه شهرها می آیند و کار میکنند و هنگامیکه در روستاها هستند معمولاً بعنوان کارگر روزمزد مشغول بکار مسمی شوند. آنها به همراه خویش فرهنگ شهری و بعضاً کارگری را بدرون روستاها می برند.

بر اساس این تقسیم بندی میتوان وضعیت اجتماعی منطقه کربال را کا ملاذک کرد.

این منطقه روستایی همانند اکثر روستاهای ایران فاقد جاده، ابتدایی ترین ضروریات زندگی اعم از وسایل بهداشتی و رفاهی می باشد. دهقانان حتی ابتدایی ترین وسایل کشاورزی از قبیل تیلر را با مشقات فراوان و تحمل قروض سنگینی مشترکاً خریداری می کنند تا بدینوسیله بتوانند زندگی خویش را بگذرانند. این دهقانان برای شخم زمین های خویش مجبورند برای هر هکتار شخم ساعتی ۹۰ تومان بپردازند و با آب یک ده صد خا شواری می باید دو اوزه هزار تومان بپردازند و از سوی دیگر بعلت قروض و دیونی که به علت ضعف مالی گریبانگیرشان میگردد مجبورند محصولات خویش را به ثلث قیمت به "سلف خرها" بفروشند. تازه پس از تمام این ها باید دین خویش را به "بقال" ها ادا کنند و روغن ۵ کیلو شوی را ۲۰ تومان و نفت را بهتری هر بار خریداری کنند.

این روستائیان که سالیان سال از ستم اربابان رنج برده اند. زمانی به اصلاحات ارضی شاه دل بسته بودند و پس از انقلاب چشمه جمهوری اسلامی داشتند.

سپاه پاسداران در این منطقه توسط یک معلم پایه گذاری شد. وی بعد از نماینده مجلس گردید و معلوم شد که طرفدار بنی صدر است.

وقتی که زمزمه می نمودند که اصلاحات ارضی فئودال ها آغاز گشت و بعد از آن به درگیری انجامید. سپاه پاسداران خرامه در بعضی مناطق مثل حسن آباد، سلاست آباد و... زمین ها را بین دهقانان تقسیم کرد ولی تقسیم زمین به این صورت بود که

دهقانان پنج به یک و یا سه به یک محصول را به مالک بپردازند. هنگامیکه دهقانان صحبت از مالکیت زمین کردند و اعتراض داشتند که سهمی به مالک بپردازند، پاسداران پاسخ می گفتند که: "این زمین ها اینک در تملک مالک است. در آینده با اجرای اصلاحات ارضی به شما تعلق خواهد گرفت". ولی پس از اینکه سپاه پاسداران روستاها را ترک کردند مالکین به دهقانان بازگشتند و زمین ها را دوباره در اختیار خویش گرفتند.

پرواجعات مکرر روستائیان چه سپاه پاسداران عملاً جاشی نرسید و با تشدید مبارزه بین دو جناح حکومت عملاً مشکلات دهقانان بدست فراموشی سپرده شد. سپاه پاسداران که با اقدامات نیم بند خود توانسته بودند توده ها را بسوی خود جلب کند، با پشت گوز انداختن و فراموشی مسئله توده ها را از خود نا امید گردانید. بتدریج توده ها در بافتند که جمهوری اسلامی نیز عملگاری انجام نداده است.

مقامات جمهوری اسلامی دست سلف خرها را کوتاه کرده هیچ با مالک روستائیان وام نیز ندادند است و گویا اظهار کرده اند که

با بدبدهی های قبلی خویش را بپردازند تا وام دریافت کنند. که این خود با زهم دست "سلف خرها" و نزول خورهارا برای چاپیدن روستائیان باز می گذارد. و بالاخره هنگامیکه ما به تاج عمومی مردم میهن ما با بدهی خارج وارد شود هزاران هکتار زمین فئودالها فقط بخاطر اینکه اینان نگران معادله زمینها توسط دهقانان هستند، بلااستفاده مانده است. چرا؟

دهقانان به تجربه خویش دریافته اند که جمهوری اسلامی تمایلی به معصومانه انقلابی از ارضی مالکین و زمینداران ندارد.

آنها دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد دست "سلف خرها" را از روستاها کوتاه کند.

آنها دریافته اند که حکومت برای پیشرفت کار دهقانان حاضر نیست تراکتور را اختیار شان بگذارد، چاهها را در اختیارشان بگذارد تا بدین وسیله کشت و رزی میهن مسای رونق گیرد.

آنها دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد با تشکیل قدرت بخشیدن به شوراها محلی و سپردن امور بدست آنها از چپا ول روستائیان توسط مالکان زمینداران سلف خرها و خرده فروشها جلوگیرد.

دهقانان به تجربه و در زندگی روزمره خویش دریافته اند که نمیتوان امید داشت که جمهوری اسلامی بست این وظیفه کمونیست ها

ست که بروستائیان نشان دهند که تنها حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان قادر است خواسته های بحق توده ها و از جمله دهقانان را برآورده سازد. تنها چنین حکومتی که خود بر پایه ی شوراها و انقلابی کارگران و زحمتکشان ایجاد شده میتواند به روستایی دهقانان پایان دهد و زندگی نوینی را با بریزد.

سپاه پاسداران که با اقدامات نیم بند خود توانسته بودند توده ها را بسوی خود جلب کند، با پشت گوز انداختن و فراموشی مسئله توده ها را از خود نا امید گردانید. بتدریج توده ها در بافتند که جمهوری اسلامی نیز عملگاری انجام نداده است.

مقامات جمهوری اسلامی دست سلف خرها را کوتاه کرده هیچ با مالک روستائیان وام نیز ندادند است و گویا اظهار کرده اند که

با بدبدهی های قبلی خویش را بپردازند تا وام دریافت کنند. که این خود با زهم دست "سلف خرها" و نزول خورهارا برای چاپیدن روستائیان باز می گذارد. و بالاخره هنگامیکه ما به تاج عمومی مردم میهن ما با بدهی خارج وارد شود هزاران هکتار زمین فئودالها فقط بخاطر اینکه اینان نگران معادله زمینها توسط دهقانان هستند، بلااستفاده مانده است. چرا؟

دهقانان به تجربه خویش دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد دست "سلف خرها" را از روستاها کوتاه کند.

آنها دریافته اند که حکومت برای پیشرفت کار دهقانان حاضر نیست تراکتور را اختیار شان بگذارد، چاهها را در اختیارشان بگذارد تا بدین وسیله کشت و رزی میهن مسای رونق گیرد.

آنها دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد با تشکیل قدرت بخشیدن به شوراها محلی و سپردن امور بدست آنها از چپا ول روستائیان توسط مالکان زمینداران سلف خرها و خرده فروشها جلوگیرد.

دهقانان به تجربه و در زندگی روزمره خویش دریافته اند که نمیتوان امید داشت که جمهوری اسلامی بست این وظیفه کمونیست ها

ست که بروستائیان نشان دهند که تنها حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان قادر است خواسته های بحق توده ها و از جمله دهقانان را برآورده سازد. تنها چنین حکومتی که خود بر پایه ی شوراها و انقلابی کارگران و زحمتکشان ایجاد شده میتواند به روستایی دهقانان پایان دهد و زندگی نوینی را با بریزد.

سپاه پاسداران که با اقدامات نیم بند خود توانسته بودند توده ها را بسوی خود جلب کند، با پشت گوز انداختن و فراموشی مسئله توده ها را از خود نا امید گردانید. بتدریج توده ها در بافتند که جمهوری اسلامی نیز عملگاری انجام نداده است.

دم خروس یا قسم حضرت عباس!

امام جمعه و دادستان کتاب: شنبه سوم آبان ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۳۷۰ - ۹

گروهکهای ضد اسلامی در کتاب ۴ روستا را به آتش کشیدند

اطلاعیه ستاد ارتش و پاسداران میروان: روستائیانیکه باضد انقلابیون همکاری کنند، بشدت مجازات خواهند شد

در تکبیر گفت: افراد مسلح کومله، دمکرات و فدائیان با همکاری سایر گروهکهای ضد اسلامی، اینک ماهیشتان برای مردم کردستان روشن شده است، دست به اعمال وحشیانه‌ای میزنند، از جمله چهار روستا را بکلی به آتش کشیدند و مردم را مجبور به گریختن از خانه‌های خود کردند، البته با اقداماتی که از سوی

خسروی امام جمعه دادستان کتاب طی گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری فارس، ضمن تشریح بیژندی‌های بخش کتاب گفت: تا این که مردم کتاب و روستاهای اطراف از سوی گروهکهای مسلح غیر قانونی تحت فشار هستند، بازها آمادگی خود را برای مقابله با کفار و دفاع از کشور، در هر نقطه اعلام داشته‌اند. مردم این بخش

سنندج - خبرگزاری فارس - ستاد ارتش و پاسداران میروان، در اطلاعیه‌ای به روستائیان میروان و سنندج هشدار داد چنانچه با ضد انقلابیون از جمله مزدوران زرکاری، کومله و دمکرات در تهیه آذوقه و خوراک همکاری کنند، بشدت مجازات خواهند شد. در اطلاعیه به روستائیان توجه داده شده است که از نظر شرعی منبئه با ضد خدایان کافر حرام و خیانت به مسلمان است.

جمهوری اسلامی هنوز هم به وحشیانه‌ترین حملات علیه نیروهای انقلابی در کردستان ادامه میدهد. جمهوری اسلامی تلاش دارد تا با توسل به افزایش احساسات ناسیونالیستی مردم در سرکشوریها طریقت ایران و عراق، جنایات خویش در کردستان را موجه جلوه دهد. از سویی، مهاجمان در احتیاج به همپایان می‌کنند و وقاحت را با نجا میرسا ندکه رئیس سپاه پاسداران منطقه میگوید: "ما دستور دادیم که با توپ مهاجمان در آتشخیز زده و در آن سبب زمینی بکاریم" و از سویی دیگر در روزنامه‌های رژیم و قیاحانه‌ها ادعا میشود که نیروهای انقلابی با تهدید و رعب از مردم میخواستند با آنان همکاری کنند و همگامی میکنند با اگنشن منفی و بیرومی شوند مردم را میکشند و خانه‌هایشان را به آتش میکشند. "این کلماتی است که امام جمعه و دادستان کتاب بر زبان رانده و روزنامه‌ها اطلاعات بدتر از آن می‌آوردند. روزی دیده است، ولی دروغگوییان کم، حاشیاه اندوختن آقل آنقدر زیرک نیستند که در همان صفحه اطلاعیه ارتش را مبنی بر مجازات روستائیان در صورت همکاری با نیروهای انقلابی درج ننمایند.

در همان صفحه روزنامه، اطلاعات ستاد ارتش و پاسداران میروان "به روستائیان میروان و سنندج هشدار داد چنانچه با ضد انقلابیون... در تهیه آذوقه و خوراک همکاری کنند، بشدت مجازات خواهند شد" را دروغ پیداری و جعل اکاذیب و قیاحانه ترازیان هم ممکن است؟

در یک ستون ادعا میشود که نیروهای انقلابی روستائیان را "مجبور میکنند تا با آنها همکاری کنند در همان صفحه ارتش روستائیان را که توسط نیروهای انقلابی "مجبور" به این عمل شده‌اند، به "مجازات شدید" تهدید میکند!! امروز جمهوری اسلامی تلاش میکند در این شرایط مسا عدکار کردستان را بیکزه کند و به همین علت بمباران شهرها و روستاهای کردستان لحظه‌ای قطع نمیشود. لشکر ۶ رومی، در آخرین اطلاعیه‌اش خطاب به مردم کردستان اعلام کرده است که در مقابل هر خودروه که از دست بدهد، یک روستا را با خاک یکسان خواهد کرد. و این حرف‌ها در حالی زده میشود که رژیم جمهوری اسلامی هر روز با طرفداران اسلامی اش در عراق سینه‌چاک میکند و مدعی است که تحت هیچ شرایطی مناطق مسکونی عراق را بمباران نخواهد کرد! این بیشرمان که برای مظلوم نشان دادن خود، از هیچ دروغی فروگذار نمیکنند، از یک سو خیال دارند که مهاجمان در آتشخیز کنند (!) و سبب زمینی بکارند و روستاها را با خاک یکسان بنمایند، و از سوی دیگر بوسیله بلندگوهای تبلیغاتی خود، از رفتار ناسیونالیستی و اسلامی دم میزنند و خود را مظلوم جا میزنند. و این در حالی است که همان بلندگوهای تبلیغاتی، روزیلا نه‌ترین دروغ‌ها را بر علیه نیروهای انقلابی در کردستان بخش میکنند ولی دروغگوییان خود مشت خویش را بنازمیکنند!!

رفقا و هواداران، هم‌میهنان مبارز! سازمان ما، در پیشبرد فعالیت‌های مبارزاتی خود، با تنگناهای مالی روبرو است. کمک‌های مالی شما، هر چند هم ناچیز باشد، ما را در پیشبرد امور مبارزه‌یاری می‌رساند. با ارسال کمک‌های مالی خود، سهمی از این مبارزه را بر عهده بگیرید!

کمک‌های مالی خود را با اضافه‌حرف اول نام و یک کد عددی، از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

م	کمکهای مالی دریافت شده:	الف
۱۰۰۶۷	۲۰۹۵۰	۱۵۰۰۲۲
۵۰۵۴	۱۲۲۵۰	۶۳۳۱
ن	۱۲۲۱۲	۱۰۰۱
۱۵۰۲۵	۵۱۰۵	ب
	۵۰۲۲	۳۰۳۴
	۴۴۱۰	پ
	۲۰۱۵	۳۱۲۳
ب - ۶۰۰۱۲	۲۰۲۵	ج
۵۰۶۲ - م	۱۰۰۹	۵۰۰۵
ن - ۱۰۰۲۴	۱۵۰۷۰	۱۰۱۰
کارگران	۱۴۰۷۵	د
پایکوتا	۱۰۰۳۵	۱۰۲۵
۵۰۰ ری. ل.	۴۰۱۱	۴۰۴
قزویان	و	ز
ع - ب - ۳۰۱۵	۲۰۰۲	۲۰۲۵
کرج	خراسان	س
۱۵۰۰ تومان	ط - ۵۰۰۲۷	۶۰۱۲
کرمانشاه	ع - ۵۰۰۱۳	۱۱۰۵
۱۰۰۵۹	رشت	ش
۲۵۰۲	الف	۷۲۲
با سوچ	۱۵۰۲۹	ع
۱۵۰۲۲ - م	۵۰۵۵	۸۰۳۳
هواداران	پ	۲۱۲۳
نارنگه	۱۰۰۴۲	۵۹۱
۳۰۰ تومان	۱۰۲۸	۵۹۰
	ز	ع - ب - ۱۵۸۴
قائم‌شهر	۲۰۲۵	۲۱۵۱۸
	هـ	۱۰۰۵۲
۸۵۰۰۹ - م	۵۰۶	۱۰۱۵
۴۰۰۰۱ - غ		۱۰۰۱
		ل
		۱۵۰۵۷

پاسخ خواسته‌های معلمان اخراجی!

سماپنده معلمان اخراجی قائم‌شهر در محل آموزش و پرورش توسط پاسداران دستگیر شد، پاسداران در محل آموزش و پرورش وی را با کتک به همراه خود بردند. وی که برای پیگیری وضعیت معلمان اخراجی هر روز به آموزش و پرورش میرفته است، گویا بخواست روسای آموزش و پرورش توسط پاسداران دستگیر میشود.

رفقا و هواداران!



در شرایطی که رژیم دست‌های مزدور وابسته به آن با اعمال فشارهای خود، تضییقات بیشماری، در امر فعالیت‌های آگاه‌گرانه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی بوجود می‌آورد، وظیفه انقلابی حکم میکند که با یکارگیری تمامی امکانات و ابتکارات خود، در تکثیر و پخش هر چه وسعت‌تر انتشارات سازمان ما را یاری دهید.

گسترده‌تر بادیدوند مبارزات زحمتکشان کردستان با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

یادرفیق رزمنده شهید

محمد رضا رضائی

راگرامی بداریم!



۲۴ مهر نقاط مسکونی شهر کرمانشاه توسط هواپیما های جاسپانگاران عراقی بمباران شد. صدها دانش آموز زحمتکش در زیر آوارها به شهادت رسیدند و با خون سرخشان که هم چون جوی سبزی در گوشه و کنار شهر روان در راه ادامه انقلاب را ترسیم کردند و درختی را که با خون دهها هزار شهید در سراسر این سرزمین و بوم بارور شده بود با زهم آبیاری کردند.

رفیق محمد رضا فرزند پرومند زحمتکش و پیاووقا دار و انقلابی بی مادر میان آنان بود. رفیق محمد رضا را میتوان سینه سبیل تمامی شهدای روز ۲۴ مهرماه کرمانشاه دانست. زیرا مانند این دست فروش میدان گسار از که تنها یک چرخ دستی دار و ندادن زندگیش بود و مانند آن کوچک هشت ساله دبستان رشیدی گنبد بیکر متلاشی شده اش دستهای مادر

درش را گلگون کرده بود و مانند فرزند زحمتکش خانواده های زیر آوار مانده "جلو خان" و مانند تمامی شهدای آن روز خوشین در فقر بدنی آمد. با فقر زیست تنها آخرین لحظه زندگی کوتاهش برای تابودی آن مبارزه کرد و مانند تمامی آنها قربانی خود طله های شوم امپریالیسم و ارتجاع گردید.

رفیق شهید محمد رضا رضائی در سال ۱۳۴۲ در خانواده فقیری بدنی آمد. زندگی رفیق قاز همان آغاز با رنج و محرومیت شدید همراه بود. محمد رضا تا سن پنج سالگی یاری راه رفتن نداشت. آنها که از نزدیکان خانواده اش را میشناختند میدانستند که مادر بیمازش یار ای شیردان به فرزندش راهم نداشت. آنها میدانستند که چرا محمد رضا نمیتواند راه بسوزد

آخرا و در آغاز زندگیش شیهای بی را که هرگز خودش میاد نسیمیا ورد، گرب سینه خوا بیده بود. ناله های جگر خراش این کودک و خانواده تنگدست و بیمازش به گوش کشائی می رسید که خود آنان نیز دردمند بودند.

آخرا آنها با او خانواده دیگر در یک کاروانسرای زندگی میکردند. رفیق شهید راه رفتنش را با بلیط فروشی، آدامس فروشی و... آغاز کرد. روز عید موقعی که بسیاری از همسن و سالانش با لباسهای شیک همراه پدران و مادرانشان به میهمانی میرفتند و درختیا با آنها شکلات میفروخت و

با لایحه رفیق به مدرسه رفت و در آنجا بود که با آثار ضد بهرنگی آشنا شد و از همان زمان که بدو کبته نسبت به اختلافات طبقاتی موجود در سینه اش کاشته شد. به هنگام اوگیری جنبش انقلابی در سال ۵۷ رفیق دانش آموز زکا اکنون در رنج و کار و آگاهی را با هم آمیخته بود. با قلبی مالامال از عشق به توده ها و زحمتکشان که خود فرزند آنان بوده و در کنار آنان بزرگ شده بود، بطور فعال در مبارزات مردم شرکت کرد.

در همین زمان بود که او بی

برهنگه برای آنکه برای همیشه بتواند فقر و محرومیت را از سینه برکنند با بد مجهز به اندیشه ای به همان اندازه انقلابی با شد و بدین ترتیب ما رگسیم لنینیسم را چراغ راهنمای ادامه زندگی مبارز.

اتی خویش قرار داد و به همراه فدائیان خلق به فعالیت پرداخت اما از آنجا که رفیق خودفرو رنج روز افزون توده ها از یکسو و سرکوب زحمتکشان و انقلابیون توسط رژیم جمهوری اسلامی را از سوی دیگر برشانه های خویش حس میکرد نتوانست گرایشها را سازگارانه و قمرنت طلبانه فداشیا ن را تحمل کند. بیس از اشعار در سازمان غذا پیمان بود که رفیق یکسر از آن برید و در سنگر هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزه اش را ادامه داد.

شجاعت، صداقت و شجور انقلابی رفیق محمد رضا در راه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر و در راه نجات تمامیت زحمتکشان زبانزد همه رفقای هم رزم او است.

با دشراگرامی میداریم و راه سرخشان را که راه همه زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران و جهان است ادامه خواهدیم داد.

بقیه از صفحه ۱۹

مخبرانی، نمایش فیلم و... یکی از شهیدان این دوره از مبارزه طبیب مولانایی است. افسران انقلابی، بهروز و بهروزیا که به جرم سرپیچی از کشتار مردم و کشتن فرماندهان فوق خود بدست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده، از اهالی این منطقه بوده است. اما شهدای آقا زما، شهدای راه انقلاب و منافع خلق کرد و خلق ایران، آن جریسان برخی را تشکیل میدهند که با شهادت بهرروز و بهروزیا به پایا بنامیر رسید بلکه هر روز بیشتر افق را خونین می سازد تا روزی سرانجام سر تا سر زندگی خلق را با خون سرخ خود آزاد سازد. در جریان یورش اخیر به سنج و جنگ ۲۶ روز با مردم سنج، مردم آقا زما، مثل همه مردم کردستان مردانه و قهرمانانه ایستادگی کردند و با زهم خون خویش را کنار راه را بی زحمتکشان نمودند. شمس الدین محمدی، فریده گل نسب و... (بقیه نقل از کومه له) راه بهروز و نیاها را ادامه

درمما حبه را دیوتلوویزیون با عوامل رژیم مکتبی جمهوری اسلامی برده از روی اقدامات رژیم در کردستان و ما هیت جنگ در کردستان برداشت. و نشان داد که ارتش و پاسداران با خلق کرده جنگ پرداخته اند ولی به همین علت یعنی به جرم افشای حقیقت ما هیت جنگ پس از ما حبه دستگیر شده و اکنون چند ماه است به همراه ۲۰۰ تن دیگر بدون بازجویی و یا محاکمه در زندان اوین میباشند.

از اینجای خوبی معلوم میگردد که چرا ارتش و پاسداران و به اصطلاح ستاد امنیت کردستان مردم آقا زما را تهدید میکنند. آنها نه مردم آقا زما بلکه همه مردم سنج، همه مردم کردستان و همه مردم ایران را تهدید به قطع ارزاق عمومی می نمایند. ما نیاز داریم. هر جا مبارزه جریان داشته باشد، هر جا مردم بر علیه ظلم و ستم ملی و یا طبقاتی برخاسته باشند، هر جا کسی آزاد می و انقلاب دفاع کند این گلزه ها، این توپ ها و این محاصره اقتصادی ها وجود خواهد داشت.

مصاحبه بافتش و بازجویی و دستگیری! یکی از جوانان محله آقا زما، سیانگ هدایت مطهری (۵۱ ساله) نام دارد که اکنون چند ماه است در زندان اوین بسر میبرد. دانستن چگونگی علت دستگیری این جوان مبارز بسیار قابل است. او کسی است که

میگوید: ارتش عراق آب را بر مردم آبادان ریخته است! اما روزنامه جمهوری اسلامی (به شماره ۲۲ مهر) اقرار میکند که همین کار را ارتش ایران در مورد شهر اشغال شده سنج، در محله آقا زما، عملی نموده است. همان این دوا ارتش از لحاظ سرکوب خلقها فرقی وجود ندارد.

بقیه از صفحه ۲۰

کردستان

زیادی از خانه های مسکونی راویسران نمودند. در ایام حمله هوایی در حدود ۳۰ نفر شهید و بیش از پنجاه تن زخمی گردیدند.

فاسیتهای بعث سالهاست که چنیسن بمبارانهای وحشیانه و کشتار مردم بی دفاع را در کوردستان کرد عراق انجام میدهند. وطنی بکمال ونیم اخیر بارها نقاط مسکونی مرز ایران و عراق را در این منطقه با ناپالم کوبیده اند.

خلق کرد در کردستان ایران از این جنایتها داغدار است و کینه و نفرت خود را از این دشمنان قسم خورده خود به نیرویی پایان ناپذیر برای مبارزه با آنان تبدیل خواهد کرد.

پیرانشهر

۵۹/۷/۱۴

ساعت ۵ صبح اینروز حدود ۳۰ نفر از ارتشیان پادگان بسوه وارد روستای کرده کشان شدند و بیژن و حتیتهای به سوی مردم و نوازهای روستا هجوم بردند. بعضی از مردم روستا برای در امان ماندن از این حمله مغولوار ارتشیان، وحشترده مغازه ها و محل کار روزندگی خود را رها و روستا را ترک کردند.

ارتشیان بعد از تفتیش منازل روستا - شیان، مغازه شخصی بنام "محمد امین شفعی" (ابزار فروش) را غارت کردند و تمام اجناس و وسایل داخل دکان را بنا خود بردند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میخواهد با غارت اموال و دارایی مردم کردستان، بمباران، خمپاره باران، سوزاندن و مغایر اقتصاد دها و شهرها، خلق کسرت را بزانودر آورد، اما خلق دلاور کرد با استواری در مقابل این سختیها ایستاده است و مبارزه با دلانۀ اشراپا همراهی زحمتکشیان و خلقهای ایران همچنان به پیش میرود.

گفتگویی بین یک پیشمرکه کومه لو و فرمانده ستون اعزامی به سردشت

نوشته زیر متن گفتگوی یکی از پیشمرگان کومه لو (مستول بیسیم) با فرمانده ستون اعزامی ازبانه به سردشت میباشد. این ستون اکنون در محل "دار ماوین" به محاصره پیشمرگان در آمده است.

این مکالمه بطور تصادفی و در حالیکه فرکانس بیسیم پیشمرگان و ستون یکسانی شده بود، صورت گرفته است. این گفتگو بدون هیچگونه تغییر ضبط شده و در اختیار خبرنگاران قرار گرفته است که ما نیز آنرا به آگاهی تان میرسانیم.

پیشمرگ: من یک پیشمرگ انقلابی هستم و سئوالی از شما دارم. شما چرا در بیسیم به خلبان هلیکوپتر دستور دادید مردی را که مشغول کار بر روی خرمن است بزند؟

فرمانده ستون: او کشا و رزن بود. پیشمرگ: چرا دها را آتش میزنید؟ فرمانده: ما جنگ را دوست نداریم ولی در هر جنگی بی عدالتی و بیرا نی وجود دارد.

پیشمرگ: هر جنگی تا عادلانه نیست. بنظر من در جهان دو جنبه وجود دارد، جنبه ستمگران و جنبه ستم دیدگان. بنا بر این معلوم است، کسی که در جنبه ستمگران قرار دارد تا عادلانه است و جنگ در جنبه ستم دیدگان عادلانه.

فرمانده: خوب پس ما متحد بشویم و بر علیه عراق بجنگیم و با مذاکره مسئله کردستان را حل کنیم.

پیشمرگ: ما تا حال چندین طرح بدوالت ارائه داده ایم و مذاکره کرده ایم. اما رژیم پاسخ ما را با کجولوله داده است. بنظر ما صدام حسین در جنبه ستمگران است و ملت عراق در جنبه ستم دیدگان و حکومت خمینی هم در جنبه ستمگران است و مردم را سزکوب میکنند.

فرمانده: ما که سرمایه دار نیستیم، من خودم پسریک کارگر بودم.

پیشمرگ: سرمایه داران برای حکومت بر مردم دستگاههایی لازم دارند که برای برآه انداختن آنها از مردم زحمتکش

استفاده میکنند. فرمانده: از اول فقیر و غنی وجود داشته است. عده ای کارگر بوده و عده ای تیز سر ما به دار بوده اند.

پیشمرگ: این حرفها کلک سرما به داران است برای فریب مردم. فرمانده: خوب شما که میگوئید ما طرفدار سرما به دار نیستیم پس طرفدار نشودا لیسنا هستید. والا این اسلحه ۵۰ هزار تومانی را از کجا آورده اید؟

پیشمرگ: از خود شما! حتما خبردارید که ما در روزهای قیام مقدار زیادی از اسلحه های پایگاههای رژیم سابق را بدست آوردیم. و در دوران جنبش مقاومت در همین محلی که شما اکنون نشسته اند صحبت میکنید، ستون بزرگی از پاداران را خلق سلاح کردیم. خنپا از ۱۲۰ میلیمتری که شما را هر روز میکوبند چندی پیش از پایگاه "رابط" بدست آوردیم. لایب دنیا دتا ن رفته است از ستون خود شما تا اکنون غذا دریا دی سلاح سبک همراه با یک آرپی جی و یک کالیبر ۵۰ و مقدار زیادی مهمات گرفته ایم شما برای ماهمول ره منیع پایان ناپذیری هستید!

فرمانده: من کار دارم و میروم. پیشمرگ: زنده با خلقهای زحمتکش و ستم دیده!

فرمانده: زنده با دهنگی! پیشمرگ: نه همگی! بلکه زنده با خلق زحمتکش! مرگ بر ستمگران! تا بود بساد امیر بالیم!

فرمانده: زنده با دهنگی! پیشمرگ: نه همگی! بلکه زنده با خلق زحمتکش! مرگ بر ستمگران! تا بود بساد امیر بالیم!

فرمانده: زنده با دهنگی! پیشمرگ: نه همگی! بلکه زنده با خلق زحمتکش! مرگ بر ستمگران! تا بود بساد امیر بالیم!

بقیه از صفحه ۲۰

مردم شهر مقاومت

بعد از قیام نیز این محله نقش فعالی در مبارزات مردم سنندج داشته است. اوج فعالیت آنان پس از یورش ارتش و پاسداران در نال ۵۸ (شهریوز) بود. جوانان محله در دوره خفقان بعد از یورش اول به تشکیل نماشگاه، نصب اعلامیه، عکس و پوستر شرکت در تظاهرات و تحمن ها پرداختند.

خفتند، پاسداران چندین بار به آنان حمله کردند و بر اثر مقاومت متقابل مردم محله و جوانان منطقه پاسداران مجبور به عقب نشینی شدند. هنگام تشکیل هیئت مؤسسه رای محلات و همینطور در ایجاد اولین بنکهای سنندج مردم آقا زمان نقش چشمگیری داشته اند. پس از تحمن بزرگ ۲۹ روئوسندج که منجر به خروج پاسداران رژیم از شهر شد، دامنه فعالیت آنان وسعت گرفت. تشکیل کتاخانه، گسترش بنک، تشکیل شورای محل، تشکیل شورای زنان محله

شکی جوانان انقلابی و مبارز خلق کرد را به جوخه اعدام مینهارند، آری این "مسلمانان" درجه یک اوراق عمومی و ما - بحتاج اولیه مردم محله آقا زمان را قطع کرده و هیچ ترشی هم ندارند که آنرا در روزنامه جمهوری اسلامی اعلام نمایند.

مختصری درباره محله آقا زمان

محله آقا زمان که اکنون در محاصره اقتصادی شدید و نظامی ارتش و پاسداران قرار دارد، یکی از محله های بزرگ و قدیمی شهر است. ساکنین آنرا اغلب توده های متوسط و فقیر شهری تشکیل میدهند. این مردم که از لحاظ آگاهی سیاسی و شور مبارزاتی و کینه به دشمنان خلق در سطح بالو مناسبتی قرار دارند، در مبارزات خلق کرد و شهسرد سنندج جای برجسته ای داشته اند. در زمان قیام بر علیه حکومت شاه یکی از کانونهای اصلی مبارزه بود که شهیدان چندی نیز در این دوره داده است، از جمله شهید هدیوسفی که دانش

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر



تربین شرایط در مقابل یورش وحشیانه ارتش و پاسداران به کردستان مقاومت پیروز مندا نه ای را به پیش نبرد مسلمانان در مقابل دشمن ذریعه و قسم خورده خلقها و زحمتکشان عراق سر تسلیم فرود نمیآوردند و در کردستان در مقابل تجاوزگران ایستادگی خواهند کرد.

● سازمان ما ضمن مقاومت سرسختانه و انقلابی خود همراه با توده های خلق کسرد در مبارزه با هیئت حاکمه ضد خلقی ایران مسلماً بسیار بهتر از ارتش پوئالی و پاسداران ارتجاع از سرزمین ایران در مقابل هر تاجا و خارجی دفاع خواهد کرد خلقی که توانسته است ما مها و در سخت

(نقل از خبرنامه کومه له) سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

کردستان قهرمان

نقل از خبرنامه کومه له شماره ۸۱ و ۸۲

۵۹/۷/۵

در این روزها غارتگرهای جمهوری اسلامی روی های منطقه "شاهرویان" را بمبهای ناپالم و راکت مسلسل های سنگین به آتش کشیدند. در روستاهای "یوسف کند" و "گوگ تپه" چند خانه بکلی ویران شده مزاحمان با این جنایات نیروهای هوایی ارتش مستقر در یوسف کند بوسیله توپهای دورزن و خمپاره انداز روستای "قم قلعه" را بطرز وحشیانه ای زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن چندین خانه ویران گردید. پاسداران ارتجاع حدود ۲۰ نفر از مردم مبارزها را در کوه در چهار راه آزادی حبس کرده بودند بدون هیچ گونه دلیلی دستگیر نمودند.

کامیاران

۵۹/۷/۱۵

در ساعت ۶ صبح این روز عده زیادی از رشتی و پاسداران کامیاران بطرف روستاهای "ک" حرکت کردند و در مسیر خود روستاهای "تیانه" و "سراوکام" را مورد حمله قرار دادند که با مقاومت پیشمرگان کومه له (پهل شهید حمید) و دمکرات روبرو شدند. در ساعت اول درگیری تعدادی از آنها کشته و زخمی شدند و یک اتومبیل سیمرغ که یک قبضه کالیبر ۵۰ روی آن کار گذاشته بود از کار افتاد. بعد از مدتی نیروهای کمکی از کامیاران به کمک آنها آمدند. در ساعت ۲ بعد از ظهر نیروی دشمن مرکب از ۱۴ اتومبیل (خودرو ارتشی و سیمرغ) ۲ تانک و یک نفر بر سریده بود. نیروهای اعزامی کمکی به محل درگیری در مسیر خود عده زیادی از اهالی روستاهای "وهرمه هنگ" و "الک" را بزرور جلو انداختند و خود

در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این روز ارتشیان و پاسداران مستقر در "پاگه" "هلتوشان" روستای "نجف آباد" را بمدت یک ساعت خمپاره باران کردند. در این خمپاره باران یک زن زخمی و سه چندین خانه روستا تپان خساراتی وارد آمد. اهالی این روستا از روی حیثه عالی و انقلابی برخورد را بودند. بعد از تمام خمپاره باران شروع به بازسازی خانه های خسارت دیده کردند و این جریان بکینه و نفرت آنان را نسبت به دشمنان طبقاتیشان بیشتر کرده است.

سردشت

۵۹/۷/۱۸

عصای نیروی ۳ فرزند هواپیمای میگ عراقی بر آسمان شروان هرا شدند و با افتادن بمب ناپالم در طرف و داخل شهر تعداد زیادی رصفتند.

بدنیال آنها بطرف میدان نبرد پیشروی کردند و به این طریق توانستند خود را بروستاهای "تیانه" و "سراوکام" برسانند. در درگیریهای این روز در روستای "الک" یک نفر شهید و ۴ نفر زخمی شد. در روستای "سراوکام" نیز یک زن زخمی شد. نیروهای دشمن بروشتای "تیانه" وارد شده و ۳ خانه را با تانک و سایر وسایل آتش کشیدند. ارتشیان و پاسداران و جاسادهای ساعت پنج بعد از ظهر بعد از دستگیری عده زیادی از اهالی روستاهای "الک" و "تیانه" بطرف کامیاران عقب نشینی کردند. طبق اخبار رسیده این افراد از نیروهای سرکوبگر کشته و عده زیادی زخمی شده اند. در این درگیری ها هیچگونه تلفاتی به پاسداران بر سریده و ما لم بدیا بگامیهای خود را رگشند.

مردم شهر مقاومت، در دفاع از پیشمرگان قهرمان

که "مردم کردستان"، "مردم محله آقا زمان" با نیروهای ضد انقلابی همکاری دارند تا حالا گفته میشد "خدا انقلابیون" یعنی هاو مزدوران هستند. اما اطلاعیه شماره ۷ استناد امنیت کردستان علناً اقرار میکند که "مردم محله آقا زمان" دست به مبارزه برای حقوق اولیه خود زده اند. و از انقلابیون مبارز خلق کرد مدافعه میکنند معلوم شد از نظر جمهوری اسلامی مردم انقلابی و مبارز هستند. مردم محله آقا زمان خدا انقلابی هستند. و برای تحت فشار قرار دادن این مردم قطع "ارزاق عمومی" و ما یحتاج "اولیاده ضحای عیبی" ندادند بلکه کار خوبی هم هست. در حالیکه "ارزاق عمومی" ایران مرتباً فریاد میزند که کفار عراقی آب را بر مردم آبادان بستند. خود آب بین "مسلمانان" درجه یک در مناطق تحت اشغال ارتش و پاسداران در سنج پس از آنکه مدتها از آبمباران کرده اند و ما کوچکترین

اطلاعیه شماره ۷ ستاد امنیت استان کردستان

سنج - خبرنگار جمهوری اسلامی: اطلاعیه شماره ۷ ستاد امنیت استان کردستان بطرف روستاها انتشار یافت. اغلب درگیریهای شاه سنج در محله آقا زمان بولوع پیوسته و این امر

هما نظر که میبینید مقامات ارتشی پاسداران و جاسای کردستان اطلاعیه ای صادر کرده اند و در آن "مردم محله آقا زمان" را تهدید کرده و اعلام نموده اند که "ارزاق عمومی" و ما یحتاج آنان را قطع خواهند نمود. این اطلاعیه بخوبی پرده از روی عواطف فریبی های دولت جمهوری اسلامی بر میاندازد. جمهوری اسلامی که حتی در شرایط جنگ با عراق سرکوب و کشتار خلق کرد را الحظای از چشم نیانداخته است، در اینجا اقرار میکند

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!

درباره جنگ و تاکتیک کمونیستها

هم اینک جنگی در کشور ما جریان دارد، که تقریباً همه امور و روندهای اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار داده و به مسئله اصلی و موضوع روز جامعه و نیز جنبش کمونیستی تبدیل شده است. این جنگ گذشته از آنکه چهره حقیقی منافع و مقاصد طرفین اصلی آنسرا آشکار میکند، به نمایان شدن ماهیت واقعی جریانات مختلف جنبش کمونیستی میپردازد، و بخوبی سرشت اپورتونیستی و رویزیونیستی بسیاری از جریانات را روشن میسازد، و آنرا از زیر طواهر آراسته و ادعاهای سبغلق کشیده بیرون میآورد.

این جنگ محل وزمان نمایش صریح دیدگاههای اساسی و متدولوزی جریانات مختلف کمونیستی است که اغلب در پس ظاهر آراسته مواضع روزمره پنهان بودند، یا اینکه بطور جزئی خود را مینمایاندند.

از همه مهمتر آنکه این جنگ گذشته از تائید شیرات جدی که در عرصه سیاسی کشور دارد، نقطه عطف بسیار مهمی در مسیر تکاملی جنبش کمونیستی میباشد، و در پیرویه وحدت جنبش کمونیستی تا شیری بسزای میگذارد، صفوف جریانات مختلف را از هم متمایز میکند، و دوری و نزدیکی آنها را بخوبی و بطور مشخص معلوم مینماید.

همیشه بهنگام بروز جنگ، مسئله جنگ یکی از موضوعات مهم و اصلی مورد مشاجره کمونیستها بوده، و با زار مبارزه ایدئولوژیک بر سر آن داغ میشده است. و همواره نیز این مبارزه ایدئولوژیک و مشاجره بر سر جنگ و چگونگی برخورد به آن، نقش خاتنه تکانی و تجزیه سره از ناسر در ایفا کرده است. جنگ جهانی اول، جنگ آلمان و شوروی و موضوع صلح در ۱۹۱۸، جنگ های قرن نوزدهم اروپا، جنگ چین و ژاپن و... همگی چنین نقشی را ایفا کرده اند.

هر جنگ جدیدی همواره مسائل پیچیده جدیدی را بسازد، و که در برخورد به آن بسیاری از دیدگاهها و جریانات و خوانندهها را پشت سر گذاشته و در مسیر تکامل به پیش میبرند. اما دیدگاهها و جریانات دیگر عجز و ناتوانی خود را بنمایانده و بتدریج ناگزیر از ترک صحنه به نفع دیگران میگرددند. جنگ کنونی ایران و عراق نیز مسائل جدیدی را بر خیل مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی افزوده، و میدان جدیدی برای مبارزه طلبی و اثبات حقانیت دیدگاههای جریانات مختلف گشوده است. اما اگر وارد مطلب شویم، خواهیم دید که با ری بر مشکلات موجود جنبش کمونیستی آفاقه نشده، و حتی موضوع جنگ نقش مثبتی در پیشبرد مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی دارد.

مسئله جنگ بطور عام

"جنگ ادا مه سیاست است" این گفته معروف کلوژ ویتست است. اما در واقع استراتژی جنگ با راه و بسا راهها در ادبیات مارکسیستی بکار رفته و بوسیله مارکسیستهای مختلف تائید شده است. جنگ وقتی آغاز میشود که سیاست در راه های خاص خود به بن بست میرسد، و راه جدیدی در پیش نیگیرد، که دیگر تنها راه ادا مه است. جنگ اعمال قهر برای پیشبرد سیاست است. بهمین خاطر است که لنین این گفته کلوژ ویتس را پیوسته تکرار میکنند که "جنگ ادا مه سیاست است نه راه های دیگر". جنگ با وجود آنکه در شکل قهر و کتاکش مسلحانه تجلی دارد، با ز نوعی سیاست است که بروش قهر آمیز دنبال میشود. اما سیاست بلوغ مشارزه طبقاتی است، و بر این پایه هر جنگی خود عا لبتیرین شکل تجلی میباشد. مبارزه طبقاتی و آخرین طریق پیشبرد منافع طبقاتی است. مگر جنگهای ماقبل تاریخ و جنگهای بین قبایل ابتدایی. بنا بر این هر جنگی را با بدبر بستر مبارزه طبقاتی و منافع طبقات مختلف مورد بررسی قرار داد. و از آنجا که جنگ وقتی آغاز میشود که سیاست بعنوان شکلی از مبارزه طبقاتی به بن بست میرسد، پس در برخورد به هر جنگ باید اولاً معلوم نمود که جنگ بین چه طبقاتی صورت گرفته است، ثانیاً چه سیاست، یا سیاستهایی بر مناسبات طبقات درگیر جنگ حاکم بوده، که از دل آن جنگ بروز کرده و موجبات این جنگ را بوجود آورده است.

آن جنگ بر متن کدام روندهای تاریخی یا به عبارت دقیقتر در چه عصر و دورانی صورت گرفته است، از این لحاظ باید معین ساخت که رابطه جنگ با عصر مربوطه اش چگونه است، و آیا جنگ در بردارنده خصلت اساسی دوران و عصر مورد نظر میباشد یا نه؟ مثلاً اگر جنگ در دوران ترقی تاریخی بورژوازی وقوع یابد، آیا این جنگ منطبق با خصلت اساسی و روندهای ترقی این عصر میباشد یا نه؟ یا اگر جنگ در دوران ارتجاع تاریخی بورژوازی یعنی امپریالیسم صورت پذیرد، آیا جنگ مزبور با خصلت اساسی این عصر منطبق میباشد یا نه؟

پس در برخورد با هر جنگ باید معین ساخت که آن جنگ در چه دورانی صورت گرفته، و اینکه ماهیت آن با خصلت اساسی آن دوران تطابق دارد یا نه. اما نکته بی که در اینجا باید توجه داشت و لنین پیوسته در مشاجره بر سر مسئله جنگ بر آن تاکید داشته، همان برخورد مشخص با هر جنگ است و اینکه ماهیت ترقی یا ارتجاعی جنگ را نمیتوان صرفاً بنا بر خصلت دورانی که جنگ در آن صورت گرفته، تعیین نمود. در واقع نوع جنگ را بطور کلی از نوع و خصلت عصری که در آن اتفاق افتاده، استنتاج کرد، بلکه ضروریست که در برخورد با هر جنگ به بررسی مشخص پرداخت* و در واقعیت نشان داد که

* - لنین در این زمینه مینویسد:

"یک دوره از آن جهت دوره نامیده میشود که در برگیرنده مجموعه پدیدهها و جنگهای متنوع است. هم نمونه وار و هم غیر نمونه وار، هم بزرگ و هم کوچک، هم آنها نیکه مختص مناسبات پیشرفته و هم آنها نیکه مشخصه کشورهای عقب افتاده اند. کنار گذاردن این مسائل مشخص از طریق عبارت پردازی های عام در مورد دوره "به شیوه" کیوسکی بمعنای سوء استفاده از مفهوم دوره است... سخن گفتن جدا از زمان و مکان و بطور عام، برای یک مارکسیست پسندیده نیست." (کار یکا توری از مارکسیسم)

ما هیت آن جنگ با خملت اساسی دوران مورد نظر منطبق هست یا نه، و در اینجا ست که موضوع شیوه تعیین ما هیت یک جنگ میان میاید . یعنی آنکه چگونه ما هیت یک جنگ را میتوان تعیین نمود . ولی پیش از پرداختن به مسئله شیوه و چگونگی تعیین ما هیت یک جنگ ، لازم به تذکر است که هر چند ما در عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری بسر میبریم و از این لحاظ مضمون اساسی این عصر ، نفی سلطه امپریالیسم در جهان و به حاکمیت رسیدن پرولتاریا و انقلاب پرولتری میباشد معینا مهم است که مضمون اساسی این دوران در همه کشورها کاملاً یکسان نبوده و بصورت واحد پیشرفت نمیکند . در یک جا مسئله اساسی بکنار رتبه دن دمکراسی و برقراری سوسیالیسم میباشد در جای دیگر نفی سلطه امپریالیسم بصورت بسط و توسعه دمکراسی و تأمین استقلال و آزادی تحقق مییابد . م. ل. هابسترای دستیابی به ما هیت واقعی یک جنگ متوجه دو امر میشوند که عبارت از وضعیت طبقاتی طرفین جنگ و سیاستهای حاکم بر جنگ میباشد . در این رابطه لنین مینویسد :

"حال چگونه میتوان به "ما هیت حقیقی" یک جنگ بی برد و آرت تعیین نمود؟ جنگ ادامه سیاست است ، بایستی سیاست قبل از جنگ را با سیاستی که جنگ از آن ناشی گشته و میگردد مطابقت نمود . اگر چنانچه سیاست امپریالیستی بوده ، یعنی از منافع سرمایه مالینی دفاع کرده ، بنارت و استعمار مستعمرات و کشورهای خارجی پرداخته است ، در این صورت جنگی هم که از این سیاست ناشی میشود ، جنگی است امپریالیستی ، هرگاه این سیاست رهایی ملی بوده ، یعنی بیانگر جنبش توده های علیه ستم ملی باشد ، در این صورت جنگی که از آن ناشی میگردد ، جنگ رهایی بخش ملی است . خرده بورژوازی درک نمیکنند که "جنگ ادامه سیاست است" و نیز بهمین اکتفا مینمایند که بگویند "دشمن حمله میکند" و یا "دشمن بکشور من هجوم آورده است" بدون آنکه از خود سؤال کنند جنگ برای چه هدفی و از جانب چه طبقه ای و بمنظور دست یافتن به کدام هدف سیاسی صورت میگیرد" ص ۲۱ "کاریکا توری از مارکسیسم ، تاکید از ما ست .

آری ، برای تعیین "ما هیت حقیقی" یک جنگ باید دید که جنگ "از جانب چه طبقه ای و بمنظور دست یافتن به کدام هدف سیاسی صورت میگیرد" . جدا کردن این دو جنبه از یکدیگر یعنی وضعیت طبقاتی جنگ از سیاستهای که منجر به جنگ گردیده ، نکته بسیار مهمی است ، که بی توجهی به آن برداشتهای غلط و انحرافی در برخورد به جنگها را موجب میشود . جدا کردن این دو جنبه از یکدیگر باری قلمی نبود و در واقع راه را بر برداشتهای انحرافی مینهد . جدا کردن "طبقه" و "سیاست" از یکدیگر از این لحاظ اهمیت دارد که توجه به هر دو جنبه بطور توانمان بخوبی در برگیرنده حالتی است که بین این دو مفهوم انطباق لازم و ما هیت وجود ندارد . قاعدتاً بین "سیاست" و "طبقه" انطباق و یکی نبود دارد . زیرا که هر سیاستی متناظر از وضعیت اقتصادی اجتماعی طبقه معینی میباشد و هر طبقه بر اساس وضعیت اقتصادی - اجتماعی خویش سیاست معینی را دنبال میکند . چنانکه بورژوازی مترقی قرن نوزدهم قاعدتاً گامهایی مترقی در جهت انکشاف تاریخی جامعه بشری برمیداشت ، و سیاستهای مترقی آنها قاعدتاً مینمود . و بهمین گونه بورژوازی ارتجاعی امپریالیست قاعدتاً سیاستهای در جهت جلوگیری و مانع از تکامل تاریخی اجتماع داشته ، و در این راستا حرکت میکرد .

اما ، این قاعدت همچون قانون انطباق اقتصاد و سیاست و زیر بنا

وروینا ، مطلق نبوده و تاریخ نشان دهنده موارد بسیاری از این عدم تطابق هاست . چنانکه تا پلئون اول که نماینده بورژوازی مترقی فرانسه بود در ۱۸۱۲ دست به حرکتی از نظر سیاسی ارتجاعی بر علیه خلق روسیه زد ، و سیاست جنگ امپریالیست با روسیه را در پیش گرفت و بهمین گونه بورژوازی امپریالیست فرانسه و کلاً متفقین در طول جنگ جهانی دوم سیاستی مترقی در جهت مبارزه بر علیه فاشیسم و همکاری با سوسیالیسم را در پیش گرفتند .

در حقیقت رابطه بین "طبقه" و "سیاست" یک رابطه دialectیکی است که گرچه قاعدتاً عمومی ، وحدت و انطباق آنهاست ، در عین حال بین آنها تا یکسانی و تفاذنی وجود دارد . بدین معنی که سیاستی ارتجاعی از جانب طبقه ای مترقی و یا برعکس سیاستی مترقی از جانب طبقه ای ارتجاعی یا فدا انقلابی بیرون زند . در گاهای متافیزیکی در مواجهه با این رابطه دialectیکی بین "سیاست" و "سیاست" از درک پیچیدگی وحدت و تفاذ آنها عاجز مانده و صرف وجه وحدت آنها را در نظر دارند . و بصورت یک طرفه و یک بعدی سیاست را از نوع طبقه نتیجه گیری میکنند . در حقیقت علت و عارضه هر چه باشد ، نتیجه آن نیز همانست ، یا عبارتی انگیزه هر چه باشد عمل نیز همانست .

این دیدگاه ، متافیزیکی را که در موضعگیری های سیاسی به نظرات کودکا نه منجر میشود ، در جریان اشغال سفارت بعینه مشاهده کردیم . این دیدگاه انتظار دارد که از طبقه فدا انقلابی یا نیروی ارتجاعی مطلقاً حرکت فدا انقلابی یا ارتجاعی تراوش کند . و از فدا انقلابی یا نیرویی مترقی مطلقاً حرکت انقلابی یا مترقی سربز و بهمین سبب گنج و حیران در برابر جریان اشغال سفارت خود در دیوار زده و سرانجام هم برای آن روشن نگشت که بهرحال - اشغال سفارت حرکتی مترقی بود یا نه . در اینجا نشان خواهیم داد که بعضی از جنگها بوسیله طبقه ای ارتجاعی ولی با سیاستی مترقی برعکس صورت گرفته است که برای دیدگاههای متافیزیکی هضم آن مشکل است . و اگر با درک دialectیکی از رابطه "طبقه" و "سیاست" سراغ ارزیابی جنگها نرویم هرگز نخواهیم توانست شناخت حقیقی از آنها بدست آوریم .

لنین در برخورد به چنین دیدگاه متافیزیکی که متعلق به خرده بورژوازی و بورژوازی است ، مینویسد :

"برای خرده بورژوازم دانستن این مطلبی است که لشکریان کجا قرار دارند ، و چه کسی در حال حاضر غالب است ، برای یک مارکسیست مهم است که جنبه حاضر چه منظوری در گرفته است ، جنگی که در طی زمانهای این ، زمانی آن سپاه میتواند پیروز باشد (همانجا تا کیداز ما ست) .

منشویکهای روس نیز در برخورد به جنگ جهانی اول توجه داشتند که جنگ بوسیله چه طبقه ای صورت گرفته است ، اما آنچه آنها نمیتوانستند و یا نمیخواستند در نظر داشته باشند ، سیاست امپریالیستی حاکم بر جنگ بود ، و اینکه سیاست مزبور خصلت ارتجاعی داشته و یکدنیا با سیاست بورژوازی مترقی قرن نوزدهم تفاوت دارد .

پس در برخورد به هر جنگ کافی نیست توجه شود که جنگ بوسیله دنیوی فدا انقلابی یا دوطبقه بورژوازی صورت گرفته است ، چرا یک بورژوازی ممکن است با سیاست امپریالیستی در جنگ شرکت کند و بورژوازی دیگر با سیاست ناسیونالیستی و دفاع از استقلال کشور خویش در برابر تاج و زو ستم بیگانه در آن شرکت جوید . یا نیروی فدا انقلابی ممکن است با سیاست توسعه طلبانه و ضد ترقی

فدا انقلابی یا ارتجاعی صورت گرفته و تدین لحاظ جنگ مریز... ارتجاعی است هیچ چیز از امیر ساند، مگر کودکی در ما رکست... وطنی است که این چنین ذک ساد لوجا نه بر احتی مینای بر خو... ردهای ا پورتونستی چپ و راست قرار میگیرد.

خلاصه آنکه برای تعیین "ماهیت حقیقی" یک جنگ هم با ایند وضعیت طبقاتی طرفین جنگ را شناخت، هم اینکه سیاستها، هدفها و عواملی را که جنگ از آنها نشأت گرفته معلوم نمود. آنگاه به مقایسه حاصل این بررسی با خلعت دوران پرداخته، معلوم نمود که این جنگ در راستای روند مترقی دورانی که جنگ در آن صورت گرفته، میباشد، یا برعکس منطبق با خلعت و روند ارتجاعی موجود در آن عصر دوران است. در همین حال، سویزه لازم به بررسی است که آیا این جنگ منطبق با عناصر و روندهای مترقی کشوری که جنگ در آن جریان دارد، میباشد، یا برعکس است؟ بدین خاطر بررسی میکنیم اینکه در کشور مزبور چه عناصر و روندهایی مترقی است، و چگونه نیروها و ناهای سیاستی در برابر آنها ایستاده اند، از مقدمات مهم و ضروری برای تعیین ماهیت یک جنگ است.

بنابراین در برخورد به یک جنگ مهمترین چیز همانا بررسی مشخص است. با عدم معلوم نمود که جنگ بطور مشخص در چه عصری و در چه کشوری و بر متن چه مناسبات، بوسیله کدام طبقات و بنا بر چه سیاست و هدفی صورت گرفته است، نمیتوان تعیین نمود.

چگونه میتوان یک جنگ را شناخت، هرگاه آن جنگ ادامه سیاست قبلی آن دولت معین، سیستم دولتهای معین و آن طبقات معین در نظر گرفته نشود؟ تکرار میکنیم این یک نکته اساسی است که غالباً نادیده گرفته میشود. (جنگ و انقلاب)

برای تعیین ماهیت جنگ ایران و عراق از هر طرف، باید به همین گونه به بررسی مشخص پرداخت، و سیاسی را که جنگ از آن ناشی گشته و نیروها و طبقاتی را که جنگ بین آنها جریان دارد، و هدفهای آنها را که طرفین جنگ دنبال میکنند معین ساخت. اظهار اینکه جنگ ایران و عراق بین دوشوروی فدا انقلابی است و بنا بر این جنگ مزبور از هر دو طرف ارتجاعی و فدا انقلابی میباشد، بیش از آنکه ناشی از بررسی و برخوردی منطقی باشد، محمول برخوردی کودکانه به قضا سیاسی پیچیده است.

● جنگ ایران و عراق نیز ادامه سیاست است

برای برهیز از برخورد سطحی و ساده لوحانه به مسئله جنگ ایران و عراق، و برای شناخت دقیق ماهیت حقیقی این جنگ، لازم است که اولاً معلوم نمود، طرفین این جنگ در احوال چه نیروها و چه طبقاتی هستند، تا نسبتاً روشن ساخت که چه سیاستها و هدفهای محلی و چه بیرونی این جنگ گشته و سیاست و هدف اصلی که جنگ بیش از همه محمول وادامه آنست، کدام میباشد؟

آنطور که از ظاهر امور پیداست جنگ ایران و عراق جنگی است بین دو حکومت عراق و ایران، اما آیا واقعاً طرفین جنگ همینست؟ دو است؟ آیا ارتجاعی و یا برعکس است؟ در این مورد باید به بررسی دقیق پرداخت. در این مورد باید به بررسی دقیق پرداخت. در این مورد باید به بررسی دقیق پرداخت. در این مورد باید به بررسی دقیق پرداخت.

ملت دیگر در جنگ حاضر شود و در عوض نیروی فدا انقلابی مقابل با سیاست دفاع از استقلال کشور خود و حرکت مترقی جامعه خود در آن وارد نکرد. بنابراین سوم و بیست و یکم هر دو نیرویی فدا انقلابی بودند، اما یکی سیاست ارتجاعی جنگ ۱۸۷۰ را آغاز کرد و دیگری سیاست مترقی دفاع از وحدت آلمان.

استعمار انگلیس در قرن نوزدهم از موضع بازنگران و ضد انقلابی سعی در زیربوی کشیدن افغانستان را داشت، و در نتیجه بین انگلیس و امیر افغان جنگ در گرفت. انگلیس جنگ را با سیاستی مفاویر و متفاو با منافع خلق افغانستان و در جهت سرکوب نیروهای مترقی آنجا آغاز نمود، اما امیر افغان بعنوان یک فتوادال به عنوان یک نیروی ارتجاعی جنگی را در برابر ارتجاعی انگلیس در پیش گرفت که جنبه مترقی داشت و در جهت دفاع از منافع خلق افغانستان و حرکت مترقی جامعه افغانستان بود. به همین ترتیب امیر بیالیم، ایتالیا در دهه ۳۰ قرن اخیر به جنبه هجوم بردوسی در مصر، فکا مل آنجا داشت، در مقابل جنبه تحت رهبری هایدلبرگ، فکا مل آنجا داشت، در مقابل جنبه مترقی بمشروطیها و ستم و تجاوز امپریالیسم ایتالیا دست زد.

جنگ از نظری معنای آنتاگونیتیم یا تبعات دیگر ششده آنتاگونیتی حل تضادی سیاسی است. و از این لحاظ همچون هر تضاد و دهر از جنبه بی سیاسی و بیاد و طرف دارد. برای بررسی دقیق هر جنگ و شناخت ماهیت حقیقی آن لازم است که ماهیت هر دو طرف و نیز هدفهای سیاسی آنها را بخوبی معین ساخت. در بررسی جنگ از زاویه طرفین آن چند حالت ممکن است پیدا شود: اول آنکه جنگ بوسیله نیرویی مترقی یا انقلابی و با هدفهای مترقی بر علیه نیروهای ارتجاعی صورت گیرد، مانند جنگهای فرانسه در سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۵۶ بوسیله بورژوازی فرانسه که از نظر تاریخی نیرویی مترقی بودند با کشورهای ارتجاعی پروس و روسیه. یا جنگهای آزادیبخش جنبشهای مترقی خلقهای تحت ستم بر علیه سلطه امپریالیسم دوم، اینکه جنگ از جانب نیرویی از لحاظ تاریخی مترقی اما با هدفهای ارتجاعی انجام شود. نظیر جنگ امپریالیستی ناپلئون بر علیه روسیه در ۱۸۱۲. یا جنگهای استعماری بورژوازی مترقی اروپای نیمه اول قرن نوزدهم بر علیه ملتهای آسیا و آفریقا. دوم اینکه جنگ بوسیله نیرویی فدا انقلابی و با هدفهای ارتجاعی انجام شود، مانند جنگهای ارتجاعی اروپا بر علیه بورژوازی مترقی در قرن نوزدهم و با جنگهای امپریالیستی که بین دو طرف ارتجاعی صورت میگرفت.

چهارم اینکه جنگ بوسیله نیرویی ارتجاعی یا فدا انقلابی اما با هدفهای مترقی انجام شود، نظیر جنگ امیر افغان و هایدلبرگ سلطه استعمار انگلیس و امپریالیسم ایتالیا، و با مورد مقابل جنگ امپریالیستی ناپلئون، یعنی جنگ ترانز ارتجاعی روسیه بر علیه ناپلئون و بمشروطیها بی روسیه از زیر ستم و تجاوز ناپلئون در ۱۸۱۲. به همین گونه جنگ حکومت فدا انقلابی آلمان با امپراتور اعظمی بیسمارک بر علیه تجاوز فرانسه در ۱۸۷۰. مادام که جنبه فدا انقلابی داشته باشد و خلعت مترقی برخورد را برود، و هدف آن دفاع از حرکت رویه پیش آلمان در جهت وحدت و اتحاد ملی و بقا باشد، و بنا بر این وجهی است که توجه یکجا به این است که جنگ از جانب چه کسانی و چه طبقاتی صورت گرفته و تعیین ماهیت جنگ بنا بر تعیین مزاجاً وضعیت طبقاتی و ماهیت طرفین جنگ چه نسبتاً موافق بخواهد و به کجا منجر میشود. اظهار اینکه فلان جنگ بین دو نیروی...

باید این توضیحات پیداست که توجه یکجا به این است که جنگ از جانب چه کسانی و چه طبقاتی صورت گرفته و تعیین ماهیت جنگ بنا بر تعیین مزاجاً وضعیت طبقاتی و ماهیت طرفین جنگ چه نسبتاً موافق بخواهد و به کجا منجر میشود. اظهار اینکه فلان جنگ بین دو نیروی... لازم به تذکر است که ما اینجا هم "مترقی" و "ارتجاعی" را با "فدا" و "انقلابی" و "فدا انقلابی" مرادف و یکسان بحساب نمیآوریم.

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

رزمندگان

نمیکنند؟ یا اویسی ها و پالیزیان ها و بختیارها با اختیار خود با حکومت عراق بر علیه ایران همکاری میکنند؟ آیا همکاری فعال ضد انقلاب مغلوب ایران و ارتجاع منطقه ورژیم های وابسته به آمریکا با حکومت عراق مستقل از سیاست امپریالیسم آمریکا است؟ برآستی، کدام ساده لوح میتواند چنین اظهار نظری بنماید؟ حال با این تفصیلات میتوان گفت که تنها حکومت عراق یعنی بورژوازی ضد انقلابی عراق است که با ایران میجنگد؟ آیا طرف مقابل جنگ ایران فقط بورژوازی عراق است و امپریالیسم آمریکا بطور غیر مستقیم و از طریق ضد انقلاب مغلوب و ارتجاع منطقه در طرف مقابل ایران قرار ندارد؟

امپریالیسم آمریکا از مدتها پیش که دریافت رژیم حاکم بر ایران آنچنان که با يدوشا يد منافع آنرا تا مین نکرده، بوحشی مواضع زیادی در برابر آن ها چه در ایران و چه در منطقه بوجود میآورد، در صدد برآمد که بلوک حاکم متشکل از خرده بورژوازی و بورژوازی را بضع بورژوازی درهم بشکند، ورژیمی را در ایران مستقر کند که با سیستم سرمایه داری وابسته سازگار و منطبق باشد زیرا که بلوک متشکل از خرده بورژوازی و بورژوازی بهیچوجه دولت طبیعی مناسب سیستم سرمایه داری وابسته نمیشد، و در راه تشکیلات و تحکیم نظم طبیعی و مطلوب سرمایه داری وابسته و تا مین منافع امپریالیسم خلل ایجاد نمیکند. ما بخوبی در "رزمندگان" آن سیاستها و عملکردهای رژیم حاکم را که در ضدیت با منافع امپریالیسم و ناسازگار با نظم سیستم سرمایه داری وابسته بوده اند، دنبال کرده ایم. و در اینجا نیازی به بازگو کردن آنها نمیشد.

البته شکی نیست که رژیم حاکم ایران یعنی همان بلوک خرده بورژوازی و بورژوازی در مجموع در جهت پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب و خلق ایران عمل کرده است. اما این تلاش رژیم حاکم و سیاست آن در جریان حفظ سیستم سرمایه داری وابسته، آمیخته با سیاستها و عملکردهای خاص خرده بورژوازی و در نتیجه ناسازگار با منافع همه جانبه سرمایه داری وابسته و نیز با امپریالیسم بوده که ادا مابین ناخالصی در ادا راه سیستم سرمایه داری وابسته، و ادا مابین حاکمیت خرده بورژوازی بورژوازی، برای سیستم سرمایه داری وابسته عمیقاً بحران زده، و متلاطم ایران سخت زیانبار و برای امپریالیسم تحملنا پذیر بوده است. به همین خاطر که امپریالیسم آمریکا دیگر امید خود را به "هل شدن و رام گشتن رژیم جمهوری اسلامی را کرده و در صدد برآمد که این رژیم را ساقط نماید، و در این راه به چند کودتا دست زد. اما این کودتاها هیچگاه اثری نکرد، و حتی قدرت و نفوذ امپریالیسم را در ارتش بصورت شدت کاهش داد.

از آنجا که در نتیجه شکستهای متعدد برنا مه های امپریالیسم و تضعیف قدرت و نفوذ امپریالیسم و بورژوازی در ارتش، بدلائیل نظامی و نیز بدلائیل سیاسی و اجتماعی، امکان حرکتی موفقیت آمیز از طریق ارتش و کودتا بمنظور ساقط کردن خرده بورژوازی حاکم ضعیف و ناپیوسته بود، امپریالیسم آمریکا از چند ماه پیش سیاست تشکیل "ارتش آزادیبخش ایران" در عراق و سازمان دادن به گروه های ارتجاعی ناراضی در ایران و مسلح نمودن آنها را در پیش گرفته است. مسلح نمودن عناصر ناراضی فارسی خا نه های مرتجع بلوچ و برخی از عناصر پرکرد و همکاری این گروه های ارتجاعی ناراضی با ضد انقلاب مغلوب یعنی با بختیار و پالیزیان و اویسی همگی بر بستر سیاست جدید امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی خرده بورژوازی حاکم و تبدیل رژیم کنونی به رژیم در اختیار بورژوازی صورت گرفته است. امپریالیسم دیگر سیاست به این منطقه آموخته اند، اویسی نیز چند روز پیش در تلوویزیون بغداد حاضر شده و از پشت دوربین تقاضا کرده است که ایرانیان با ارتش ایران همکاری کنند.

ساده کودتا را بنا گزیر ترک گفته است، سیاست جنگ، شورش و تهاجم را برای سرنگونی جناح خمینی اتخاذ کرده است.

در این میان، حکومت عراق که ورژیمی وابسته به امپریالیسم آمریکا محسوب نمیشود، خاک خود را تبدیل به پایگاه امپریالیسم مزدوران امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب نمود، و هر چه بیشتر به ورژیمهای ارتجاعی منطقه نظیر ملک خالد، ضیاء الحق، ملک حسین بر علیه ایران نزدیک گردیدند، رژیم بعثی عراق وابسته و سرسبز ده به امپریالیسم نمیشد پس چرا آتش بیا ر متمرکز توطئه هسای امپریالیسم بر علیه ایران گردیده و خاک خود را به پایگاه عملیات ضد انقلاب مغلوب بر علیه ایران تبدیل کرده است؟

اشتراک عمل عراق با ضد انقلاب مغلوب و در واقع با امپریالیسم آمریکا بر علیه ایران نباید لزوماً محصول وابستگی عراق از ژبایی نمود، زیرا که اشتراک منافع بورژوازی و ارتجاعی نیز میتواند به چنین نزدیکی و همکاری منجر گردد. حکومت عراق مدتی طولانی است که مواضع نسبتاً مترقی خود در دفاع از جنبش های آزادیبخش منطقه و کمک به آنها را بر علیه رژیمهای ارتجاعی و امپریالیسم را کرده و چرخش به راست نموده است. این امر در داخل کشور نیز بصورت تشدید سیاست سرکوب و کشتار انقلابیون دنبال شده است.

برمتن این گرایش برآست رژیم عراق، با دید مخصوص به تما یلات و انگیزه های جاه طلبانه آن در تبدیل شدن به قدرت برتر و برگردن جای ایران در منطقه توجه داشت. عراق که سودای تسلط داشتن بر خلیج فارس و ایفای نقش ژاندارمی در آن را در سر میپوراند، پس از سقوط رژیم شاه زمینه را برای عملی نمودن این آرزوی خود فراهم میببیند، و در این جریان به رژیم های ارتجاعی منطقه مانند عربستان و شیخ نشین ها که از رژیم جمهوری اسلامی سخت بیمناسک بودند، نزدیک میگردد.

بعلاوه شرایط بحرانی درون عراق و رشد ناراضی ها و اعتراضات مردم عراق، رژیم بعث را نسبت به حکومتی که تا حدودی بر علیه ارتجاع منطقه و امپریالیسم عملی میکرد و... و کشوری که منبع انتقال امواج انقلابی از درون شرایط متلاطم و متشنج خود به اطراف بود، سخت جاسوس و موش میساخت. بخصوص که حکومت جمهوری اسلامی آشکارا از جریانات سیاسی- مذهبی مخالف رژیم بعث حمایت مینمود و از موضع ارتجاعی پان اسلامی نسبت به حکومت های عرب منطقه برخوردار میگردد.

این عوامل رویهمرفته زمینه نزدیکی عراق را به نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم منطقه فراهم ساخته، و موجب آن گشت که عراق وسیعاً به همکاری با ضد انقلاب مغلوب ایران یعنی مزدوران امپریالیسم بر علیه ایران بپردازد، و بطبعاً سیاست جدید امپریالیسم آمریکا در تشکیل "ارتش آزادیبخش ایران" و برنا مه جنگ و شورش و تهاجم و زوبین منظور سرنگونی خرده بورژوازی حاکم تبدیل آن رژیم به حکومتی کاملاً بورژوازی با منافع توسعه طلبانه عراق و تمایل آن به برقراری شرایط آرام و مطلوب در این انطباق داشت. انطباق و همسویی منافع سیاستهای عراق و امپریالیسم آمریکا هرگز بمعنای پیروی عراق از برنا مه ها و سیاستهای دیکته شده امپریالیسم آمریکا نمیشد.

ضد انقلاب مغلوب از طریق سخنرانی بختیار و روایعات درون ایران از مدتها پیش از حمله عراق به ایران، و آخر شهر پیروا و مهراتاریخ با زکشت خود به ایران معین کرده بودند، و در شهر پیور اخبار مربوط به نقل و انتقالات نظامی آمریکا در منطقه و ارسال اسلحه برای بلوچ ها و قشقای ها، احتمال آغاز حرکتها بی در مناطق مختلف ایران بر علیه حکومت را بچ و پراکنده نمود. بهر حال بنا بر شواهد و دلایل فوق جنگ تجا وزی عراق بر علیه

ایران، نه فقط جنگ عراق با ایران که جنگ ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم آمریکا با ایران نیز میباید شد. آمریکا در این جریان سیاستمداران و موضع بیطرف گرفته، و از طریق ضد انقلاب مغلوب و یادی خود نظیر اردن و عربستان مسئله را دنبال میکند. تا اگر احیاناً این عملیات بشکست آنجا مید، همه راههای نفوذ به ایران و پیشبرد مقاصدش بسته نمیشد، و بیتوانند از دردیگری برای دنبال کردن منافع و سیاستهای خود وارد شود. بویژه آنکه، حل مسئله گروگانها، در نتیجه انتخابات آمریکا، بسیار موثر بوده، و دولت کارتر حتی حاضر به دادن امتیازاتی در جهت حل آن و استفاده از آن برای انتخابات میباشد. در نتیجه وضعیت نیروهای طرف مقابل ایران در جنگ بدین ترتیب است که حکومت بورژوازی عراق و ضد انقلاب مغلوب مستقیماً در جنگ شرکت دارند، اردن و ارتجاع منطقه بطور غیر مستقیم و امپریالیسم آمریکا بگونه بی. نا. آ. ثکا رود را واقع از طریق مزدوران خود یعنی ضد انقلاب مغلوب که همان بورژوازی انحصاری و عناصری از بورژوازی لیبرال ایران باشند در جنگ دخیل اند.

اما طرف دیگر جنگ که بظاهرا ایران باشد، شامل حکومت جمهوری اسلامی یعنی بلوک خرده بورژوازی - بورژوازی حاکم و توده های خلق ایران میباشد. بلافاصله پس از تاجا و وسیع هواپیما عراق و بمباران فرودگاهها و پایگاههای ایران، توده های وسیع مردم بغلیان آمده و روحیات ملی، استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی آنها سخت برانگیخته گردید. توده های وسیع زحمتکش شهر نشین بسرعت در اطراف فرودگاهها بساختن سنگر دست زدند و آماده مبارزه با تاجا و ز عراق گردیدند. جالب اینکه حتی در مناطق عرب نشین جنوب ایران که عراق آنرا "عربستان ایران" مینامید، و انتظار داشت که توده های عرب هلهله گویان با استقبال لشکریان عراق بشتابند، و نیروهای مسلح ایران را از خوزستان بیرون کنند، توده های زحمتکش عرب وسیعاً در کنار زحمتکشان فارس با جان و دل به مقاومت در برابر هجوم و تاجا و ز عراق همت گماشتند، و تنها شیوخ مرتجع عرب منطقه و بخش قلبی از عربها به همکاری با نیروهای تاجا و ز عراق پرداختند.

توده های مردم ایران مدتهاست که از اشتراک سیاسی امپریالیسم آمریکا و دولت یعنی عراق آگاه بوده و هرگز دچار توهمات و کج اندیشی های حاصل از الگو و تفکر دکما تیک برخی از کمونیستها نگردیده اند، که جنگ بین ایران و عراق را صرفاً جنگ ایران با حکومت عراق بتنها می بینند و رند آنها با درک سطحی و محدود خود و نیز بر اثر تبلیغات انقلابیون چهره کزیه امپریالیسم آمریکا را در پی فعالیت آزاد و وسیع پالیزی آنها و وایی ها در عراق و تبلیغات رادیوهای بختیار و وایی در آنجا تشخیص دادند و فهمیدند که در کنار دشمنی عراق با ایران، ضد انقلاب مغلوب و آمریکای زخم خورده از انقلاب ایران قراردادارند و اینها همگی مترصدند که آب رفته را بجوی بازگردانند و بساط حکومت مزدور سرسپرده امپریالیسم آمریکا را دوباره در ایران بگسترانند.

توده های مردم ما اگر توهم عمیق خود را نسبت به حکومت کنونی از دست داده بودند، و اگر نارضایتی و مخالفت آنها با رژیم جمهوری اسلامی گسترش یافته بود، و اگر بر اثر اعتراضات و مبارزات روزمره خود تدریجاً میرفتند که رژیم جمهوری اسلامی را نیز بیزانوس در آورند، اما هرگز خا طره شوم و تلخ سالها حکومت نکبت با رودیکتا نوری سیاه پهلوی را فراموش نمیکند و هرگز جنایات امپریالیسم آمریکا را در حمایت همه جانبه و تقویت آن رژیم و تلاش در تحکیم جفکان و دیکتاتور آن از یاد نمیبرند و بیهیچوجه از آرزو نخواهند داد که استقلال سیاسی شان مانند گذشته باز بچهره آرا ده امپریالیستها گردد و آن مناسبات تحت سلطگی سیاسی دوباره احیا شود.

بدین جهات بود که بعضی تاجا و ز هواپیما عراق به ایران، توده های مردم ایران همگی بغلیان آمده و بی آنکه تبلیغات گسترده بی از قبل در زمینه تحریک احساسات شورشی در آنها صورت گرفته باشد و با آنکه نسبت به رژیم حاکم سخت نارضایتی بودند و یکبار چاره برای مقابله با تاجا و ز عراق به تکیا پوفتادند. و در واقع برای مقابله با امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب مغلوب و جلوگیری از بازگشت اوضاع سابق به کشور بحرکت درآمدند. آنها در اصل نه بخاطر دفاع از حکومت بلکه برای حفظ دست آوردهای انقلاب و برای جلوگیری از برافتن آن مقدار استقلالیه که برایشان قیام بهمن ماه بدست آورده بودند، راهی جبهه نبرد خونین با تاجا و زگران عراقی شدند و سنگرهای مقاومت در برابر هجوم آنها را بوجود آوردند.

و پرواضح است که پس از پایان جنگ همین توده ها با انتظارات بیشتر و احساس قدرت فراوانتر از گذشته با حکومت مواجه خواهند شد و خواسته های وسیعتری را دنبال میکنند.

اما حکومت جمهوری اسلامی ایران بعنوان نیروی اصلی هدایت کننده جنگ با عراق یکپایه مهم جنگ با عراق بشمار میرود و در جناح خرده بورژوازی و بورژوازی حکومت خواستار مقابله با عراق و طرد و خنثی کردن تاجا و ز آن بودند. یکی جدی تر و یکی رقیب تر - و با وجود آنکه در اصل بخاطر دفاع از حکومت ضد انقلابی خود و برای حفظ آن در برابر برترتیه های امپریالیسم و عراقی در جنگ شرکت میکردند، اما با زمام نندگانی هر دو جناح حکومت خواستار طرد تاجا و ز عراق و خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و بیرون کردن نیروهای آن از خاک ایران بوده و در این راه مسی جنگیدند. هم "پاسداران" که از گان خرده بورژوازی بودند، و هم ارتش و سیما در این جنگ شرکت داشتند. اما، خبرهای رسیده از جریان جنگ حکایت از وجود کارشکنی و اغلال برخی از فرماندهان و افسران ارتش یعنی بخشی از بورژوازی ایران در جریان جنگ و تلاش آنها برای شکست نظامی ارتش در برابر عراق را دارد، یعنی آنکه، اگر نمایندگان اصلی بورژوازی حاکم بواقع در جهت مقابله با تاجا و ز عراق و شرکت فعال در جنگ بر علیه عراق تلاش میورزیدند، اما برخی از عناصر و محافل بورژوازی و ضد انقلاب مغلوب در درون ارتش بیشتر طالب آن بودند که عراق و در حقیقت امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب پیروز شوند. با این وجود، یعنی علیرغم پاره بی کارشکنیها و مخالفت ها از جانب عناصر و محافل بورژوازی درون ارتش، نمایندگان اصلی بورژوازی حاکم ایران بدنبال خرده بورژوازی موافق جنگ بر علیه تاجا و ز عراق و برترتیه های مشترک ضد انقلاب مغلوب، با عراق و امپریالیسم بود.

بنا بر این جنگ ایران و عراق از زاویه اینکه "از جانب چه طبقه ای صورت گرفته و ما هیت طرفین آن چیست، به ترتیب زیر میباشد: در یک طرف بورژوازی عراق با تفاق ضد انقلاب مغلوب یعنی بورژوازی وابسته انحصاری دوران رژیم شاه و عناصری از بورژوازی لیبرال قرار دارند که بطریق گوناگون از جانب ارتجاع منطقه و امپریالیسم آمریکا حمایت میشوند. و در طرف مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران یعنی خرده بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال اما نه تماماً با تفاق توده مردم ایران قرار دارند. و نیز از لحاظ اینکه "آدمه چه سیاستها و در اصل محصول چه هدفهایی است بصورت زیر میباشد: بورژوازی عراق، ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم آمریکا متفقاً در پی آن بودند که خرده بورژوازی حاکم را بفتح بورژوازی زیربکشد تا اولاً رژیم متناسب و منطبق با سیستم سرمایه داری وابسته بروی کارآید تا بهتر و دقیقتر از پس سرکوب انقلاب ایران و اعاده نظم مطلوب سرمایه وابسته برآید، ثانیا امتیازات مناطقی از خاک ایران

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

رزمندگان

در این میان نصیب بورژوازی عراق گردیده و بویژه شرمزاحمی سخت که برای اوضاع روه تلاطم عراق زیبا تر بود، از میان برداشته شود یعنی حکومتی بورژوازی و وابسته جا یگزین بلوک حاکم کنونی گردد، تا هم، با نزدیکی به امپریالیسم منافع آنرا تأمین کند و هم اینکه ارتجاع منطقه را از وحشت "صدور انقلاب اسلامی" آسوده نماید و بخصوص اینکه اوضاع داخلی ایران را از همه لحاظ به نفع بورژوازی تغییر دهد، و همه آثار انقلاب را بساط قاطعیت و تدبیر و سیاست بورژوازی نابود سازد.

در مقابل، رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات درونی آن سیاستی مستقل از امپریالیسم را - البته بیرون از محدوده اقتصاد و وسایل تولیدی و جنگی - چه در داخل و چه در خارج از کشور دنبال می نمود، و در مجموع از نظر سیاسی حکومتی غیر وابسته و مستقل از امپریالیسم را اداره میکرد، که چنین حکومتی با سیاست "نه شرقی نه غربی" آن برای امپریالیسم و ارتجاع منطقه تحمل ناپذیر بود. این حکومت غیر وابسته که در نتیجه جنبش انقلابی توده های مردم بر علیه رژیم پهلوی و سلطه امپریالیسم و بر اثر شورش و قیام زینالی ۵۷ هجری کارآمدن همان آستانه قیام رودر روی حرکت کرده و در جهت بسط و تداوم انقلاب ایستاد و شدیداً به سرکوب وسیع توده های انقلابی مناطق مختلف کشور پرداخت. با این حال، یعنی با وجود آنکه حکومت پس از قیام آشکارا وظیفه سرکوب انقلاب و توده های خلق را در پیش گرفت، و در برابر توده ها به دفاع از پایه ها و ارکان پیستم سرمایه داری وابسته دست زد، اما، بسا برای امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته حکومتی در خور و مناسب نبود، و ادامه موقعیت حزمونیک خرده بورژوازی در این حکومت و نیز وضعیت مستقل و غیر وابسته آن برای امپریالیسم تحمل ناپذیر و نا مطلوب بود. عملکردها و سیاستهای این حکومت گرچه در مجموع به پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته در برابر حرکت توده ها در جهت تداوم انقلاب معطوف بود، ولی سیاستهای خاص خرده بورژوازی از قبیل "اشغال سفارت"، "برخورد به گروه گانها"، "اصلاحات ارضی" و... در داخل و سیاست پاناسلامیسم و حمایت آن از جنبش های اسلامی فدرالیسم های ارتجاعی عرب و مخالفت با حکومت های سرسپرده و مزدور امپریالیسم در خارج از ایران، سدها تا مین منافع سرمایه انحصاری و امپریالیسم بود. و دقیقاً همین سیاستهای خرده بورژوازی، زمینه های کشیده شدن عراق به جنگ با ایران فراهم نمود. سیاستهایی که از یکسو متوجه سرکوب بی دریغ انقلاب و خلق ایران بود و از سوی دیگر در جهت ضدیت با منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه عمل کرده است.

جنگ ایران و عراق صورت جنگی تجاویزی از جانب عراق و جنگی دفاعی از طرف ایران را بخود گرفته است. تجاویز عراق نه فقط بر علیه رژیم جمهوری اسلامی است، بلکه همچنین در اصل بر علیه انقلاب و استقلال سیاسی ایران میباشد، و چنانکه گفتیم متوجه روی کار آوردن رژیم کا مل بورژوازی و وابسته به امپریالیسم میباشد. جنگی که اگر مستقیماً و ظاهراً بر علیه حکومت غیر وابسته و ضد انقلابی جمهوری اسلامی است، اما در عین حال بر علیه استقلال سیاسی ایران میباشد، جنگی تجاویزی بر علیه ضد انقلاب حاکم و نیز در اصل بر علیه خلق، انقلاب و استقلال ایران.

در مقابل، جنگ دفاعی ایران از طرف شرکت کنندگان در آن هدفهای یکسانی را دنبال نمیکند. رژیم جمهوری اسلامی گرچه به دفاع از استقلال سیاسی ایران پرداخته، اما بیش از هر چیز در پی دفاع از حکومت ضد انقلابی خود، یعنی دفاع از ضد انقلاب خرده بورژوازی - بورژوازی در برابر عراق و امپریالیسم میباشد. بهمین خاطر است که رژیم حاکم همزمان با جنگ وسیع با عراق، شدیداً به سرکوب نیروهای انقلابی در کردستان و در نقاط دیگر می

پردازد. جنگ حکومت جمهوری اسلامی، دفاع از ضد انقلاب حاکم است. استقلال سیاسی ایران در برابر عراق و امپریالیسم میباشد.

اما توده ها در این جنگ دفاعی، امر دفاع از انقلاب و دست آوردهای آن، و از جمله استقلال سیاسی ایران را دنبال میکنند. در این جنگ دفاعی آنها در پی خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تجاویز عراق که بمنظور بازگرداندن اوضاعی نسبتاً شبیه سابق صورت میگردد، میباشد. توده ها گرچه در حال حاضر، در برابر تجاویز عراق و در کنار حکومت جمهوری اسلامی قرار میگیرند، اما آنها

هرگز تلاش در راه ادامه انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب حاکم و پیگیری خواستهای بحق خود را فراموش نمی کنند. توده های مردم مساهلر هشیارانه در برابر اوضاع جنگ، بطور خود بخودی حرکتی درست را در پیش گرفتند آنها همچون بسیاری از کودکان چپ نمای جنبش کمونیستی رفتار نکردند و نگفتند که جنگ موجود چون جنگ دو ضد انقلاب است، پس از هر دو طرف ضد انقلابی و ارتجاعی بوده، و ما را جز مقابله و مخالفت با آن کاری نیست. آنها به تجربه و بطور خود بخودی و کورد ریافته بودند که بین ضد انقلاب و ضد انقلاب، بسا در ارتجاع و ارتجاع فرق هست. آنها گرچه از حکومت آخوندها - بقول خودشان - ناراضی بودند، اما باز به خطر عمده و مهمترین امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب در این جنگ واقف بودند. آنها بین ضد انقلاب وابسته و مزدور با ضد انقلاب غیر وابسته، بین ضد انقلاب بورژوازی و رگ و امپریالیسم با ضد انقلاب خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط فرق

میگذاشتند - هر چند بطور سطحی و با درک عامیانه خود - و چنان عمل کردند که بینایی علمی و ثنوریک بعضی از کمونیستها در مقایسه با کوری علمی آنها کوری محض بود. البته تفاوت گذاشتن بین دو ضد انقلاب نه از این زاویه است که یکی بهتر از دیگری بوده و بر آن ترجیح دارد، و با بد آنرا انتخاب کرد، بلکه مسئله پیشبرد انقلاب و حفظ دستاوردهای آنست که در پروسه پیشرفت خود از نظر مبارزاتسی بین دو ضد انقلاب یا دو ارتجاع نیازمند تفاوت قائل شدن است.

اینچنین جنگی دفاعی هر چند که عمدتاً بوسیله نیرویی ضد انقلابی هدایت شود، ارتجاعی محسوب نمی شود، و حتی ترقی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رشد اردوی مبارزاتی آن در حال حاضر اجباراً از گانال چنین جنگی میگردد. جنگی که متوجه خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تجاویز عراق بر علیه انقلاب و استقلال ایران میباشد، جنگی برحق و مثبت است. این چنین جنگی راه حتی با وجود آن که حکومت ضد انقلابی ایران در آن با برخورداری علیه انقلاب میسندد، هرگز نمی توان با اعتبار ارتجاعی بودن حکومت شریک در آن، ارتجاعی بحساب آورد. جنگ دفاعی در برابر تجاویز عراق و توطئه های امپریالیسم جنگی برحق بوده، و در جهت حرکت مترقی خلق ایران بر علیه امپریالیسم و به نفع توده های خلق میباشد چرا که مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از بازگشت سلطه سیاسی امپریالیسم نقش موثری در پیشبرد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت نابودی امپریالیسم همسو میباشد

نابودی امپریالیسم در کشوری نظیر ایران مستلزم نابودی سرمایه داری وابسته و سرکوب قهری بورژوازی است. تلاش در راه برقراری و یا حفظ استقلال سیاسی و طرد سلطه سیاسی امپریالیسم با وجود آنکه بمعنای نابودی سرمایه داری وابسته و سرنگونی بورژوازی نمیباشد، اما باز تا شریک سازی در فراهم آوردن زمینه لازم برای وارد کردن ضربه قطعی بر پیکر بورژوازی و سرمایه داری وابسته ندارد. درست است که مبارزه در راه استقلال سیاسی جنبه محوری و اصلی در راستای انقلاب ایران ندارد، اما این مبارزه نقش مثبت و موثری در پیشبرد و ترقی مبارزه طبقاتی و انقلاب ایران داشته، و بهمین جهت سیاست دفاع از استقلال سیاسی و جنگ در راه آن از خصلت مترقی برخوردار است.

ادامه دارد